

پانچ پرسوالات

کوش

فاطمة



سید حسن ابطی

پانچ بہ سوالات

کوش

(۱۲)

سید حسن امجدی

ابطحی، سید حسن، ۱۳۱۴
 پاسخ به سؤالات کوثر / نوشته سید حسن ابطحی.
 تهران: سیمای دوست، ۱۳۹۲.
 ۱۶۰ ص. ۸۰۰۰۰ ریال - شابک ۳ - ۷۲ - ۶۳۳۱ - ۶۶۴ - ۹۷۸
 تفاسیر (سوره کوثر)
 تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴. -- پرسش‌ها و پاسخ‌ها.
 ۱۳۹۲ پ ۲ الف / ۹۷۸ / ۱۰۲ BP
 ۲۹۷ / ۱۸
 ۳۳۸۱۹۲۸

شناسنامه کتاب

نام کتاب: پاسخ به سؤالات کوثر
 مؤلف: سید حسن ابطحی
 ناشر: سیمای دوست، تلفن ۰۹۱۲۱۱۹۰۹۱۵
 تعداد صفحات: ۱۶۰
 نوبت و تاریخ چاپ: اول / ۹۴
 چاپخانه: باقری
 شمارگان: ۳۰۰۰
 قطع: وزیری

شابک ۳ - ۷۲ - ۶۳۳۱ - ۶۶۴ - ۹۷۸



قیمت ۸۰۰۰ تومان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين

ووصلى الله على سيدنا محمد وآله أجمعين

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ الْمَلِكُ الْحَمِيدُ الْمُنِظَرُ الْمُهَذَّبُ



پیشگفتار

حمد خدایی را که ما را موفق به گفتن مطالبی برای عموم مردم در تمام موضوعات مذهبی، اعتقادی، فلسفی، اخلاقی و سایر معارف اسلامی فرمود، و تشکر از دوستانی که این مطالب را از نوارها پیاده کرده و به صورت کتاب درآورده‌اند و سپاس از دوستانی که لطفی به من داشته و خدمات خدمتگزارشان را ارج نهاده و آنچه مربوط به کوثر و این کتاب و این موضوع بوده را جدا کرده و آن‌ها را در فصول منظم نوشته و در اختیار ما گذاشته‌اند، من هم مختصر تنقیح و تصحیحی آن‌ها را نموده‌ام تا برای همه مفید باشد.

ضمناً این دوستان کوشش کرده‌اند که در قلم و ادب سخنرانی‌ها و پاسخ سوالات دخالت نکرده و به همان حالت ساده در این کتاب آورده‌اند و کار مشکل‌تر این دوستان آن بوده که سؤال و جوابی که در کتابهای اینجانب قبلاً چاپ شده آنها را از این سؤال و جوابها حذف نموده و تنقیح و تصحیح فرموده‌اند که از همه آنها کمال تشکر را داریم.

امید است خدای تعالی همه ما را زیر سایه امام زمان (ارواح‌نفاذ) محفوظ نگه دارد.

سید حسن ابطحی

سؤال اول:

«کوثر» و «حوض کوثر» چیست؟ لطفاً درباره معنای «کوثر»

توضیحاتی بفرمائید؟

پاسخ ما:

معنی کوثر به اجمال خیر زیاد، چیزهای خوب زیاد و به ترجمه عربی خیر کثیر است و از سیاق سوره و آیات استفاده می شود که منظور حضرت فاطمه اطهر علیها السلام است، که به وسیله او خوبی های زیادی به حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله اعطاء شده است. لذا خدای تعالی فرموده: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ * إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ».

قرآن ظاهر و باطنی دارد. در احادیث و روایات که از ناحیه اهل بیت علیهم السلام نقل شده، باطن قرآن بیان شده است. اما اگر ظاهرش مطلبی را بیان می کند نیازی به نقل روایات نیست.^(۱) در روایات نگفته اند که کوثر، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است به

۱ - عَنْ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنِ الْفَضِيلِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ هَذِهِ الرَّوَايَةِ مَا مِنْ آيَةٍ إِلَّا وَ لَهَا ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ وَ مَا فِيهِ حَرْفٌ إِلَّا وَ لَهُ حَدٌّ وَ مَطْلَعٌ مَا يَغْنِي بِقَوْلِهِ لَهَا ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ قَالَ ظَهْرٌ هُوَ تَأْوِيلُهَا مِنْهُ مَا قَدْ مَضَى مِنْهُ مَا لَمْ يَجِئْ يَجْرِي كَمَا تَجْرِي الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ كُلَّمَا جَاءَ تَأْوِيلُ شَيْءٍ مِنْهُ يَكُونُ عَلَى الْأُمُوتِ كَمَا يَكُونُ عَلَى



جهت اینکه این مربوط به ظاهر قرآن است. از ظاهر قرآن می توان معنی این که منظور از کوثر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است را استفاده کرد. ^(۱) زیرا وقتی که خدای تعالی در این سوره می فرماید: «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» ما به تو کوثر دادیم دشمن تو مقطوع النسل است و فرزند ندارد، خواهی نخواهی معنای کوثر، فاطمه زهرا علیها السلام می شود، زیرا این آیه شریفه بر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده و خطاب به آن حضرت است و در جایی که می فرماید: «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» منظور حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دشمن اوست که ابتر نامیده شده. وقتی که این جمله گفته شد به ما می فهماند که آنچه به حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داده شده خیر کثیری است که از ناحیه کثرت فرزندان به او عطا گردیده است و طبعاً همه می دانند که سوره کوثر درباره حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نازل شده و در وصف ایشان است.

اگر در شأن نزول این سوره مبارکه دقت کنید می بینید که حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به خاطر این که دشمنان گفته اند ایشان فرزند ندارد و مقطوع النسل است، محزون شده بودند. اما خداوند می فرماید نه، تو کوثر داری و دشمن و مبغض تو ای پیغمبر، مقطوع النسل است و فرزندی که بماند ندارد. ^(۲) این ظاهر قرآن است. به علاوه

⇒ الْأَحْيَاءُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ وَنَحْنُ نَعْلَمُهُ (بحار الأنوار، جلد ۲۳، صفحه ۱۹۷).

۱ - فَقَامَ الْمِقْدَادُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا دَارُ الْهُدْيَةِ قَالَ دَارُ بَلَاءٍ وَانْقِطَاعٍ فَإِذَا انْتَبَسَتْ عَلَيْكُمْ الْفَتَنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّهُ شَافِعٌ مُسْتَمْعٌ وَ مَحِلٌّ مُصَدِّقٌ مَنْ جَعَلَهُ أَمَامَهُ قَادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ وَمَنْ جَعَلَهُ خَلْفَهُ سَاقَهُ إِلَى النَّارِ وَ هُوَ الدَّلِيلُ يَدُلُّ عَلَى خَيْرِ سَبِيلٍ وَ هُوَ كِتَابُ تَفْصِيلٍ وَ بَيَانٍ وَ تَحْصِيلٍ وَ هُوَ الْفَضْلُ لَيْسَ بِالْهَزْلِ وَ لَهُ ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ فَظَاهِرُهُ حِكْمَةٌ وَ بَاطِنُهُ عِلْمٌ ظَاهِرُهُ أُنْبَى وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ لَهُ نُجُومٌ وَ عَلَى نُجُومِهِ نُجُومٌ لَا تُحْصَى عَجَائِبُهُ وَ لَا تُبْلَى غَرَائِبُهُ فِيهِ مَصَابِيحُ الْهُدَى وَ مَنَازِلُ الْحِكْمَةِ وَ دَلِيلٌ عَلَى الْمَعْرُوفِ لِمَنْ عَرَفَهُ (بحار الأنوار جلد ۸۹ صفحه ۱۷).

۲ - (تفسیر القمی) إِنَّا عَطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ

یکی از اسماء فاطمه زهرا علیها السلام کوثر است. کوثر مساوی است با فاطمه. «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» یا اینکه بگویند «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْفَاطِمَةَ» یا «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الزَّهْرَةَ» فرقی ندارد. «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ * إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ». کوثر حکمتی است که خدا به حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داده و حوض کوثر علم و حکمت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است که از این علم و حکمت دوازده نهر منشعب می شود که آنها اوصیاء حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هستند. آن نهری که از علم و حکمت و حقائق اشیاء از خدا گرفته شده و «علم ما کان و ما یکون» است که به عنوان معلومات از خدای تعالی به حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله داده شده است که فرموده: «و اودعته علم ما کان و ما یکون الی انقضاء خلقک»^(۱) پس از حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این معلومات صادر می شود و در قلب حضرت فاطمه زهرا علیها السلام جمع می شود، که نامش در ملکوت «حوض کوثر» است و از این حوض کوثر دوازده نهر جاری می شود که نام هر یک از آنها «نهر کوثر» می باشد. از اینجا مقام رفیع حضرت فاطمه زهرا علیها السلام فهمیده می شود. لذا اگر حضرت علی علیه السلام علمی از جانب پروردگار دارد به وسیله «کوثر» دارد و تمام انبیاء از کوثر استفاده می کنند. از نهر بزرگ و پُر عظمت وجود مقدس حجة بن الحسن علیه السلام انهاری هم در دل شما باز می کنند «وَيَجْعَلُ لَكُمْ أَنْهَارًا»^(۲) در قلبت آن سد محکم را گذاشته اند که آب کوثر در دل شما جریان پیدا می کند، شما دارای علم و حکمت

⇒ قَالَ الْكَوْثَرُ نَهْرٌ فِي الْجَنَّةِ أَعْطَى اللَّهُ مُحَمَّدًا عَوْضًا مِنْ ابْنِهِ إِبْرَاهِيمَ قَالَ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَى عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ وَ الْحَكَمِ بْنِ أَبِي الْعَاصِ فَقَالَ عَمْرُو يَا بَا الْأَبْتَرِ وَ كَانَ الرَّجُلُ فِي الْجَاهِلِيَّةِ إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ وَ لَكَدْ يُسَمَّى أَبْتَرُ ثُمَّ قَالَ عَمْرُو إِنِّي لَأَشْنَأُ مُحَمَّدًا أَيُّ أَبْغَضُهُ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ ﷺ إِنَّ شَانِئَكَ أَيُّ مَبْغُضِكَ عَمْرُو بْنُ الْعَاصِ هُوَ الْأَبْتَرُ يَغْنِي لَا دِينَ لَهُ وَ لَا نَسَبَ (بحار الأنوار جلد ۱۷ صفحه ۲۰۹).

۱- و اودعته علم ما کان و ما یکون الی انقضاء خلقک (بحار الأنوار جلد ۹۹ صفحه ۱۰۴).

۲- سوره نوح آیه ۱۲.

می‌شوید و حقایق قرآن را می‌فهمید، خدا را می‌شناسید، به طور کلی حقایق را درک می‌کنید و به علم و حکمت رسیده‌اید؛ لذا هر که هر چه از علم و حکمت دارد از حضرت فاطمه علیها السلام دارد. (۱)

مفسرین شیعه در ارتباط با کوثر، سه مطلب از آن روایات را بیان کرده‌اند. ۱ - حوض کوثر، (۲) ۲ - نهر کوثر (۳) ۳ - شفاعت کبرای حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله. در

۱ - عَنْ أَبِي ذَرٍّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَا أَبَا ذَرٍّ مَنْ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ يَلْتَمِسُ بَاباً مِنَ الْعِلْمِ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ بِكُلِّ قَدَمٍ ثَوَابَ نَبِيٍّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ حَرْفٍ يَسْمَعُ أَوْ يَكْتُبُ مَدِينَةً فِي الْجَنَّةِ وَ طَالِبُ الْعِلْمِ أَحَبُّهُ اللَّهُ وَ أَحَبُّهُ الْمَلَائِكَةُ وَ أَحَبُّهُ النَّبِيُّونَ وَ لَا يُحِبُّ الْعِلْمُ إِلَّا السَّعِيدَ فَطُوبَى لِطَالِبِ الْعِلْمِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ يَلْتَمِسُ بَاباً مِنَ الْعِلْمِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ قَدَمٍ ثَوَابَ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ طَالِبُ الْعِلْمِ حَبِيبُ اللَّهِ وَ مَنْ أَحَبَّ الْعِلْمَ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ وَ يُصْبِحُ وَ يُمَسِّي فِي رِضَا اللَّهِ وَ لَا يَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَشْرَبَ مِنَ الْكُوْثَرِ وَ يَأْكُلَ مِنْ ثَمَرَةِ الْجَنَّةِ وَ يَكُونُ فِي الْجَنَّةِ رَفِيقَ خَضِرٍ عليه السلام وَ هَذَا كُلُّهُ تَحْتَ هَذِهِ الْآيَةِ يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ (بحار الأنوار جلد ۱ صفحه ۱۷۸).

۲ - فِي لِقَائِنَا عَلَى الْحَوْضِ فَإِنَّا نَذُودُ عَنْهُ أَغْدَاءَنَا وَ نَسْقِي مِنْهُ أَجْبَاءَنَا وَ أَوْلِيَاءَنَا وَ مَنْ شَرِبَ مِنْهُ شَرِبَتْهُ لَمْ يَظْمَأْ بَعْدَهَا أَبَدًا حَوْضُنَا مُتَرَعٌ فِيهِ مَثْعَبَانِ يَنْصَبَانِ مِنَ الْجَنَّةِ أَحَدُهُمَا مِنْ تَسْنِيمٍ وَ الْآخَرُ مِنْ مَعِينٍ عَلَى حَافَتَيْهِ الرَّعْفَرَانِ وَ حَصَاةُ اللَّوْثُ وَ الْيَاقُوتِ وَ هُوَ الْكُوْثَرُ (بحار الأنوار جلد ۱۰ صفحه ۱۰۲).

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام أَنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَ مَعِيَ عِثْرَتُهُ عَلَى الْحَوْضِ فَمَنْ أَرَادَنَا فَلْيَأْخُذْ بِقَوْلِنَا وَ لِيَعْمَلْ بِعِلْمِنَا فَإِنَّ لِكُلِّ أَهْلِ بَيْتٍ نَجِيبٍ [نَجِيبًا] وَ لَنَا شَفَاعَةٌ وَ لِأَهْلِ مَوَدَّتِنَا شَفَاعَةٌ فَتَنَافَسُوا فِي لِقَائِنَا عَلَى الْحَوْضِ فَإِنَّا نَذُودُ عَنْهُ أَغْدَاءَنَا وَ نَسْقِي مِنْهُ أَجْبَاءَنَا وَ أَوْلِيَاءَنَا وَ مَنْ شَرِبَ مِنْهُ شَرِبَتْهُ لَمْ يَظْمَأْ بَعْدَهَا أَبَدًا حَوْضُنَا مُتَرَعٌ فِيهِ مَثْعَبَانِ [مَثْعَبَانِ] يَنْصَبَانِ مِنَ الْجَنَّةِ أَحَدُهُمَا مِنْ تَسْنِيمٍ وَ الْآخَرُ مِنْ مَعِينٍ عَلَى حَافَتَيْهِ الرَّعْفَرَانِ وَ حَصَاةُ اللَّوْثُ وَ الْيَاقُوتُ وَ هُوَ الْكُوْثَرُ الْخَبَرُ (بحار الأنوار جلد ۸ صفحه ۱۹).

۳ - قَالَ أَنَسُ بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله ذَاتَ يَوْمٍ بَيْنَ أَظْهُرِنَا إِذْ أَغْفَى إِغْفَاءً ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ مُبَسِّمًا فَقُلْتُ مَا أَضْحَكَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أُنْزِلَتْ عَلَيَّ آيَةٌ فَفَرَّأْتُ سُورَةَ الْكُوْثَرِ ثُمَّ قَالَ أَ تَدْرُونَ مَا الْكُوْثَرُ قُلْنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ

تفاسیر و تأویل قرآن، معانی مختلفی برای کوثر گفته شده است. دوازده معنا برای کلمه کوثر در کتب شیعه و سنی نقل شده است.

۱ - به معنای خیر کثیر یا خوبی های زیاد، خداوند می فرماید: خوبی های زیادی به تو ای پیغمبر ﷺ عنایت کردیم. آنچه که برای حضرت پیغمبر اکرم ﷺ، که بعد از خدا در عالم وجود برترین موجودات است، از ناحیه پروردگار با عظمت، کوثر و خوبی زیاد گفته می شود، باید یک چیز بسیار مهمی باشد. فرض کنید اگر به ما بگویند که به شما خوبی های زیادی داده ایم، طبعاً به مقتضای شخصیت مان این است که سلامتی داشته باشیم، پولدار شویم یا خانه خوبی داشته باشیم. ولی اگر مثلاً به یک رئیس جمهور بگویند ما به تو خوبی های زیادی داده ایم چیزهای مهم تری را تحت الشعاع قرار می دهد. مثلاً موفق شود مملکتی را فتح کند یا عدالت را بر مملکتی مستقر کند یا تورم را از بین ببرد. پس خوبی ها نسبت به افراد فرق می کند. (۱) (۲)

﴿أَعْلَمُ قَالَ فَإِنَّهُ نَهْرٌ وَعَدْنِيهِ رَبِّي عَلَيْهِ خَيْرٌ كَثِيرًا هُوَ حَوْضِي تَرِدُ عَلَيْهِ أُمَّتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ آيَتُهُ عَدَدُ نُجُومِ السَّمَاءِ فَيُخْتَلَجُ الْقُرْنُ مِنْهُمْ فَأَقُولُ يَا رَبِّ إِنَّهُمْ مِنْ أُمَّتِي فَيَقَالَ إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا أَخَذُوا بِغَدِكَ أَوْ رَدَّهُ مُسْلِمٌ فِي الصَّحِيحِ (بحار الأنوار جلد ۸ صفحه ۱۶).

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ لَمَّا نَزَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ قَالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ مَا هُوَ الْكَوْثَرُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ نَهْرٌ أَكْرَمَنِي اللَّهُ بِهِ قَالَ عَلِيُّ إِنَّ هَذَا النَّهْرَ شَرِيفٌ فَأَنْعَتُهُ لَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ نَعَمْ يَا عَلِيُّ الْكَوْثَرُ نَهْرٌ يَجْرِي تَحْتَ عَرْشِ اللَّهِ تَعَالَى مَاؤُهُ أَشَدُّ بَيَاضاً مِنَ اللَّبَنِ وَأَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ وَالَّذِينَ مِنَ الرَّبْدِ وَحَصَاهُ [حَصْبَاؤُهُ] الرَّبْزُجْدُ وَالْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ حَشِيشُهُ الرَّعْفَرَانُ تَرَابُهُ الْمِسْكُ الْأَذْفَرُ قَوَاعِدُهُ تَحْتَ عَرْشِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ ضَرَبَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَدَهُ فِي جَنْبِ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ؑ وَقَالَ يَا عَلِيُّ إِنَّ هَذَا النَّهْرَ لِي وَلَكَ وَلِمُجَبِّيكَ مِنْ بَعْدِي (بحار الأنوار جلد ۸ صفحه ۱۸).

۱ - فزاده الله تبارک و تعالی کوثر و أعطاه الشفاعة و ذلك أعظم من ملك الدنيا من أولها إلى آخرها

حالا از جانب پروردگار با آن عظمت، آن هم با منت بفرماید که ما به تو عطیه‌ای را می‌دهیم.^(۳) این هدیه را مناسب مقام الوهیت پروردگار به حضرت پیغمبر ﷺ می‌دهند «الهدية على قدر مهديها».^(۴)

این خوبی زیاد باید مناسب حضرت پیامبر اکرم ﷺ باشد. اما برای حضرت پیغمبر ﷺ خوبی زیاد چیست؟ در روز وفاتش جبرئیل آمد خوبی‌های زیادی را به حضرت پیغمبر ﷺ گفت که، چطور بهشت را مرتب کردیم و چگونه برنامه‌ها را تنظیم کرده‌ایم، ملائکه صف بسته‌اند و منتظرند، در بهشت را برای شما باز گذاشته‌اند و منتظر شما هستند، خدا و تمام مخلوقاتش می‌خواهند از شما استقبال کنند. فرمودند: چیزی بگو که خوشحال شوم. جبرئیل دیگر چه بگوید که حضرت رسول اکرم ﷺ را خوشحال کند؟ جبرئیل عرض کرد چه بگویم؟ حضرت پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: درباره امت من خدای تعالی چه تصمیمی می‌گیرد؟ (این امتی که معصیت‌کار، تنبل و اهل کمالات نیستند، به راه تزکیه نفس قدم بر نمی‌دارند. بعد از ۱۴۰۰ سال هنوز عده‌ای در تردید هستند که تزکیه نفس باید انجام بشود یا

⇒ سبعین مرة (الاحتجاج جلد ۱ صفحه ۲۲۰).

۲- و قيل الكوثر الخير الكثير عن ابن عباس و ابن جبير و مجاهد و قيل هو النبوة و الكتاب عن عكرمة و قيل القرآن عن الحسن و قيل هو كثرة الأصحاب و الأشياع عن أبي بكر بن عياش و قيل هو كثرة النسل و الذرية و قد ظهرت الكثرة في نسله من ولد فاطمة عليها السلام حتى لا يحصى عددهم و اتصل إلى يوم القيامة مددهم و قيل هو الشفاعة روجه عن الصادق عليه السلام و اللفظ محتمل لكل فيجب أن يحمل على جميع ما ذكر من الأقوال فقد أعطاه الله سبحانه الخير الكثير في الدنيا و وعده الخير الكثير في الآخرة و جميع هذه الأقوال تفصيل للجملة التي هي الخير الكثير في الدارين. (بحار الأنوار جلد ۸ صفحه ۱۷).

۳- عطیه معمولاً بدون استحقاق است یعنی انسان در مقابل عملی، عطیه را نمی‌گیرد در اثر محبت هدیه کننده به کس دیگر داده می‌شود.

۴- بحار الأنوار جلد ۷۵ صفحه ۲۳۵.

نه؟ ببینید آن روزها چه بوده؟ اصلاً برای این جهت آمادگی نداشته‌اند) جبرئیل به حضرت پیامبر اکرم ﷺ مژده شفاعت کبری را از طرف خدای تعالی داد. (۱)

۲- به معنای نهر جاری در بهشت است که خصوصیتی برایش بیان کرده‌اند. از جمله اینکه در اطراف این نهر دوازده هزار درخت است، هر درخت سیصد شاخه دارد، وقتی اهل بهشت دوست دارند یک آهنگ یا صدای خوبی بشنوند اراده می‌کنند این درختها حرکت می‌کنند و صدایی به گوششان می‌رسد. (اگر مرگ در آخرت می‌بود به خاطر صدای لذت‌بخش درختها یک لحظه زنده نمی‌ماندند) میان درختها حورالعین هستند، آب نهر از عسل شیرین‌تر و از شیر سفیدتر است. خلاصه تا نخوری ندانی. (۲)

۳- حوض در بُعد معنوی و ظاهری است.

سؤالی مطرح می‌شود، چطور می‌توان حوض کوثر را تشبیه کرد؟

حوض یعنی محل اجتماع آب. در روایات یک نهر کوثر داریم (که توضیح داده شد) و در جای دیگر حوض کوثر نام برده شده. کلمه کوثر را این طور معنا کرده‌اند،

۱- فقال يا محمد عش ملكا منعما و هذه مفاتيح خزائن الارض معك و يسير معك جبالها ذهابا و فضة و لا ينقص لك مما ادخر لك في الآخرة شيء فأومى الى جبرئيل و كان خلیله من الملائكة فأشار عليه أن تواضع فقال له بل أعيش نبيا عبدا آكل يوما و لا أكل يومين و ألق باخواني من الانبياء فزاده الله تبارك و تعالی الكوثر و أعطاه الشفاعة و ذلك اعظم من ملك الدنيا من اولها الى آخرها سبعين مرة و وعده المقام المحمود (الاحتجاج جلد ۱ صفحه ۲۲۰).

۲- فقال رسول الله ﷺ يا علي اما المنادي فجبرئيل و الماء من نهر يقال له الكوثر عليه اثنا عشر الف شجرة كل شجرة لها ثلاثة مائة و ستون عصنا فاذا اراد اهل الجنة الطرب هبت ریح فما من شجرة و لا غصن الا و هو احلى صوتا من الآخر و لولا ان الله تعالی كتب على اهل الجنة لا يمتوتوا لمتوا فرحا من شدة حلاوة تلك الاصوات و هذا النهر في الجنة عدن و هو لى و لك و لفاطمة و الحسن و الحسين و ليس لاحد فيه شيء. (بحار الانوار جلد ۸ صفحه ۲۶).



یک مایع روح بخش که اگر انسان بخورد دیگر تشنه نخواهد شد. از غسل شیرین تر است و با مایعات دنیوی مقایسه نمی شود. (۱)

این مایع روح بخش از نهر عبور می کند و وارد حوض می شود. بعضی در توصیف این مایع گفته اند که شیر یا غسل است که در این جوی یا نهر جریان پیدا می کند داخل حوض می ریزد و کنار این حوض اهل بیت علیهم السلام نشسته اند و به صاحبشان و دوستانشان از این مایع عنایت می کنند. البته این معنای ملکی این حوض کوثر بود، که بعد ملکوتی آن ارزش بسیار زیادی دارد که در جای خودش

۱ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ الْمَوْجَ قَلْبُهُ لَنَا لَيَفْرَحُ يَوْمَ يَرَانَا عِنْدَ مَوْتِهِ فَرَحًا لَا تَزَالُ تِلْكَ الْفَرَحَةُ فِي قَلْبِهِ حَتَّى يَرِدَ عَلَيْنَا الْحَوْضُ وَإِنَّ الْكَوْثَرَ لَيَفْرَحُ بِمُحِبَّتِنَا إِذَا وَرَدَ عَلَيْهِ حَتَّى إِنَّهُ لَيَذِيقُهُ مِنْ ضُرُوبِ الطَّعَامِ مَا لَا يَسْتَهَيُّ أَنْ يَصُدُرَ عَنْهُ يَا مِسْمَعُ مَنْ شَرِبَ مِنْهُ شَرْبَةً لَمْ يَطْمَأْ بَعْدَهَا أَبَدًا وَلَمْ يَشْقَ بَعْدَهَا أَبَدًا وَهُوَ فِي بَرْدِ الْكَافُورِ وَرِيحِ الْمِسْكِ وَطَعْمِ الزَّجْجِيلِ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ وَالَّتَيْنِ مِنَ الرُّبْدِ وَأَصْفَى مِنَ الدَّمْعِ وَأَذْكَى مِنَ الْعَنْبَرِ يَخْرُجُ مِنْ تَسْنِيمٍ وَيَمُرُّ بِأَنْهَارِ الْجَنَّةِ تَجْرِي عَلَى رَضَارِضِ الدَّرِّ وَالْيَاقُوتِ فِيهِ مِنَ الْقُدْحَانِ أَكْثَرُ مِنْ عَدَدِ نَجُومِ السَّمَاءِ يُوجَدُ رِيحُهُ مِنْ مَسِيرَةِ أَلْفِ عَامٍ قُدْحَانُهُ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْأَوَانِ الْجَوْهَرِ يَقُوعُ فِي وَجْهِ الشَّارِبِ مِنْهُ كُلُّ فَايَحَةٍ حَتَّى يَقُولَ الشَّارِبُ مِنْهُ لَيْتَنِي تَرَكْتُ هَاهُنَا لَأُبْعِيَ بِهَذَا بَدَلًا وَ لَا عَنْهُ تَحْوِيلًا أَمَا إِنَّكَ يَا كِرْدِينَ مِمَّنْ تَرَوِي مِنْهُ وَمَا مِنْ عَيْنٍ بَكَتْ لَنَا إِلَّا نَعِمْتُ بِالنَّظَرِ إِلَى الْكَوْثَرِ وَ سَقِيَّتْ مِنْهُ مَنْ [مَعَ مَنْ] أَحَبَّنَا وَإِنَّ الشَّارِبَ مِنْهُ لَيُعْطَى مِنَ اللَّذَّةِ وَالطَّعْمِ وَالشَّهْوَةِ لَهُ أَكْثَرُ مِمَّا يُعْطَاهُ مَنْ هُوَ دُونَهُ فِي حُبِّنَا وَإِنَّ عَلَى الْكَوْثَرِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ فِي يَدِهِ عَصَاءٌ مِنْ عَوْسَجٍ يَخْطُمُ بِهَا أَعْدَاءَنَا فَيَقُولُ الرَّجُلُ مِنْهُمْ إِنِّي أَشْهَدُ الشَّهَادَتَيْنِ فَيَقُولُ انْطَلِقْ إِلَى إِمَامِكَ فَلَا تَنَاسَلْهُ أَنْ يَشْفَعَ لَكَ فَيَقُولُ تَبَرَّأْتُ مِنِّي إِمَامِي الَّذِي تَذَكَّرُهُ فَيَقُولُ ارْجِعْ وَرَاءَكَ فَقُلْ لِلَّذِي كُنْتُ تَتَوَلَّاهُ وَ تَقْدِّمُهُ عَلَى الْخَلْقِ فَاسْأَلْهُ إِذَا كَانَ عِنْدَكَ خَيْرُ الْخَلْقِ أَنْ يَشْفَعَ لَكَ فَإِنَّ خَيْرَ الْخَلْقِ حَقِيقٌ أَنْ لَا يُرَدَّ إِذَا شَفَعَ فَيَقُولُ إِنِّي أَهْلَكُ عَطْشًا فَيَقُولُ زَادَكَ اللَّهُ طَمًا وَ زَادَكَ اللَّهُ عَطْشًا قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ وَ كَيْفَ يَقْدِرُ عَلَى الدُّنُوِّ مِنَ الْحَوْضِ وَ لَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهِ غَيْرُهُ قَالَ وَرَعَ عَنْ أَشْيَاءَ قَبِيحَةٍ وَ كَفَّ عَنْ شَتْمِنَا إِذَا ذَكَّرْنَا وَ تَرَكَ أَشْيَاءَ اجْتَرَأَ عَلَيْهَا غَيْرُهُ وَ لَيْسَ ذَلِكَ لِحُبِّنَا وَ لَا لِهَوًى مِنْهُ لَنَا وَ لَكِنْ ذَلِكَ لِشِدَّةِ اجْتِهَادِهِ فِي عِبَادَتِهِ وَ تَذِيبِهِ وَ لِمَا قَدْ شُغِلَ بِهِ نَفْسُهُ عَنْ ذِكْرِ النَّاسِ فَأَمَّا قَلْبُهُ فَمُنَافِقٌ وَ دِينُهُ النَّصَبُ وَ اتِّبَاعُهُ أَهْلَ النَّصَبِ وَ وَلَايَةُ الْمَاضِينَ وَ تَقْدِيمُهُ لَهُمَا عَلَى كُلِّ أَحَدٍ (بحار الانوار جلد ۸ صفحه ۲۲).

بحث می شود. (۱)

۴ - قرآن است. (۲)

۵ - کتاب است. یعنی تمام علومى که در کتب گذشته و لوح محفوظ است به حضرت پیامبر اکرم ﷺ داده اند. (علم و حکمتی که خداوند در قلب حضرت پیامبر اکرم ﷺ نهاده، معنای کوثر است).

۶ - شفاعت عظمای حضرت پیامبر اکرم ﷺ در روز قیامت است (۳) که خدای

۱ - عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنَا سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَأَفْضَلُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَأَوْصِيَائِي سَادَةُ أَوْصِيَاءِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَدُرِّيَّتِي أَفْضَلُ دُرِّيَّاتِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَأَصْحَابِي الَّذِينَ سَلَكَوا مِنْهَا جِي أَفْضَلُ أَصْحَابِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَابْنَتِي فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَالطَّاهِرَاتِ مِنْ أَزْوَاجِي أُمَّهَاتُ الْمُؤْمِنِينَ وَأُمَّتِي خَيْرُ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ وَأَنَا أَكْثَرُ النَّبِيِّينَ تَبَعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِي حَوْضٌ عَرْضُهُ مَا بَيْنَ بَصْرَى وَصَنْعَاءَ فِيهِ مِنَ الْأَبَارِيقِ عَدَدُ نُجُومِ السَّمَاءِ وَخَلِيفَتِي عَلَى الْحَوْضِ يَوْمَئِذٍ خَلِيفَتِي فِي الدُّنْيَا فَعِيلٌ وَمَنْ ذَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ إِمَامُ الْمُسْلِمِينَ وَآمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَمَوْلَاهُمْ بَعْدِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ يَسْتَقِي مِنْهُ أَوْلِيَاءَهُ وَيَذُودُ عَنْهُ أَعْدَاءَهُ كَمَا يَذُودُ أَحَدُكُمْ الْغَرِيبَةَ مِنَ الْإِبِلِ عَنِ الْمَاءِ ثُمَّ قَالَ ﷺ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا وَأَطَاعَهُ فِي دَارِ الدُّنْيَا وَرَدَّ عَلَيَّ حَوْضِي عَدَاً وَكَانَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي فِي الْجَنَّةِ وَمَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا فِي دَارِ الدُّنْيَا وَعَصَاهُ لَمْ أَرَهُ وَكَمْ يَرَنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاخْتَلَجَ دُونِي وَأَخَذَ بِهِ ذَاتَ الشَّمَالِ إِلَى النَّارِ (بحار الأنوار جلد ۸ صفحه ۲۲)

۲ - عن ابن عباس مرفوعاً في قوله تعالى يوتى الحكمة من يشاء قال الحكمة القرآن. (بحار الأنوار جلد ۱ صفحه ۲۲۰).

۳ - عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ﷺ أَنَّ يَهُودِيًّا مِنْ يَهُودِ الشَّامِ وَأَخْبَارِهِمْ كَانَ قَدْ قَرَأَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَالزَّبُورَ وَصَحَّفَ الْأَنْبِيَاءَ ﷺ وَعَرَفَ دَلَالَتَهُمْ جَاءَ إِلَى مَجْلِسٍ فِيهِ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَفِيهِمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ وَابْنُ عَبَّاسٍ وَابْنُ مَعْبُدٍ الْجُهَنِيُّ فَقَالَ يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ مَا تَرَكْتُمْ لِنَبِيِّ دَرَجَةً وَ لَا لِمُرْسَلٍ فَضِيلَةً إِلَّا نَحَلْتُمُوهَا نَبِيِّكُمْ فَهَلْ تَجِيبُونِي عَمَّا أَسْأَلُكُمْ عَنْهُ فَكَاعَ الْقَوْمُ عَنْهُ فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ نَعَمْ مَا أُعْطِيَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ نَبِيًّا دَرَجَةً وَ لَا مُرْسَلًا فَضِيلَةً إِلَّا وَ قَدْ جَمَعَهَا لِمُحَمَّدٍ ﷺ وَ زَادَ مُحَمَّدًا ﷺ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً فَزَادَهُ اللَّهُ تَعَالَى الْكَوْثَرَ وَ أَعْطَاهُ الشَّفَاعَةَ وَ ذَلِكَ أَكْظَمُ مِنْ مُلْكٍ مِنْ أَوْلَاهَا إِلَى آخِرِهَا سَبْعِينَ مَرَّةً



تعالی در قرآن می‌فرماید: «و لسوف یعطیک ربک لترضی». ^(۱) «به زودی پروردگارت آن قدر به تو عطا می‌کند که خشنود شوی».

۷ - مقام محمود است. ^(۲) مقام محمود که خدای تعالی به حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَاماً مَّحْمُوداً». «و بخشی از شب را برخیز (پس قرآن بخوان) این یک وظیفه اضافی برای تو خواهد بود. امید است این که پروردگارت تو را به مقام پسندیده‌ای برساند». ^(۳)

۸ - معنای دیگر که در تفسیر آمده، کثرت امت حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز قیامت است، امت حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله از همه امتها بیشتر است. (چون وقتی حضرت بقیه الله ارواحنا فداه ظهور کنند، بعد از آن تمام دنیا مسلمان می‌شوند و بیشتر عمر دنیا بعد از ظهور است).

۹ - کثرت نسل حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است (ذریه حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است). که بهترین معنا و تفسیر برای کلمه کوثر ذریه طیبه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است. هر یک از ائمه اطهار علیهم السلام و فرزندان حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقش فوق العاده مؤثری در بقای دین، انسانیت، ایجاد مدینه فاضله، پخش علوم و معارف حقه و ایجاد عدل و داد در سراسر جهان دارند و بارزترین و

⇒ وَ وَعَدَهُ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ أَفْعَدَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى الْعَرْشِ (بحار الأنوار جلد ۱۰ صفحه ۲۸)

- ۱ - سوره ضحی آیه ۵.
- ۲ - هر کسی نسبت به خودش مقام محمودی دارد حتی اگر انسان طلبه باشد، مرجعیت و مجتهد شدن مقام محمودش است. در انبیاء، مقام محمود، خاتم الانبیاء، حضرت محمد صلی الله علیه و آله است و ایشان می‌باشند که دستور می‌دهند بقیه پیامبران از مهلکه نجات پیدا کنند.
- ۳ - آیه ۷۹ سوره الاسراء.

بزرگترین فرد ذریّه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام حضرت بقیّة الله عز وجل می باشد که تمام ادیان جهان منتظر ظهور این وجود مقدّس هستند. (۱)

۱۰ - محبت حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به تمام مردم که «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» هستند معنای کوثر است.

۱۱ - فراگیری اسلام در تمام عالم، از دیگر معانی کوثر است.

۱ - و قيل الكوثر الخير الكثير عن ابن عباس و ابن جبير و مجاهد و قيل هو النبوة و الكتاب عن عكرمة و قيل القرآن عن الحسن و قيل هو كثرة الأصحاب و الأشياع عن أبي بكر بن عياش و قيل هو كثرة النسل و الذرية و قد ظهرت الكثرة في نسله من ولد فاطمة عليها السلام حتى لا يحصى عددهم و اتصل إلى يوم القيامة مددهم و قيل هو الشفاعة روه عن الصادق عليه السلام و اللفظ محتمل لكل فيجب أن يحمل على جميع ما ذكر من الأقوال فقد أعطاه الله سبحانه الخير الكثير في الدنيا و وعده الخير الكثير في الآخرة و جميع هذه الأقوال تفصيل للجملة التي هي الخير الكثير في الدارين. (بحار الأنوار جلد ۸ صفحه ۱۷).

و قيل الكوثر الخير الكثير عن ابن عباس و ابن جبير و مجاهد و قيل هو النبوة و الكتاب عن عكرمة و قيل القرآن عن الحسن و قيل هو كثرة الأصحاب و الأشياع عن أبي بكر بن عياش و قيل هو كثرة النسل و الذرية و قد ظهرت الكثرة في نسله من ولد فاطمة عليها السلام حتى لا يحصى عددهم و اتصل إلى يوم القيامة مددهم و قيل هو الشفاعة روه عن الصادق عليه السلام و اللفظ محتمل لكل فيجب أن يحمل على جميع ما ذكر من الأقوال فقد أعطاه الله سبحانه الخير الكثير في الدنيا و وعده الخير الكثير في الآخرة و جميع هذه الأقوال تفصيل للجملة التي هي الخير الكثير في الدارين.

سؤال دوم:

چگونه می‌توانیم در همین دنیا، نهایت استفاده را از حوض و

نهر کوثر ببریم؟

پاسخ ما:

کوثر را در روایات به حوض تشبیه کرده‌اند که این حوض تقریباً یک دریاچه است و در روایات است که به اندازهٔ همهٔ شیعیان جام در اطراف آن هست^(۱) و این آب بسیار شیرین و گوارا، از غسل شیرین‌تر و از هر چیزی که فکرش را بکنید لطیف‌تر است، این آشامیدنی طهور، هم خودش پاک است و هم نوشنده را پاک می‌کند. وقتی که در گوشه‌ای از صحرای محشر مشغول پاک سازی روح هستی، در همان زمان یک آشامیدنی به تو می‌دهند و تو را برای هر چه زودتر رفتن به بهشت پاک می‌کنند. امام هر زمان برای پیروانش سقایت می‌کند و دیگر عطشی

۱- قَالَ أَنَسُ بَيْنَنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ذَاتَ يَوْمٍ بَيْنَ أَظْهَرِنَا إِذْ أَغْفَى إِغْفَاءً ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ مُتَبَسِّمًا فَقُلْتُ مَا أَضْحَكَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أُنْزِلَتْ عَلَيَّ آيَةٌ سُورَةٌ فَقَرَأْتُ سُورَةَ الْكَوْثَرِ ثُمَّ قَالَ أَتَدْرُونَ مَا الْكَوْثَرُ قُلْنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ فَإِنَّهُ نَهْرٌ وَعَدْنِيهِ رَبِّي عَلَيْهِ خَيْرٌ أَكْثَرًا هُوَ حَوْضِي تَرُدُّ عَلَيْهِ أُمَّتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ آيَتُهُ عَدَدُ نُجُومِ السَّمَاءِ فَيُخْتَلَجُ الْقَرْنُ مِنْهُمْ فَأَقُولُ يَا رَبِّ إِنَّهُمْ مِنْ أُمَّتِي فَيَقَالُ إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا أَخَذْتُوا بِعَدَاكَ أَوْ رَدَّهُ مُسْلِمٌ فِي الصَّحِيحِ (بحار الانوار جلد ۸ صفحه ۱۶).

نخواهید داشت.

اما ملکوت این حوض که مهم‌تر از ملکوت است و ملکوت کوثر که مهم‌تر از آب کوثر است، چیز دیگری است که در همین دنیا جریان دارد. ما می‌توانیم در همین دنیا دائماً از ملکوت حوض کوثر استفاده کنیم که آن هم به دست امام زمانمان (ارواحنا فداه) منتهی است. درک این ملکوت مقداری دقت و تحلیل فکری می‌خواهد. در دنیا انسان هم غذا برای بدن لازم دارد، هم غذا برای روحش. روح غذای مخصوصی دارد. انسان باید در دنیا روحش را زنده نگه دارد و به او غذا برساند. غذای روح، آب طهور کوثر که همان شراب ملکوتی، از علوم خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام است، که باید از آن استفاده کنیم تا حیات ابدی پیدا کنیم و دیگر تشنه هیچ چیز جز تشنه خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام نباشیم.^(۱)

۱ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ الْمَوْجَعَ قَلْبُهُ لَنَّا لَيَفْرَحَ يَوْمَ يَرَانَا عِنْدَ مَوْتِهِ فَرَحَهُ لَا تَزَالُ تِلْكَ الْفَرَحَةُ فِي قَلْبِهِ حَتَّى يَرِدَ عَلَيْنَا الْحَوْضَ وَإِنَّ الْكَوْثَرَ لَيَفْرَحُ بِمُحِبَّتِنَا إِذَا وَرَدَ عَلَيْهِ حَتَّى إِنَّهُ لَيُذِيقُهُ مِنْ ضُرُوبِ الطَّعَامِ مَا لَا يَشْتَهِي أَنْ يَصُدُرَ عَنْهُ يَا مَسْمُوعُ مِنْ شَرِبَ مِنْهُ شَرْبَةً لَمْ يَظْمَأْ بَعْدَهَا أَبَدًا وَلَمْ يَشْقَ بَعْدَهَا أَبَدًا وَهُوَ فِي بَرْدِ الْكَافُورِ وَرِيحِ الْمِسْكِ وَطَعْمِ الرَّنَجَبِيلِ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ وَاللَّيْنُ مِنَ الزُّبْدِ وَأَصْفَى مِنَ الدَّمْعِ وَأَذْكَى مِنَ الْعَنْبَرِ يَخْرُجُ مِنْ تَسْنِيمٍ وَيَمُرُّ بِأَنْهَارِ الْجَنَانِ تَجْرِي عَلَى رَضْرَاضِ الدُّرِّ وَالْيَاقُوتِ فِيهِ مِنَ الْقُدْحَانِ أَكْثَرُ مِنْ عَدَدِ نَجُومِ السَّمَاءِ يُوَجِدُ رِيحَهُ مِنْ مَسِيرَةِ أَلْفِ عَامٍ قُدْحَانُهُ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْوَانِ الْجَوْهَرِ يَفُوحُ فِي وَجْهِ الشَّارِبِ مِنْهُ كُلُّ فَائِحَةٍ حَتَّى يَقُولَ الشَّارِبُ مِنْهُ لَيْسَنِي تُرَكْتُ هَاهُنَا لَا أَنْبَغِي بِهِذَا بَدَلًا وَلَا عَنْهُ تَحْوِيلًا أَمَا إِنَّكَ يَا كَرْدِيئُ مِمَّنْ تَرَوِي مِنْهُ وَمَا مِنْ عَيْنٍ بَكَتْ لَنَا إِلَّا نُعِمْتُ بِالنَّظَرِ إِلَى الْكَوْثَرِ وَ سَقِيتُ مِنْهُ مَنْ [مَعَ مَنْ] أَحَبَّنَا وَإِنَّ الشَّارِبَ مِنْهُ لَيُعْطَى مِنَ اللَّذَّةِ وَالطَّعْمِ وَالشَّهْوَةِ لَهُ أَكْثَرُ مِمَّا يُعْطَاهُ مَنْ هُوَ دُونُهُ فِي حُبِّنَا وَإِنَّ عَلَى الْكَوْثَرِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَفِي يَدِهِ عَصَاءٌ مِنْ عَوْسَجٍ يَخْطُمُ بِهَا أَعْدَاءَنَا فَيَقُولُ الرَّجُلُ مِنْهُمْ إِنِّي أَشْهَدُ الشَّهَادَتَيْنِ فَيَقُولُ انْطَلِقْ إِلَى إِمَامِكَ فَلَايَ فَاَسْأَلُهُ أَنْ يَشْفَعَ لَكَ فَيَقُولُ تَبَرَّأْتُ مِنِّي إِمَامِي الَّذِي تَذْكُرُهُ فَيَقُولُ ارْجِعْ وَرَاءَكَ فَقُلْ لِلَّذِي كُنْتُ تَتَوَلَّاهُ وَتَقْدِّمُهُ عَلَى الْخَلْقِ فَاَسْأَلُهُ إِذْ كَانَ عِنْدَكَ خَيْرُ الْخَلْقِ أَنْ يَشْفَعَ لَكَ فَإِنَّ خَيْرَ الْخَلْقِ حَقِيقٌ أَنْ لَا يُرَدَّ إِذَا شَفَعَ فَيَقُولُ إِنِّي أَهْلِكُكَ عَطْشًا فَيَقُولُ زَادَكَ اللَّهُ طَمَأً وَزَادَكَ اللَّهُ عَطْشًا

اگر ما بتوانیم با روح و ملکوت ارتباطی برقرار کنیم، آن وقت درک می‌کنیم که وقتی در مجلس اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام نشسته‌ایم در حال استفاده از ملکوت کوثر هستیم. آن هم با دست حضرت ولی عصر (روحی فدا) و اینها روایت دارد. حوض کوثر که خود کوثر است، حکمتی از جانب خدای تعالی است که به قلب حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وارد شده است. نهر کوثر همان دوازده نهری است که جاری است و الآن در زمان ما دوازدهمین نهر حضرت بقیة الله عزیزه‌الله است که از علوم ایشان استفاده می‌کنیم می‌باشد. اگر مراحل تزکیه نفس را گذرانده باشید و به مرحله خلوص رسیده باشید، حکمت در قلب شما جمع می‌شود و به زبان‌تان جاری می‌گردد. ^(۱) حکمت، کلمات ارسطو یا افلاطون و یا بوعلی سینا نیست ^(۲) اینها فلسفه است. یعنی افکار بشر، آن هم از طریق عقل بشر که مطالبی را درک کرده و نامش را فلسفه گذاشتند. الان فلسفه قدیم را کنار گذاشته و فلسفه جدید را جایگزین کرده‌اند. در حالی که حکمت این طور نیست. تغییرناپذیر است. حکمت

⇒ قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ وَكَيْفَ يَقْدِرُ عَلَى الدُّنُوِّ مِنَ الْحَوْضِ وَلَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهِ غَيْرُهُ قَالَ وَرِعَ عَنْ أَشْيَاءَ قَبِيحَةٍ وَكَفَّ عَنْ شَتَمِنَا إِذَا ذُكِرْنَا وَتَرَكَ أَشْيَاءَ اجْتَرَأَ عَلَيْهَا غَيْرُهُ وَ لَيْسَ ذَلِكَ لِحُبِّنَا وَ لَا لِهَوًى مِنْهُ لَنَا وَ لَكِنْ ذَلِكَ لِشِدَّةِ اجْتِهَادِهِ فِي عِبَادَتِهِ وَ تَدَبُّبِهِ وَ لِمَا قَدْ شَغِلَ بِهِ نَفْسُهُ عَنْ ذِكْرِ النَّاسِ فَأَمَّا قَلْبُهُ فَمُنَافِقٌ وَ دِينُهُ النَّصَبُ وَ اتِّبَاعُهُ أَهْلَ النَّصَبِ وَ وَلَايَةِ الْمَاضِينَ وَ تَقْدِيمُهُ لَهُمَا عَلَى كُلِّ أَحَدٍ (بحار الأنوار جلد ۸ صفحه ۲۲).

۱ - عُدَّةُ الدَّاعِي، عَنِ النَّبِيِّ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قَالَ مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا فَجَزَّ اللَّهُ يَتَابِعَ الْحِكْمَةَ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ (بحار الأنوار جلد ۶۷ صفحه ۲۴۹).

۲ - عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وَ قَدْ سُئِلَ عَنِ الْحَوْضِ فَقَالَ أَمَّا إِذَا سَأَلْتُمُونِي عَنِ الْحَوْضِ فَإِنِّي سَأْخِرُكُمْ عَنْهُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَكْرَمَنِي بِهِ دُونَ الْأَنْبِيَاءِ وَ إِنَّهُ مَا بَيْنَ آيَلَةٍ إِلَى صَنْعَاءَ يَسِيلُ فِيهِ خَلِيجَانِ مِنَ الْمَاءِ مَاؤُهُمَا أَيْضٌ مِنَ اللَّبَنِ وَ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ بَطْحَاؤُهُمَا مِسْكٌ أَذْفَرُ حَصْبَاؤُهُمَا الدُّرُّ وَ الْيَاقُوتُ شَرْطُ مَشْرُوطٍ مِنْ رَبِّي لَا يَرُدُّهُمَا إِلَّا الصَّحِيحَةُ يَتَأْتِيَهُمُ النَّبِيُّ قُلُوبُهُمُ الَّذِينَ يُعْطُونَ مَا عَلَيْهِمْ فِي سِرِّهِمْ وَ لَا يَأْخُذُونَ مَا لَهُمْ فِي عُسْرِ الْمُسْلِمُونَ لِلْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِي يَذُودُ مَنْ لَيْسَ مِنْ شِيعَتِهِ كَمَا يَذُودُ الرَّجُلُ الْجَمَلَ الْأَجْرَبَ عَنْ إِبِلِهِ (بحار الأنوار جلد ۸ صفحه ۲۹).

شناخت حقایق اشیاء از طریق الهام یا وحی است. که خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ»^(۱) ما به لقمان حکمت عطا کردیم. اگر به کسی حکمت داده شده یعنی چشمه‌ای کوچک در قلبش باز شده و به خیر کثیر وصل شده است. خیر کثیر هم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و علوم حکمت‌آمیزی که خداوند به این بی‌بی عطا فرموده است می‌باشد. پس کوثر ملکوتش حکمت است، وحی است، آن هم از جانب خدا و حوضش، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و نه‌رش همان دوازده امام علیهم السلام هستند^(۲) که دوازدهمین نهر که بسیار مملو از حقایق است، نصیب ما شده و ما از این نهر می‌آشامیم که این نهر وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه هستند. اگر می‌خواهید کمال استفاده را از این نهر بکنید باید دو مسئله قطعی و یک مسئله احتمالی را در نظر بگیرید: (۱) امام زمان (روحی فداه) هست. (۲) امام زمان (روحی فداه) بی‌شک ظهور خواهند فرمود. و مسئله احتمالی این است که شاید در زمان ما ظهور بفرمایند (ان شاء الله).

پس این سه مسأله ایجاب می‌کند که ما زودتر خودمان را بسازیم. تا شاید مورد لطف واقع شویم. بعضی‌ها به این فکر افتادند که جلوی این پدیده را بگیرند. فیلم‌ها

۱ - سوره لقمان آیه ۱۲.

۲ - جَابِرُ الْجُعْفِيُّ عَنِ الْبَاقِرِ عليه السلام فِي خَبَرٍ طَوِيلٍ فِي قَوْلِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بَعْضَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ الْآيَةُ فَقَالَ إِنَّ قَوْمَ مُوسَى لَمَّا شَكُوا إِلَيْهِ الْجُدْبَ وَالْعَطَشَ اسْتَسْقَوْا مُوسَى فَاسْتَسْقَى لَهُمْ فَسَمِعَتْ مَا قَالَ اللَّهُ لَهُ وَ مِثْلُ ذَلِكَ جَاءَ الْمُؤْمِنُونَ إِلَى جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ تَعْرِفُنَا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ بِذَكَ فَقَالَ وَ سَاقُ الْحَدِيثِ إِلَى قَوْلِهِ فَإِنَّكَ إِذَا زَوَّجْتَ عَلِيًّا مِنْ فَاطِمَةَ خَلَقْتَ مِنْهَا أَحَدَ عَشَرَ إِمَامًا مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ يَكُونُونَ مَعَ عَلِيٍّ اثْنَيْ عَشَرَ إِمَامًا كُلُّهُمْ هُدَاةٌ لَأُمَّتِكَ يَهْتَدُونَ بِهَا كُلُّ أُمَّةٍ بِإِمَامٍ مِنْهَا وَ يَعْلَمُونَ كَمَا عَلِمَ قَوْمُ مُوسَى مَشْرَبَهُمْ (بحار الانوار جلد ۳۶ صفحه ۲۶۵).

و سقى الله موسى من الحجر فانفجرت من اثنا عشرة عينا و على هو الذى خلق من الماء بشراً اثنا عشر اماماً (مناقب جلد ۳ صفحه ۲۴۹).



درست کرده‌اند، سیاستمدارها همه به خاطر موقعیت‌شان نمی‌خواهند این مسأله ایجاد شود، بعضی از کشورها کارشناس آورده‌اند و گفته‌اند که آیا می‌شود جلوی این پدیده را گرفت؟ و آنها می‌گویند شاید.^(۱)

خداوند می‌فرماید: آیا اینها اراده کردند که نور خدا را با هوای دهانشان خاموش کنند؟^(۲)

و خداوند می‌فرماید: انتظار بکشید و من هم با شما منتظرم.^(۳) حتی سنی‌ها و تمام مسلمان‌ها حضرت را قبول دارند. درباره اثبات این وجود مقدس کتاب هم نوشته‌اند. انشاءالله ما باید کاری کنیم که این انتظار خدا و تمام انبیاء و اولیاء عملی شود.

۱ - فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِكَ إِنَّ هَدَاهُ اللَّهُ فَأَمَّا السَّنَلِيمُ فَذَاكَ إِذَا صَارَ فِي دِينِنَا فَقَالَ النَّصْرَانِيُّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَضْلَحَكَ اللَّهُ قَالَ سَلْ قَالَ أَخْبِرْنِي عَنْ كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى الَّذِي أُتْرِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَنَطَقَ بِهِ ثُمَّ وَصَفَهُ بِمَا وَصَفَهُ بِهِ فَقَالَ حَم. وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ. إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ. فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ مَا تَفْسِيرُهَا فِي الْبَاطِنِ فَقَالَ أَمَّا حَم فَهُوَ مُحَمَّدٌ ﷺ وَ هُوَ فِي كِتَابِ هُودِ الَّذِي أُتْرِلَ عَلَيْهِ وَ هُوَ مَنْقُوصُ الْحُرُوفِ وَ أَمَّا الْكِتَابِ الْمُبِينِ فَهُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ ﷺ وَ أَمَّا اللَّيْلَةُ فَقَاطِمَةُ ع وَ أَمَّا قَوْلُهُ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ يَقُولُ يَخْرُجُ مِنْهَا خَيْرٌ كَثِيرٌ فَزَجُلٌ حَكِيمٌ وَ رَجُلٌ حَكِيمٌ فَقَالَ الرَّجُلُ صِفْ لِي الْأَوَّلَ وَ الْأَخَرَ مِنْ هَؤُلَاءِ الرَّجَالِ فَقَالَ إِنَّ الصِّفَاتِ تَشْتَبِهُ وَ لَكِنَّ الثَّالِثَ مِنَ الْقَوْمِ أَصِفْ لَكَ مَا يَخْرُجُ مِنْ سَلِيلِهِ وَ إِنَّهُ عِنْدَكُمْ لَفِي الْكُتُبِ الَّتِي نَزَلَتْ عَلَيْكُمْ إِنْ لَمْ تُغَيِّرُوا وَ تُحَرِّفُوا وَ تُكْفِّرُوا وَ قَدِيمًا مَا فَعَلْتُمْ (الكافي جلد ۱ صفحه ۴۷۹).

۲ - سورة توبه آیه ۳۲.

۳ - سورة يونس آیه ۱۰۲.

سؤال سوم:

لطفاً کلمه کوثر را تفسیر کنید.

پاسخ ما:

کلمه کوثر نیاز به تفسیر ندارد، بلکه معنایش احتیاج به تفسیر دارد. کوثر اسم حضرت زهرا علیها السلام است احتیاج به تفسیر ندارد. همان طور که یس، طه، اسم حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله است «یس * وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ»^(۱) یا می گوئیم حسن آمد، آن کار را کرد، معلوم است حسن کیست، از خود آیه کوثر استفاده می شود که کوثر اسم حضرت زهرا علیها السلام است.

وقتی حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله محزون می شوند چون به او مقطوع النسل می گویند، خدای تعالی می فرماید: این فرزند را به تو دادیم. و گرنه به هر کسی که از این موضوع ناراحت باشد نمی گویند، ما به تو نهری در بهشت دادیم و دشمنت مقطوع النسل است، این معنی ندارد. طه اسم حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله است اگر بخواهند معنی غیر از آن را بگویند باید تفسیر کنند. ما ممکن است اسم فرزندان را بی حساب بگذاریم اما معصوم علیه السلام بی جهت حرف نمی زنند.

سؤال چهارم:

«شَانِئَكَ» در سوره کوثر به چه معنا می باشد؟

پاسخ ما:

در معنای «شَانِئَكَ» گفته اند که معنای آن مبغوضک است؛ یعنی آن کسی که نسبت به تو بغض دارد. آن کسی که می خواهد تو را اذیت کند. آن کسی که با تو دشمن است. کسی که نمی تواند فضیلتی را برای تو ای پیغمبر ﷺ ببیند. آن کسی که باطنش بر خلاف فطرت انسانی تمایلی به نیکی و افراد نیک ندارد. به تو حسادت می کند. خدای تعالی در قرآن می فرماید: «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا». ^(۱) «یا آن که نسبت به مردم به آن چه خدا از فضلش به آنها بخشید، حسادت می کنند. ما به فرزندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و حکومت و سلطنت عظیمی در اختیارشان گذاشتیم».

یک عده حسادت می کردند که اکثرشان جزء بنی امیه، همین شجره ملعونه

بودند. «آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ»^(۱) ما به آل ابراهیم علیهم السلام کتاب دادیم. که آل ابراهیم علیهم السلام و اولاد او حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اولاد معصوم علیهم السلام ایشان می باشند و کتاب قرآن با عظمت که امروزه به عنوان معجزه باقیه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در بین مردم دنیا و بالخصوص مردم مسلمان می باشد. «وَالْحِكْمَةُ» حکمت هم دادیم. حکمت شناخت حقایق اشیاء متکیاً به وحی و الهام که از جانب پروردگار است می باشد. «وَأَتَيْنَاهُم مَّلَكًا عَظِيمًا»^(۲) که در بعضی تفاسیر دارد منظور از آن ملک عظیم فقط سیطره اسلام در امروز نیست. چون در ردیف اسلام ما، مسیحیت همین مقدار پیروانی دارد. آن ملک عظیم که خدا به حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و آل پیغمبر علیهم السلام عنایت کرده بعد از ظهور حجة بن الحسن علیه السلام است. خدای تعالی در قرآن می فرماید: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^(۳) بر تمام دنیا این دین مقدس حکومت خواهد کرد. یک عده نمی توانند این ملک عظیم را ببینند.

یک عده هستند که نمی توانند ببینند یک پیغمبری که یتیم بوده (فرزند عبدالله) و در بین خودشان بزرگ شده، چنین محبوبیتی داشته باشد. خدای تعالی به او وعده فرموده که تو ای رسول ما اگر از دنیا بروی این دینت باقی می ماند و دشمنانت «هو الابتر» مقطوع هستند. وقتی ابوسفیان با عباس از چادر نگاه می کردند دیدند حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله با یک ابریق آب آمده می خواهد وضو بگیرد. مسلمانان ریختند و قطرات آب وضوی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را به عنوان تبرک به سر و صورتشان می مالند. گفت: من کسری و قیصر را دیده ام هیچ سلطانی این گونه

۱ - سوره نساء آیه ۵۴.

۲ - سوره نساء آیه ۵۴.

۳ - سوره توبه آیه ۳۳.

محبوبیت نداشت. عباس گفت این پیغمبر از جانب خدا می باشد او را با کسری و قیصر نباید مقایسه کنی.^(۱) خدای تعالی در این آیه شریفه، با حجم کوچکش می فرماید: «إِنَّ شَانِئَكَ» یک عده مبغوض هستند، در رأس آنها بنی امیه است. کوشش کردند که جای حضرت پیغمبر اکرم ﷺ را بگیرند. ابوسفیان این عظمت را دید و فکر نمی کرد که این عزت مال خداست و گفت شاید ما هم بتوانیم این عزت را به دست آوریم. (عزت مال خدا و پیغمبر است و هر کس ایمان به خدا و پیغمبر بیاورد عزت مال اوست. «لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»^(۲)). لذا فعالیت کردند خودشان و بنی امیه را در حکومت جای دادند. اول کسی که در حکومت اسلام از بنی امیه لباس خلافت را به تن کرد عثمان بن عفان بود. این شخص خلیفه شد و

۱- أَبُو سُفْيَانَ أَفٍّ لَكَ مَا أَفْحَشَكَ مَا يُدْخِلُكَ يَا عُمَرُ فِي كَلَامِي وَكَلَامِ ابْنِ عَمِّي فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ عِنْدَ مَنْ تَكُونُ اللَّيْلَةَ قَالَ عِنْدَ أَبِي الْقَضَلِ قَالَ فَادْهَبْ بِهِ يَا أَبَا الْقَضَلِ فَأَبْنَتْهُ عِنْدَكَ اللَّيْلَةَ وَاغْذِيهِ عَلَيَّ فَلَمَّا أَصْبَحَ سَمِعَ يَلَأًا يُودِّنُ قَالَ مَا هَذَا الْمُتَنَادِي يَا أَبَا الْقَضَلِ قَالَ هَذَا مُوَدِّنُ رَسُولِ اللَّهِ قُمْ فَتَوَضَّ وَصَلَّ قَالَ كَيْفَ اتَّوَضَّ فَعَلَّمَهُ قَالَ وَنَظَرَ أَبُو سُفْيَانَ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ وَهُوَ يَتَوَضَّ وَأَيَّدِي الْمُسْلِمِينَ تَحْتَ شَعْرِهِ فَلَيْسَ قَطْرَةً يُصِيبُ رَجُلًا مِنْهُمْ إِلَّا مَسَحَ بِهَا وَجْهَهُ فَقَالَ بِاللَّهِ إِنْ رَأَيْتُكَ كَالْيَوْمِ قَطُرَ كِسْرَى وَ لَا قَيْصَرَ فَلَمَّا صَلَّى غَدَا بِهِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي أَحِبُّ أَنْ تَأْذَنَ لِي إِلَى قَوْمِكَ فَأَنْذِرَهُمْ وَادْعُوهُمْ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ فَأَذِنَ لَهُ فَقَالَ لِلْعَبَّاسِ كَيْفَ أَقُولُ لَهُمْ بَيْنَ لِي مِنْ ذَلِكَ أَمْرًا يَطْمَئِنُّونَ إِلَيْهِ فَقَالَ ﷺ تَقُولُ لَهُمْ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ شَهِدَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَكَفَّ يَدَهُ فَهُوَ آمِنٌ وَمَنْ جَلَسَ عِنْدَ الْكَعْبَةِ.

بحار الأنوار جلد ۲۱ صفحه ۱۲۹

فقال يريد ابوسفیان ان یحییئک یا رسول اللہ قال ہاتھ فلما دخل قال الم یأْن ان تسلّم فقال لہ العباس قل لا فیقتلک قال اشہد ان لا الہ الا اللہ و انک رسول اللہ فضحک ﷺ فقال ردہ الی عندک فقال العباس ان ابا سفیان یحب الشرف فشرّفہ فقال من دخل دارہ فهو امن و من التی سلاحہ فهو امن فلما صلی بالناس الغداة فقال للعباس خذہ الی رأس العقبۃ فاقعدہ ہناک لیراہ الناس جنود للہ و یراہا فقال ابوسفیان ما اعظم ملک ابن اخیک قال العباس یا اباسفیان ہی نبوة. (بحار الانوار جلد ۲۱ صفحه ۱۱۹).

اقوام و خویشاوندانش را پر و بال داد و بیت‌المال را به آنها اختصاص داد. معاویه را پر قدرت کرد، آن چنان که توانست با حضرت علی علیه السلام مرکز دایره علم و حقیقت و نور مبارزه کند. بعد هم فرزندش یزید آمد و همان مطالبی که درباره زندگی نکبت‌بار بنی‌امیه شنیده‌اید تکرار شد تا اینکه به جایی رسید که گفت:

لعبت هاشم الملك فلا خبر جاء ولا وحى نزل^(۱)

و خواست ریشه اسلام را بکند. به قول ملای رومی می‌گوید که:

مصطفی را وعده کرد الطاف حق تو بمیری و نمیرد این سبق
«لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^(۲)

و خدای تعالی در قرآن می‌فرماید: او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه دینها پیروز گرداند، اگر چه مشرکین کراهت داشته باشند.

۱ - مناقب جلد ۴ صفحه ۱۱۴.

۲ - سوره توبه آیه ۳۳.

سؤال پنجم:

«ابتر» در سوره کوثر به چه معنا می باشد؟

پاسخ ما:

ابتر یعنی مقطوع، کوتاه، بی آخر. ای پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «شَانِئَكَ» یعنی دشمن تو ابتر هست. آنها مقطوع النسل هستند. در روایت است که هر حسب و نسبی روز قیامت منقطع می شود.^(۱) هر حسب و نسبی بالاخره یک یا دو نسل بعد از بین می رود. حالا مربوط به عظمت صاحب نسل مثلاً مرجع تقلید یا سلاطین قاجار چه در شخصیت های حق و چه در شخصیت های باطل بالاخره یک نسل و دو نسل یا ده نسل بیشتر باقی نمی ماندند. «يَوْمَ يَقُرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ»^(۲) این روایت راستی ها هم نقل کرده اند و مورد اتفاق بین سنی و شیعه است که «کل حسب و نسب منقطع یوم القیامه» روز قیامت همه حسب و نسبها قطع می شود «الا حسبی و نسبی» جز حسب و نسب حضرت پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» آنها که مبغض تو هستند قطع می شوند.

۱ - عَنْ الرُّضَا عَنْ آبَائِهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ كُلُّ نَسَبٍ وَ صِهْرٍ مُنْقَطِعٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا سَبَبِي وَ نَسَبِي (وسائل الشیعه جلد ۲۰ صفحه ۳۸).

۲ - سوره عبس آیه ۳۴.

یک دانشمند سنی مذهب کتابی نوشته به نام «سعادت الدارین» او از یک دانشمند قدیمی که ظاهراً در قرن پنجم زندگی می‌کرده می‌گوید که وقتی حضرت حسین بن علی علیه السلام در کربلا شهید شد. از سیدالشهداء علیه السلام جز یک فرزند باقی نمانده بود که او هم آن قدر مریض بود که دشمنان زحمت کشتنش را به خود ندادند. در همان زمان هزارها گهواره طلا و نقره از فرزندان بنی‌امیه در حرکت بود. خیلی عجیب است! بنی‌امیه آن قدر با عظمت و بنی‌هاشم و فرزندان حضرت فاطمه زهرا علیه السلام این طور. هر یک از خلفاء عباسی و اموی کافی بودند برای اینکه اولاد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله را مقطوع کنند. در کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام هست که حمید بن قحطبه در یک شب به امر هارون الرشید حدوداً شصت نفر از فرزندان حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله را کشت و در چاه ریخت^(۱) و بعد از آن می‌نویسد که مکرر این جریان از طرف هارون الرشید

۱ - عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ الزُّبَيْرِ النَّبَسَاوَرِيِّ وَكَانَ مُسِنًّا قَالَ كَانَ بَيْنِي وَبَيْنَ حُمَيْدِ بْنِ قَحْطَبَةَ الطَّائِي الطُّوسِيِّ مُعَامَلَةً فَوَحَلْتُ إِلَيْهِ فِي بَعْضِ الْأَيَّامِ قَبْلَئِهِ خَبَرٌ قُدُومِي فَأَشْتَحَضَنِي لِلْوَقْتِ وَ عَلَيَّ ثِيَابُ السَّفَرِ لَمْ أُغَيِّرْهَا وَ ذَلِكَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَفَتِ صَلَاةَ الظُّهْرِ فَلَمَّا دَخَلْتُ إِلَيْهِ رَأَيْتُهُ فِي بَيْتٍ يَجْرِي فِيهِ الْمَاءُ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ وَ جَلَسْتُ فَأَتَيْتُ بِطُسْتٍ وَ إِبْرِيْقٍ فَعَسَلَ يَدَيْهِ ثُمَّ أَمَرَنِي فَعَسَلْتُ يَدَيَّ وَ أَحْضَرَتِ الْمَائِدَةَ وَ ذَهَبَ عَنِّي أَنِّي صَائِمٌ وَ أَنِّي فِي شَهْرِ رَمَضَانَ ثُمَّ ذَكَرْتُ فَأَمْسَكَتُ يَدَيَّ فَقَالَ لِي حُمَيْدٌ مَا لَكَ لَا تَأْكُلُ فَقُلْتُ أَيُّهَا الْأَمِيرُ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ وَ لَسْتُ بِمَرِيضٍ وَ لَا بِي عِلَّةٌ تَوْجِبُ الْإِفْطَارَ وَ لَعَلَّ الْأَمِيرَ لَهُ عُذْرٌ فِي ذَلِكَ أَوْ عِلَّةٌ تَوْجِبُ الْإِفْطَارَ فَقَالَ مَا بِي عِلَّةٌ تَوْجِبُ الْإِفْطَارَ وَ إِنِّي لَصَاحِبُ الْبَدَنِ ثُمَّ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ وَ بَكَى فَقُلْتُ لَهُ بَعْدَ مَا فَرَعَ مِنْ طَعَامِهِ مَا يُبْكِيكَ أَيُّهَا الْأَمِيرُ فَقَالَ أَنْفَذَ إِلَيَّ هَارُونُ الرَّشِيدِ وَفَتِ كَوْنِهِ بِطُوسَ فِي بَعْضِ اللَّيْلِ أَنْ أَجِبَ فَلَمَّا دَخَلْتُ عَلَيْهِ رَأَيْتُ بَيْنَ يَدَيْهِ سَمْعَةً تَتَقَدُّ وَ سَيْفًا أَحْضَرَ مَسْلُوكًا وَ بَيْنَ يَدَيْهِ خَادِمٌ وَقَفَ فَلَمَّا قُمْتُ بَيْنَ يَدَيْهِ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَيَّ فَقَالَ كَيْفَ طَاعَتُكَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَقُلْتُ بِالنَّفْسِ وَ الْمَالِ فَأَطَرَقَ ثُمَّ أَذِنَ لِي فِي الْإِنْصِرَافِ فَلَمَّ أَلْبَثْتُ فِي مَنْزِلِي حَتَّى عَادَ الرَّسُولُ إِلَيَّ وَ قَالَ أَجِبَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَقُلْتُ فِي نَفْسِي إِنَّا لِلَّهِ أَخَافُ أَنْ يَكُونَ قَدْ عَزَمَ عَلَى قَتْلِي وَ إِنَّهُ لَمَّا رَأَى اسْتَحْيَا مِنِّي فَعَدْتُ إِلَى بَيْنَ يَدَيْهِ فَرَفَعَ رَأْسَهُ إِلَيَّ فَقَالَ كَيْفَ طَاعَتُكَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَقُلْتُ بِالنَّفْسِ وَ الْمَالِ وَ الْأَهْلِ وَ الْوَلَدِ فَتَبَسَّمَ صَاحِكًا ثُمَّ أَذِنَ لِي فِي الْإِنْصِرَافِ فَلَمَّا دَخَلْتُ مَنْزِلِي



انجام می شد. یعنی سادات را جمع می کرد و به وسیله عمالش آنها را می کشت. هر یک از اینها کافی بودند که نسل حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله را قطع کنند. ولی در عین حال یک آماری دیدم که هشتاد میلیون فرزند حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله از سادات در روی کره زمین هستند. خیلی عجیب است از یک نفر آن هم با این همه دشمنان و این همه آفاتی که به این درخت طیبه وارد شده است، چنین جمعیتی باقی بماند.

خدای تعالی در قرآن می فرماید: «كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ * تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ»^(۱) درختی که زمستان و تابستان در تمام زمانها میوه دارد. یک چنین شجره طیبه ای حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله دارد. به عنوان نسل طیبه اش و ذریه

⇒ لَمْ أَلْبَثْ أَنْ عَادَ الرَّسُولُ إِلَيَّ فَقَالَ أَجِبْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَحَضَرْتُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُوَ عَلَى خَالِهِ فَرَفَعَ رَأْسَهُ إِلَيَّ فَقَالَ كَيْفَ طَاعَتُكَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَقُلْتُ بِالنَّفْسِ وَالْمَالِ وَالْأَهْلِ وَالْوَلَدِ وَالْدِّينِ فَضَحِكَ ثُمَّ قَالَ لِي خُذْ هَذَا السَّيْفَ وَامْتَثِلْ مَا يَأْمُرُكَ بِهِ هَذَا الْخَادِمُ قَالَ فَتَنَاوَلْتُ الْخَادِمَ السَّيْفَ وَنَاوَلَنِيهِ وَجَاءَ بِي إِلَى بَيْتِ بَابِهِ مُعَلَّقٌ فَفَتَحَهُ فَإِذَا فِيهِ بِنْتُ فِي وَسْطِهِ وَثَلَاثَةُ بُيُوتٍ أَبْوَابُهَا مُعَلَّقَةٌ فَفَتَحَ بَابَ بَيْتٍ مِنْهَا فَإِذَا فِيهِ عَشْرُونَ نَفْسًا عَلَيْهِمُ الشُّعُورُ وَالدَّوَابُّ شُبُوحٌ وَكُهُولٌ وَشَبَابٌ مَقِيدُونَ فَقَالَ لِي إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَأْمُرُكَ بِقَتْلِ هَؤُلَاءِ وَكَانُوا أَكْلَهُمْ عَلَوِيَّةً مِنْ وَلَدِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ عليها السلام فَجَعَلَ يُخْرِجُ إِلَيَّ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ فَأَضْرِبُ عَنْقَهُ حَتَّى أَتَيْتُ عَلَى آخِرِهِمْ ثُمَّ رَمَى بِأَجْسَادِهِمْ وَرَأَوْسِهِمْ فِي تِلْكَ الْبُيْرِ ثُمَّ فَتَحَ بَابَ بَيْتٍ آخَرَ فَإِذَا فِيهِ أَيْضًا عَشْرُونَ نَفْسًا مِنَ الْعَلَوِيَّةِ مِنْ وَلَدِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ عليها السلام مَقِيدُونَ فَقَالَ لِي إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَأْمُرُكَ بِقَتْلِ هَؤُلَاءِ فَجَعَلَ يُخْرِجُ إِلَيَّ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ فَأَضْرِبُ عَنْقَهُ وَيَزِي بِي فِي تِلْكَ الْبُيْرِ حَتَّى أَتَيْتُ عَلَى آخِرِهِمْ ثُمَّ فَتَحَ بَابَ الْبَيْتِ الثَّالِثِ فَإِذَا فِيهِ مِنْهُمْ عَشْرُونَ نَفْسًا مِنْ وَلَدِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ مَقِيدُونَ عَلَيْهِمُ الشُّعُورُ وَالدَّوَابُّ فَقَالَ لِي إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَأْمُرُكَ أَنْ تَقْتُلَ هَؤُلَاءِ أَيْضًا فَجَعَلَ يُخْرِجُ إِلَيَّ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ فَأَضْرِبُ عَنْقَهُ فَيَزِي بِي فِي تِلْكَ الْبُيْرِ حَتَّى أَتَيْتُ عَلَى تِسْعِ عَشْرَةٍ نَفْسًا مِنْهُمْ وَبَقِيَ شَيْخٌ مِنْهُمْ عَلَيْهِ شَعْرٌ فَقَالَ لِي تَبَا لَكَ يَا مَسْجُومٌ أَيُّ عُدْرٍ لَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِذَا قَامَتْ عَلَى جَدِّنا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ قَدْ قَتَلْتَ مِنْ أَوْلَادِهِ سِتِينَ نَفْسًا قَدْ وَلَدَهُمْ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ فَازَتْ تَعَشَّتْ يَدَيَّ وَ ارْتَعَدَتْ فَرَائِصِي فَظَنَرْتُ إِلَيَّ الْخَادِمَ مُغْضِبًا وَ زَبَرْنِي فَاتَّيْتُ عَلَى ذَلِكَ الشَّيْخِ أَيْضًا فَفَتَلْتُهُ وَ رَمَى بِي فِي تِلْكَ الْبُيْرِ فَإِذَا كَانَ فِعْلِي هَذَا وَ قَدْ قَتَلْتُ سِتِينَ نَفْسًا مِنْ وَلَدِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَمَا يَنْفَعُنِي صَوْمِي وَ صَلَاتِي وَ أَنَا لَا أَشْكُ أَنِّي مُخَلَّدٌ فِي النَّارِ (بحار الانوار جلد ۴۸ صفحه ۱۷۶).

۱ - سوره ابراهيم آیات ۲۴ و ۲۵.

پاک، در بُعد ظاهری و معنوی و علمی در بین مردم گذاشته است.^(۱) من فکر می‌کردم که چون در ایران اکثر مردم شیعه هستند در بین آنها سید زیاد است. یک وقت به هندوستان در یک شهری به نام «نوگاو ان سادات» رفته بودم. گفتم چرا اسم اینجا «نوگاو ان سادات» است؟ گفتند اینجا یک سیدی به نام نوگاو ان سادات از نوقان خراسان آمده بود و همه اینها فرزندان او هستند. هفتاد هزار سید در آن شهر بودند که من به همین مناسبت اهمیت سوره کوثر را در آنجا عنوان کردم.

۱ - قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا قَالَ الشَّجَرَةُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ نَسَبُهُ ثَابِتٌ فِي بَنِي هَاشِمٍ وَ فَرْعُ الشَّجَرَةِ عَلِيٌّ وَ عُصْرُ الشَّجَرَةِ فَاطِمَةُ وَ أَغْصَانُهَا الْأَيُّمَةُ وَ وَرَقُهَا الشَّيْعَةُ وَ إِنْ الرَّجُلُ لَيَمُوتَ فَتَسْقُطُ مِنْهَا وَرَقَةٌ وَ إِنْ الْمَوْلُودُ لَيُولَدُ فَتُورِقُ وَرَقَةٌ قَالَ قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ قَوْلُهُ تَعَالَى تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا قَالَ هُوَ مَا يَخْرُجُ مِنَ الْإِمَامِ مِنَ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ فِي كُلِّ سَنَةٍ إِلَى شَيْعَتِهِ (بحار الانوار جلد ۲۴ صفحه ۱۳۹).



سؤال ششم:

خدای تعالی در قرآن می‌فرماید: «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ»^(۱)

آیا این آیه شامل هر کسی که دشمنی با حضرت پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

نماید، می‌شود؟

پاسخ ما:

هر کس حضرت پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را دشمن داشت یا احترامی که خدای تعالی برای او قائل است قائل نبود، برکت از زندگی او برداشته می‌شود. برکت از عمر او برداشته می‌شود، برکت از مال او برداشته می‌شود، حتی برکت از روحيات او برداشته می‌شود.

سؤال هفتم:

با توجه به بعضی احادیث، آتش جهنم بر ذریّه حضرت پیامبر ﷺ حرام است،^(۱) اما بعضی سادات از این موهبت الهی سوءاستفاده کرده و در این دنیا به گناه و معصیت پرداخته‌اند، بفرمائید چطور ممکن است فرد سیّد گنهکار و فردی که تمام وقتش را صرف عبادت و خدمت به خلق می‌کند، هر دو به بهشت بروند؟

پاسخ ما:

البته اینجا اشتباه برداشت شده، حقیقت به این صورت که در سؤال بیان شده نمی‌باشد. اولاً خدای تعالی یک عالم برزخ طولانی دارد، که از عالم برزخ بیشتر باید ترسید تا جهنّم، از این جهت کسی که به جهنّم می‌رود طبعاً برزخش هم بد است. چون عالم برزخ از بعد از مردن شروع می‌شود و ادامه دارد تا وقتی وارد جهنّم می‌شود. عذاب عالم برزخ خیلی زیاد است، چند میلیون سال مانده تا

قیامت؟ خیلی زیاد! «إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ»^(۱) وقتی که خورشید نورش را از دست بدهد. کوههای زمین از بین بروند، آب زمین خشک شود، خیلی سال است! در تمام این مدت ممکن است انسان در عذاب باشد. ثانیاً هیچ کس نگفته که سادات معصیت‌کار در عالم برزخ راحت هستند و کسی هم نگفته که بی حساب وارد بهشت می‌شوند.

در خصوص سادات روایت دارد که «فیحبس فی المقام»^(۲) در همان جایی که مقامشان است و در همان جایی که از قبر بیرون می‌آیند، آن قدر آنها رامعطل می‌کنند تا به حساب آنها رسیدگی شود.

ثالثاً سادات اگر مسلمان باشند، وارد جهنم نمی‌شوند. دو دسته از سادات وارد جهنم می‌شوند، یک دسته کسانی که ادعای امامت بکنند،^(۳) یعنی بگویند ما امام زمانیم، که در زمان ائمه اطهار علیهم‌السلام اینگونه سادات زیاد بودند. یک دسته هم کسانی که دعوت به امام باطل کنند.^(۴) یعنی کسی ادعای امامت بکند و اینها هم بگویند

۱- سوره تکویر آیه ۱.

۲- قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ فِي الْآيَةِ أَمَّا السَّابِقُ فَيَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ وَ أَمَّا الْمُتَّصِدُ فَ يَحَاسِبُ حِسَاباً يَسِيرًا وَ أَمَّا الظَّالِمُ لِنَفْسِهِ فَيُحْبَسُ فِي الْمَقَامِ ثُمَّ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ فَهُمْ الَّذِينَ قَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ. (بحار الانوار جلد ۲۳ صفحه ۲۱۳).

۳- أَبِي عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وَ وُجُوهُهُمْ مُسْوَدَّةٌ قَالَ مَنْ ادَّعَى أَنَّهُ إِمَامٌ وَ لَيْسَ بِإِمَامٍ قُلْتُ وَ إِنْ كَانَ عَلَوِيًّا فَاطِمِيًّا قَالَ وَ إِنْ كَانَ عَلَوِيًّا فَاطِمِيًّا (بحار الانوار جلد ۲۵ صفحه ۱۱۲).

۴- قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ لَيْسَ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ مَنْ خَالَفَكُمْ إِلَّا الْمِطْرُ قُلْتُ وَ أَيُّ شَيْءٍ الْمِطْرُ قَالَ الَّذِي تُسْمُونَهُ النَّفْرَ فَمَنْ خَالَفَكُمْ وَ جَارَهُ فَأَبْرَأُوا مِنْهُ وَ إِنْ كَانَ عَلَوِيًّا فَاطِمِيًّا (بحار الانوار جلد ۴۶ صفحه ۱۷۹).

قال سمعت ابا عبد الله ﷺ يقول ثلاثه لا ينظر الله اليهم يوم القيامة و لا يزيكهم و لهم عذاب اليم من ادعى

بله! او امام است و نه مثلاً امام صادق (علیه السلام). این دو دسته وارد جهنم می شوند.

اساساً وعید قابل بخشیدن هست. ولو این که ما رضایت نمی دهیم بعضی دشمنان حضرت زهرا (علیه السلام) را خدای تعالی ببخشد. یعنی اگر جهنم را خدای تعالی بردارد و بگوید دیگر جهنمی نیست. بعضی ها هستند که اگر تا ابد در جهنم نسوزند، ما راحت نمی شویم. آنها دشمنان حضرت زهرا (علیه السلام) هستند. واقعاً اگر انسان این فکر را بکند که اینها از جهنم بیرون بیایند و به بهشت بروند، ولو آنها را به کویر لوت هم بفرستند، انسان باز هم راضی نمی شود، می گوید نه باید آنها در جهنم باشند.

پس وعیدها قابل بخشش است. شاید جهنم ابدی نباشد، اما بهشت ابدی است چون وعده است. بنابراین مهم عالم برزخ است. در عالم برزخ سادات معصیت کار عذاب می شوند، به حساب ها رسیدگی می شود و این طور نیست که سادات هیچ عذاب نشوند و به محض اینکه مُردند به بهشت بروند.

⇒ امامة من الله ليست له و من جحد اماما من الله و من قال ان فلان و فلان في الاسلام نصيبا. (بحار الانوار جلد ۲۵ صفحه ۱۱۳).

سؤال هشتم:

لطفاً این جمله را توضیح دهید که «اگر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نبودند خداوند حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام را خلق نمی کرد».

پاسخ ما:

گفتن این کلام به این صورت، شاید خود حضرت فاطمه زهرا علیها السلام هم راضی نباشد، مطرح کنیم. باید گفت اگر حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام فقط بودند و مطلب همین جا ختم می شد، بنی امیه نمی گذاشتند دین اسلام تا یکی دو قرن بیشتر بماند. اینکه می گوئیم اگر حضرت فاطمه علیها السلام نبود، خدا حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله را خلق نمی کرد، یعنی اگر زحمات حضرت فاطمه علیها السلام نبود، زحمات حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام هدر می رفت. چون حضرت علی علیه السلام مأمور به صبر بود، ممکن بود امروز بگوئیم حضرت علی علیه السلام با رضایت خودشان با ابوبکر بیعت کرد. اما وقتی فاطمه زهرا علیها السلام پشت در می آیند، مجروح می شوند، بعد در مسجد آن خطبه عظیم را می خوانند، با آنها درگیر می شوند، حاضر نمی شوند آنها در تشییع جنازه اشان حاضر شوند. الان متوجه می شویم، خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام در تقیه بودند.

اگر امروز شیعه عالم را گرفته و به عنوان مسلمان واقعی حاضر است تنها جمعیتی که در جهان زنده هستند و هر جور جانفشانی برای حفظ دین شان می کنند شیعیان هستند. همه امروز در دنیا از شیعه می ترسند، هر جا شیعه هست، مظاهر زندگی مخصوص آنها است. به خاطر این است که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام آن روز قیام کردند و مسیری را که دشمنان می خواستند عوض کنند، او نگذاشت. قیام حضرت حسین بن علی علیه السلام هم چون فرزند حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بودند، آن قدر مهم بود. و بعد از آن تمام انقلاب ها و قیام ها مربوط به سادات و فرزندان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است.

پس اگر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و فرزندان شان نبودند، زحمات حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام فایده ای نداشت، از بین می رفت و خدای تعالی کار عبث و بیهوده نمی کند.

سؤال نهم:

اعتقاد ما به تبری و تولى نسبت به سادات سنی و یا ساداتی که اعتقادات درستی ندارند و یا سادات بدعت‌گذار در دین باید چگونه باشد تا قلب حضرت امام زمان علیه السلام از ما خشنود باشد؟

پاسخ ما:

ما اگر بتوانیم روح را از بدن جدا کنیم و دو چیز تصورش کنیم، این مسئله حل می‌شود. یک وقت ممکن است روح آلوده و اعتقاداتش خراب باشد، ولی بدن به خاطر انتسابش به حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله مورد احترام باشد. یک چنین تفکری را باید درباره سادات معصیت‌کار و کافر و غیرمسلمان داشته باشیم. ^(۱)

یک عالم سنی می‌گوید: فرزندان حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله مانند قرآن هستند. در قرآن کلمه کلب و شیطان و کافر و از این قبیل وجود دارد، ولی نمی‌توان دست بدون وضو روی این کلمات زد، یا آب دهان انداخت یا بی‌احترامی کرد. چون وصل به قرآن می‌باشند. در میان سادات هم آدم‌های شیطان سیرت، کافر و مرتد هست، ولی نمی‌توان به آنها بی‌احترامی و بی‌محبتی کرد. چون وصل به حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و

۱ - قال صلی الله علیه و آله ان اولادی الصالحون لله و الطالحون لی (جامع الاخبار صفحه ۱۴۰).

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام هستند. اگر شما کلمه «شیطان» قرآن را احترام کردید، آیا به شیطان احترام کرده‌اید؟ نه، شیطان را دوست ندارید. این فرق را بگذارید که از نظر بدنی به خاطر انتساب‌شان مورد احترام هستند. ولی از نظر روحی و اعتقادی دوستشان نداریم. خودش هم بداند که به خاطر انتسابش به حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله مورد احترام است.

شخصی در قم، از سادات به نام سید حسنی بود. آدم معصیت‌کار و مشروب خواری بود. هر چه مردم به احمد بن اسحاق که وکیل حضرت عسکری علیه السلام بود، قبرش در پل زهاب طرفهای قصر شیرین است و مسجد امام عسکری علیه السلام در قم به وسیله ایشان ساخته شده است، می‌گفتند که این آقا مشروب‌خوار است، ایشان اعتنا به حرف مردم نمی‌کرد و ماهانه‌ای از سهم سادات به این شخص می‌دادند. یک روز خود احمد بن اسحاق دید که سید حسنی آن قدر شراب خورده که بی حال گوشه‌ای افتاده است. ماهانه‌اش را قطع کرد حق هم داشت. چون سهم سادات را نمی‌شود به یک سید متجاهر به فسق داد. احمد بن اسحاق خدمت حضرت امام عسکری علیه السلام رفتند، حضرت ایشان را راه ندادند تا به او همین معنا را بفهمانند. ایشان عذرخواهی کرد و عرض کرد چرا من را راه ندادید؟ حضرت فرمودند وقتی برگشتی سلام من را به سید حسنی برسان و به او بگو که این کارها را نکند و ماهانه‌اش را به او بده. وقتی احمد بن اسحاق برگشت مردم آمدند دیدنش، سید حسنی هم آمد، احمد بن اسحاق به ایشان گفتند شما بنشین بعد از این جمعیت با شما کار دارم، بعد سلام حضرت امام عسکری علیه السلام را به ایشان رساند و ایشان آنجا تصمیم گرفت که دیگر معصیت نکند و این محبت به سادات از ناحیه حضرت امام عسکری علیه السلام و احمد بن اسحاق باعث شد که ایشان انسان درستی



بشود. (۱)

۱ - تاریخ قم، للحسن بن محمد القمي قال روي عن مشايخ قم

أن الحسين بن الحسن بن جعفر بن محمد بن إسماعيل بن جعفر الصادق عليه السلام كان يقيم يشرب الخمر علانية فقصده يوماً لِحاجة باب أحمد بن إسحاق الأشعري وكان وكيلًا في الأوقاف يقيم فلم يأذن له ورجع إلى بيته مهتموماً فتوجه أحمد بن إسحاق إلى الحج فلما بلغ سر من رأى استأذن على أبي محمد الحسن العسكري عليه السلام فلم يأذن له فبكى أحمد لذلك طويلاً وتضرع حتى أذن له فلما دخل قال يا ابن رسول الله لم منعني الدخول عليك وأنا من شيعتك ومواليك قال عليه السلام لأنك طردت ابن عمنا عن بابك فبكى أحمد وحلف بالله أنه لم يمنع من الدخول عليه إلا لأن يتوب من شرب الخمر قال صدقت ولكن لا بد عن إكرامهم واحترامهم على كل حال وأن لا تحقرهم ولا تستهين بهم لانسابهم إلينا فتكون من الخاسرين فلما رجع أحمد إلى قم أتاه أشrafهم وكان الحسين معهم فلما رآه أحمد وثب إليه واستقبله وأكرمه وأجلسه في صدر المجلس فاستغرب الحسين ذلك منه واستبدعه وسأله عن سببه فذكر له ما جرى بينه وبين العسكري عليه السلام في ذلك فلما سمع ذلك ندب من أفعاله القبيحة وتاب منها ورجع إلى بيته وأهرق الخمر وكسر آلائها وصار من الأتقياء المتورعين والصلحاء المتعبدين وكان ملازماً للمساجد معتكفاً فيها حتى أدركه الموت ودفن قريباً من مزار فاطمة رضي الله عنهما (بحار الانوار جلد ۵۰ صفحه ۳۲۳).

سؤال دهم:

آیا فرزندان حضرت زهرا علیها السلام هم نیاز به تربیت داشتند؟

پاسخ ما:

فکر نکنید حضرت امام مجتبی علیه السلام و حضرت امام حسین علیه السلام احتیاج به تربیت نداشتند. بلکه یک تربیت‌ها و پرورش‌هایی هست که مربوط به بدن دنیا است و باید حتی از طرف حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام انجام شود.

حضرت فاطمه علیها السلام زهرا علیها السلام دو پسر و دو دختر در دنیا دارد. ببینید چطور اینها را تحت تربیت قرار داده است که کوچکترین اشتباه و خطایی در سراسر زندگی آنها و حتی دخترانش که به ظاهر معصوم نبودند، وجود ندارد. بلکه به نظر من آنها هم عصمت داشتند.

سؤال یازدهم:

چرا حضرت زهرا علیها السلام غضب کردند؟

پاسخ ما:

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام عین قرآن است. خدای تعالی در قرآن می فرماید: «شِفَاءُ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ»^(۱) «ما از قرآن آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنین، نازل کردیم» اما «وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا»^(۲) «و بر ستمگران جز خسارت و زیان چیزی اضافه نمی کند». وقتی آن دو نفر به عیادتشان آمدند، فرمودند: «پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده: کسی که فاطمه علیها السلام را اذیت کند مرا اذیت کرده. خدایا تو شاهد باش که این دو نفر مرا اذیت کردند». ^(۳) «وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا» اینها خسارت می برند،

۱ - سوره اسراء آیه ۸۲.

۲ - سوره اسراء آیه ۸۲.

۳ - هَلْ سَمِعْتُمَا النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهَا مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ وَ مَنْ آذَاهَا بَعْدَ مَوْتِي فَكَانَ كَمَنْ آذَاهَا فِي حَيَاتِي وَمَنْ آذَاهَا فِي حَيَاتِي كَانَ كَمَنْ آذَاهَا بَعْدَ مَوْتِي قَالَا اللَّهُمَّ نَعَمْ فَقَالَتِ الْحَمْدُ لِلَّهِ ثُمَّ قَالَتِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ فَاشْهَدُوا يَا مَنْ حَضَرَنِي أَنَّهُمَا قَدْ آذَيَانِي فِي حَيَاتِي وَ عِنْدَ مَوْتِي وَ اللَّهُ لَا أَكْلُمُكُمَا مِنْ رَأْسِي كَلِمَةً حَتَّى أَلْقَى رَبِّي فَأَشْكُوكُمَا إِلَيْهِ بِمَا صَنَعْتُمَا بِهِ وَ بِي وَ اذْكَبْتُمَا مِنِّي فَدَعَا أَبُو بَكْرٍ بِالْوَيْلِ وَ الثُّبُورِ وَ قَالَ لَيْتَ أُمِّي لَمْ تَلِدْنِي فَقَالَ عُمَرُ عَجَبًا لِلنَّاسِ كَيْفَ وَلَوْكَ أُمُورُهُمْ وَ أَنْتَ

گرچه به دیدن حضرت آمده‌اند. فرمود تا زنده باشم شما را نفرین می‌کنم. خواهید دید حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه اینها را از قبر بیرون می‌آورند و آتش می‌زنند و می‌فرمایند: بچشید مزه آتش دنیایی را! (۱)

⇒ سَبِيحٌ قَدْ خَرَفَتْ تَجَرَعُ لِعُضْبِ امْرَأَةٍ وَ تَفْرَحُ بِرِضَاهَا وَ مَا لِمَنْ أَعْضَبَ امْرَأَةً وَ قَامَا وَ خَرَجَا قَالَ فَلَمَّا نُعِيَ إِلَى فَاطِمَةَ أَنْفُسُهَا أَرْسَلَتْ إِلَى أُمِّ أَيْمَنَ وَ كَانَتْ أَوْثَقَ نِسَائِهَا عِنْدَهَا وَ فِي نَفْسِهَا فَقَالَتْ يَا أُمُّ أَيْمَنَ إِنَّ نَفْسِي نُعِيَتْ إِلَيَّ فَادْعِي لِي عَلِيًّا فَدَعَّاهُ لَهَا فَلَمَّا دَخَلَ عَلَيْهَا قَالَتْ لَهُ يَا ابْنَ الْعَمِّ أُرِيدُ أَنْ أُصِيبَكَ بِأَشْيَاءَ فَاحْفَظْهَا عَلَيَّ فَقَالَ لَهَا قَوْلِي مَا أَحْبَبْتَ قَالَتْ لَهُ تَزَوُّجٌ فَلَانَتْ تَكُونُ مُرَبِّبَةً لَوْلَدِي مِنْ بَعْدِي مِثْلِي وَ اعْمَلْ نَعْمًا رَأَيْتُ الْمَلَائِكَةَ قَدْ صَوَّرَتْهُ لِي فَقَالَ لَهَا عَلِيُّ أَرِينِي كَيْفَ صَوَّرْتَهُ فَأَرَتْهُ ذَلِكَ كَمَا وَصَفَتْ لَهُ وَ كَمَا أَمَرْتُ بِهِ ثُمَّ قَالَتْ فَإِذَا أَنَا قَضَيْتُ نَحْبِي فَأَخْرِجْنِي مِنْ سَاعَتِكَ أَيَّ سَاعَةٍ كَانَتْ مِنْ لَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ وَ لَا يَحْضُرُنَّ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ وَ أَعْدَاءِ رَسُولِهِ لِلصَّلَاةِ عَلَيَّ قَالَ عَلِيُّ عليه السلام أَفْعَلُ فَلَمَّا قَضَتْ نَحْبَهَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهَا وَ هُمْ فِي ذَلِكَ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ أَخَذَ عَلِيُّ عليه السلام فِي جَهَازِهَا مِنْ سَاعَتِهِ كَمَا أَوْصَتْهُ فَلَمَّا فَرَغَ مِنْ جَهَازِهَا أَخْرَجَ عَلِيُّ الْجَنَازَةَ وَ أَشْعَلَ النَّارَ فِي جَرِيدِ النَّخْلِ وَ مَشَى مَعَ الْجَنَازَةِ بِالنَّارِ حَتَّى صَلَّى عَلَيْهَا وَ دَفَنَهَا لَيْلًا فَلَمَّا أَصْبَحَ أَبُو بَكْرٍ وَ عُمَرُ عَاوَدَا عَانِدِينَ لِفَاطِمَةَ فَلَقِيَا رَجُلًا مِنْ قُرَيْشٍ فَقَالَا لَهُ مِنْ أَيْنَ أَقْبَلْتَ قَالَ عَزَيْتُ عَلِيًّا بِفَاطِمَةَ قَالَا وَ قَدْ مَاتَتْ قَالَ نَعَمْ وَ دَفِنْتُ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ فَجَزَعَا جَزَعًا شَدِيدًا ثُمَّ أَقْبَلَا إِلَى عَلِيٍّ عليه السلام فَلَقِيَاهُ فَقَالَا لَهُ وَ اللَّهُ (بحار الانوار جلد ۴۳ صفحه ۲۰۳).



سؤال دوازدهم:

آیا محبین خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام خصوصاً محبین

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به جهنم می‌روند؟

پاسخ ما:

دوستی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام خیلی اهمیت دارد. این دل‌های شما که محبت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام هست آن قدر پُر ارزش است، آن قدر قیمت دارد، که شاید با قاطعیت بشود گفت آتش جهنم یقیناً دور و برش نمی‌آید. آتش کسانی را می‌سوزاند که اینها در وجودشان هیچ چیز جز خباثت نباشد.^(۱)

۱ - قال رسول الله ﷺ قلت حبيبي جبرئيل و لم سميت في السماء المنصورة و في الارض فاطمة قال سميت في الارض فاطمة لانها فطمت شيعتها من النار و فطم اعداؤها عن حبها. (بحار الانوار جلد ۴۳ صفحه ۴).

عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ الصَّيْرَفِيُّ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام وَ عَلَى كَتِفِهِ مِطْرَفٌ مِنْ خَزٍّ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا يُثَبِّتُ اللَّهُ شِيعَتَكُمْ عَلَى مَحَبَّتِكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ قَالَ أَوْ لَمْ يُؤْمِنْ قَلْبُكَ قُلْتُ بَلَى إِلَّا أَنَّ قَلْبِي قَرَحَةٌ ثُمَّ قَالَ لِخَادِمٍ لَهُ ائْتِنِي بِبَيْضَةٍ بَيْضَاءَ فَوَضَعَهَا عَلَى النَّارِ حَتَّى نَضِجَتْ ثُمَّ أَهْوَى بِالْقَشْرِ إِلَى النَّارِ وَ قَالَ أَخْبِرْنِي أَبِي عَنْ جَدِّي أَنَّهُ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ هَوَى مُبْغِضُنَا فِي النَّارِ هَكَذَا ثُمَّ أَخْرَجَ صُفْرَتَهَا فَأَخَذَهَا عَلَى كَفِّهِ الْيُمْنَى ثُمَّ قَالَ وَ اللَّهُ إِنَّا لَصَفْوَةُ اللَّهِ كَمَا هَذِهِ الصُّفْرَةُ صَفْوَةُ هَذِهِ الْبَيْضَةِ ثُمَّ دَعَا بِخَاتَمٍ فَضَمَّهُ فَخَالَطَ

«اقسمت ان تملأها من الكافرين من الجنة و الناس اجمعين و ان تخلد فيها المعاندين»^(۱) جهنم و خلود مخصوصاً خلود مال معاندين است، آنکه دشمن است. ولی شخصی که یک مشت گناه دارد «أَتَسَلِّطُ النَّارُ عَلَى وَجْهِ خَرْتِ لِعَظَمَتِكَ ساجده»^(۲) آیا بر این صورتهایی که سر به سجده گذاشته و در مقابل عظمت تو پیشانی روی خاک گذاشته، آتش مسلط می‌شود؟ «و على السن نطقت بتوحيدك صادق... هیهات ما ذلک الظن بک» اگر گمان به خدا پیدا کردید که عزادار حسین بن علی علیه السلام، عزادار فاطمه زهرا علیها السلام در آتش جهنم بسوزد، این سوءظن به خداست. خودش گناه است. «هیهات ما ذلک الظن بک و لا المعروف من فضلك» اصلاً از فضل و رحمت تو یک چنین چیزی شناخته نشده است.

⇒ الصُّفْرَةُ مَعَ الْبَيَاضِ وَ الْبَيَاضُ مَعَ الصُّفْرِ ثُمَّ قَالَ أَخْبَرَنِي أَبِي عَنْ أَبِي عُبَيْدٍ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ أَنَّهُ قَالَ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ كَانَ شِعْتُنَا هَكَذَا بَيْنَا مُخْتَلِطِينَ وَ شَبَّكَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ ثُمَّ قَالَ إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ (بحار الانوار جلد ۶۵ صفحه ۵۶).

۱ - مصباح المتهجد صفحه ۸۷۹.

۲ - الاقبال صفحه ۸۰۷.

سؤال سیزدهم:

آیا محبین فاطمه زهرا علیها السلام را با دشمنان حضرت در یک جا

عذاب می‌کنند؟

پاسخ ما:

روایت است که جهنم طبقاتی دارد بدترین و سخت‌ترین طبقات آن «أَسْفَلَ سَافِلِينَ»^(۱) است که عذابش بیشتر است و منافقین در آن هستند.^(۲) روایت است که محبین (معصیت کار) حضرت زهرا علیها السلام در طبقه بالای جهنم عذاب می‌شوند که فقط

۱ - سوره تین آیه ۵.

۲ - قَالَ هَذَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ مَعَهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ يُبَشِّرَانِي بِالنَّارِ، وَ مَعَهُ الصَّحِيفَةُ الَّتِي تَعَاهَدْنَا عَلَيْهَا فِي الْكُفْبَةِ، وَ هُوَ يَقُولُ قَدْ وَفَّيْتُ بِهَا وَ ظَاهَرَتْ عَلَيَّ وَلِيِّ اللَّهِ فَأَبْشِرُ أَنْتَ وَ صَاحِبُكَ بِالنَّارِ فِي أَسْفَلَ السَّافِلِينَ، فَلَمَّا سَمِعَهَا عُمَرُ خَرَجَ وَ هُوَ يَقُولُ إِنَّهُ لِيَهْجُرُ قَالَ لَا وَ اللَّهُ لَا أَهْجُرُ أَبْنَ تَذْهَبُ.
(بحار الانوار جلد ۹۱ صفحه ۳۱).

به اصطلاح شعله به آنها می خورد.^(۱) «وَكُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ»^(۲) هر چه پوست بدنشان می سوزد، خدای تعالی پوست جدیدی برای آنها می آفریند تا عذاب را بچشند. بعد از مدتی که تزکیه کردند، آنها را وارد بهشت می کنند.

۱ - قال رسول الله ﷺ ان ولاية على حسنة لا تضر معها شيء من السيئات و ان جلت الا ما يصيب اهلها من التطهير منها بمحن الدنيا و ببعض العذاب في الاخرة الى ان ينجوا منها بشفاعة مواليتهم الطيبين الطاهرين (بحار الانوار جلد ۸ صفحه ۳۵۳).

۲ - سوره نساء آیه ۵۶.

سؤال چهاردهم:

خدای تعالی آب کوثر و حکمت الهی را چه وقت در قلب

انسان قرار می دهد؟

پاسخ ما:

یکی از اسماء حضرت فاطمه زهرا علیها السلام کوثر است. خدای تعالی در قرآن حکمت ^(۱) را خیر کثیر فرموده است. «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» ^(۲) در بعضی از دعاها می گوئیم: «اللَّهُمَّ ارِنِي الْأَشْيَاءَ كَمَا هِيَ» ^(۳) خدایا اشیاء را همان طور که هست، بر ما نشان بده. ما خیلی از آدم ها را آن طوری که هستند نمی بینیم. خیلی از چیزها را آن طوری که هست نمی بینیم. هر چیزی در عالم یک ملکی دارد و یک ملکوتی. به طور مثال حرم های اهل بیت علیهم السلام که ظاهرش همین در و دیوار است و

۱ - حکمت شناخت حقایق اشیاء است آن طوری که است.

۲ - سوره مبارکه بقره آیه ۲۶۹.

۳ - عوالی اللالی جلد ۴ صفحه ۱۳۲.

همان چیزهای ظاهری که ساخته شده است دیده می شود ملکوتی هم دارد. حرم حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام آن طوری که هست نمی بینیم. طبق روایات این طور است «بین جبلی الطّوس» بین این دو رشته کوه، شهر طوس که شامل کوههای هزار مسجد و خلج می شود. «روضة من ریاض الجنّة» باغی از باغهای بهشت است.^(۱) حال اینکه از نظر ظاهر یک درخت هم دیده نمی شود. پس معلوم است که آنچه اهل بیت علیهم السلام فرموده اند، ملکوت حرم بوده است. در روایت دیگر است، «و الحافین بقبره»^(۲) ملائکه دائماً در حال طواف قبر امام رضا علیه السلام هستند. حال اینکه ما نمی بینیم.

ما حقایق و ملکوت اشیاء را نمی بینیم، به خواص اشیاء پی نبرده ایم و آنچه که می بینیم همان مُلک است. اما اگر به ما حکمت دادند، همه اینها را متوجه می شویم. اگر انسان تزکیه کند، روح و وجودش را از رذائل و صفات زشت پاک کند حقایق اشیاء را درک می کند، ملکوت همه چیز را مشاهده می کند. تا انسان تزکیه نکند، چند مرحله را هم بعد از تزکیه نفس نیاماید و به کمالاتی نرسد، به او حکمت نمی دهند. وقتی انسان به چند مرحله بعد از تزکیه نفس قدم گذاشت، نم نمی از اقیانوس حکمت به قلبش جاری می شود، یک چیزهایی را می فهمد، حقایقی را درک می کند و الهاماتی به او می شود.^(۳) خداوند در همین باب می فرماید: هیچ چیز

۱ - قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام يَقُولُ إِنَّ بَيْنَ جَبَلَيْ طُوسٍ قُبْضَةً قُبِضَتْ مِنَ الْجَنَّةِ مَنْ دَخَلَهَا كَانَ آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ النَّارِ (بحار الانوار جلد ۹۹ صفحه ۳۷).

۲ - السلام علی ملائكة الله الحافین السلام علی ملائكة الله المقيمين المسبحين الذين هم بأمره يعملون السلام علينا و علی عباد الله الصالحين (عیون اخبار الرضا علیه السلام جلد ۲ صفحه ۲۷۰).

۳ - قال رسول الله صلی الله علیه و آله ما اخلص لله عز و جل اربعین صباحا الا جرت ینایع الحکمة من قلبه الی لسانه. (بحار الانوار جلد ۶۷ صفحه ۲۴۲).

در عالم نیست مگر اینکه تسبیح خدا را می‌کند، ولی شما تسبیح آنها را نمی‌فهمید.
خیر کثیر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است. نمی‌خواهیم بگوئیم ائمه اطهار علیهم السلام هر چه دارند از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام دارند یا حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام هر چه دارد از او دارد.

مرحوم حاج ملا آقا جان را خدا رحمت کند، در یکی از منازل تهران منبر پر محتوایی رفت، درباره کوثر صحبت می‌کرد، می‌گفت: نهر کوثر داریم، حوض کوثر داریم، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام داریم. نهر کوثر وارد حوض می‌شود و از آن طرف خارج می‌شود. علوم الهی وارد قلب حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می‌شود و از قلب ایشان به ائمه اطهار علیهم السلام عنایت می‌شود. به عبارت دیگر تمام علم و حکمتی که از جانب خدا به ائمه اطهار علیهم السلام می‌رسد، از نهر کوثر حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد این حوض می‌شود و از این حوض وارد دوازده نهر که قلب مقدس ائمه اطهار علیهم السلام است می‌شود.

لذا روز قیامت هر امامی به دوستانش، پیروان و اهل زمانش از نهر کوثر عنایت می‌کند. یعنی هر کسی نهری از آن حوض کوثر دارد.^(۱)

نهر کوثر، ملک و ملکوتی دارد. ملکش این است که انسان تشنه لب رسیده، از همان

۱- جَابِرُ الْجُعْفِيُّ عَنِ الْبَاقِرِ عليه السلام فِي خَبَرٍ طَوِيلٍ فِي قَوْلِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَا عَشَرَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ الْآيَةُ فَقَالَ إِنْ قَوْمٌ مُوسَى لَمَّا شَكُوا إِلَيْهِ الْجَدْبَ وَالْعَطَشَ اسْتَسْقَوْا مُوسَى فَاسْتَسْقَى لَهُمْ فَسَمِعَتْ مَا قَالَ اللَّهُ لَهُ وَ مِثْلُ ذَلِكَ جَاءَ الْمُؤْمِنُونَ إِلَى جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ تَعْرِفُنَا مِنَ الْأَئِمَّةِ بَعْدَكَ فَقَالَ وَ سَأَقُ الْحَدِيثَ إِلَى قَوْلِهِ فَإِنَّكَ إِذَا زَوَّجْتَ عَلِيًّا مِنْ فَاطِمَةَ خَلَقْتَ مِنْهَا أَحَدَ عَشَرَ إِمَامًا مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ يَكُونُونَ مَعَ عَلِيٍّ اثْنِي عَشَرَ إِمَامًا كُلُّهُمْ هُدَاةٌ لَأُمَّتِكَ يَهْتَدُونَ بِهَا كُلُّ أُمَّةٍ بِإِمَامٍ مِنْهَا وَ يَعْلَمُونَ كَمَا عَلِمَ قَوْمُ مُوسَى مَشْرَبَهُمْ (بحار الانوار جلد ۳۶ صفحه ۲۶۵).

نهر کوثر حضرت امام زمان علیه السلام، که از جانب حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به ایشان عنایت شده، آبی به آن شخص می دهند که دیگر تشنه نمی شود. ملکوتی هم دارد که علوم اوّلین و آخرین را با یک جام به هر شخص بهشتی می دهند که در آنجا دارای علم و حکمت باشد و همه چیزها را خوب بشناسد و بفهمد که تمام علوم اوّلین و آخرین مال حضرت فاطمه زهرا علیها السلام یا حوض کوثر است.

حالا شما می فهمید حضرت فاطمه زهرا علیها السلام یعنی چه؟ بی جهت اسمش را کوثر نمی گذارند. کوثر یعنی حکمت، وقتی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام حرف می زند، سخنانش را علمای بزرگ باید بنشینند کلمه به کلمه تفسیر کنند. اما مگر گذاشتند حضرت فاطمه زهرا علیها السلام حرف بزنند!



سؤال پانزدهم:

در قیامت چه تجلیلی از حضرت زهرا علیها السلام می کنند؟

پاسخ ما:

مهم ترین و پُر جمعیت ترین مکان محشر است. از زمان حضرت آدم علیه السلام تا آخر دنیا هر چه آدم روی کره زمین آمده، همه روز قیامت در صحرای محشر جمع می شوند. در آن روز دریاها خشک و کوهها خُرد می شوند، مثل شن نرم درون گودالهایی که قبلاً دریا بوده، ریخته می شوند. در آن روز نه آب و نه هوای خوبی است، نه بادی می آید و نه وسایل خنک کننده هست. تمام کره زمین جای ایستادن می شود، حتی چسبیده به هم می ایستند. گاهی انسان تغییر را می خواهد، می گوید از اینجا نجات پیدا کنم «ولو الى النار» که اهل محشر می گویند خدایا، ما را به جهنم ببر. ^(۱) آنجا حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام جای خاصی دارند. در آن روز اهل محشر نوری که تمام کره زمین را منور می کند و شفق می زند، می بینند.

۱- وَ امْتَاٰزُوا الْيَوْمَ اَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ قَالَ اِذَا جَمَعَ اللّٰهُ الْخَلْقَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بَقُوا قِيَامًا عَلَى اَقْدَامِهِمْ حَتّٰى يُلْجَمَهُمُ الْعَرْقُ فَيُنَادُوا يَا رَبَّ حَاسِبْنَا وَ لَوْ اِلَى النَّارِ قَالَ فَيَبْعَثُ اللّٰهُ رِيحًا فَيَضْرِبُ بَيْنَهُمْ وَ يُنَادِي مُنَادٍ وَ امْتَاٰزُوا الْيَوْمَ اَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ فَيَمَيِّزُ بَيْنَهُمْ فَصَارَ الْمُجْرِمُونَ فِي النَّارِ وَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ اِيْمَانٌ صَارَ اِلَى الْجَنَّةِ (بحار الانوار جلد ۷ صفحه ۱۰۳).

می‌گویند چه خبر است؟ صدایی می‌آید که چشمه‌ایتان را بپوشانید «حتی تجوز فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و آله» که می‌خواهد حضرت فاطمه علیها السلام دختر حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله عبور کنند. مردم چشمه‌هایشان بی‌اختیار روی هم می‌رود. راوی از حضرت امام صادق علیه السلام سؤال می‌کند که: سادات چگونه؟ خیال می‌کند محرم و نامحرم مطرح است. حضرت می‌فرمایند: این مربوط به محرم و نامحرمی نیست، این احکام مال این دنیا است، آن دنیا احکام دیگری دارد. می‌فرمایند هیچ چشمی نمی‌تواند عظمت حضرت فاطمه علیها السلام زهرا را ببیند. این قدر با عظمت است، هفتاد هزار ملک جلو می‌روند، (منظور از هفتاد هزار کثرت است) هفتاد هزار پشت سر، هفتاد هزار از سمت راست و هفتاد هزار از سمت چپ، حضرت فاطمه علیها السلام هم با عظمت، حرکت می‌کند تا به در بهشت می‌رسد عرض می‌کند: «خدایا در دنیا که بودیم کسی ما را نشناخت حالا هم که دستور فرمودی چشمها را بپوشانند، اینجا هم کسی ما را ندید، در بهشت هم که هر کسی سر زندگی خودش می‌رود پس من کجا شناخته شوم؟» ^(۱) «المجهولة قدرا و المخفيه قبراً».

۱- ثُمَّ يُنَادِي مُنَادٍ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ يَسْمَعُ الْخَلَائِقُ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ حَتَّى تَحْجُوزَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ مَعَهَا فَلَا يَنْظُرُ إِلَيْكَ يَوْمَئِذٍ إِلَّا إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُ الرَّحْمَنِ وَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ يَطْلُبُ آدَمَ حَوَاءَ فَيَرَاهَا مَعَ أُمِّكِ خَدِيجَةَ أُمَامِكِ ثُمَّ يُنْصَبُ لَكَ مِنْبُرٌ مِنَ الثُّورِ فِيهِ سَبْعُ مَرَاقٍ بَيْنَ الْمَرْقَاةِ إِلَى الْمَرْقَاةِ صُفُوفُ الْمَلَائِكَةِ بِأَيْدِيهِمُ أَلْوِيَةُ الثُّورِ وَ يَصْطَفُ الْحُورُ الْعَيْنُ عَنْ بَيْتِ الْمُنْبَرِ وَ عَنْ يَسَارِهِ وَ أَقْرَبُ النِّسَاءِ مِنْكَ عَنْ يَسَارِكِ حَوَاءَ وَ أَسِيَّةُ فَإِذَا صِرْتَ فِي أَعْلَى الْمُنْبَرِ أَتَاكِ جَبْرِئِيلُ فَيَقُولُ لَكَ يَا فَاطِمَةُ سَلِي حَاجَتَكَ فَتَقُولِينَ يَا رَبِّ ارْنِي الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ فَيَأْتِيَانِكَ وَ أَوْدَاجُ الْحُسَيْنِ تَشْخَبُ دَمًا وَ هُوَ يَقُولُ يَا رَبِّ خُذْ لِي الْيَوْمَ حَقِّي مِمَّنْ ظَلَمْنِي فَيَغْضَبُ عِنْدَ ذَلِكَ الْجَلِيلُ وَ يَغْضَبُ لِعَظَمِهِ جَهَنَّمُ وَ الْمَلَائِكَةُ أَجْمَعُونَ فَتَرْفَرُ جَهَنَّمُ عِنْدَ ذَلِكَ زَفْرَةً ثُمَّ يَخْرُجُ فَوْجٌ مِنَ النَّارِ وَ يَلْتَقِطُ قَتْلَةَ الْحُسَيْنِ وَ أَبْنَاءَهُمْ وَ أَبْنَاءُ أَهْلِ بَيْتِهِمْ وَ يَقُولُونَ يَا رَبِّ إِنَّا لَمْ نَحْضُرِ الْحُسَيْنَ فَيَقُولُ اللَّهُ لِرَبَائِنِي جَهَنَّمُ خُذُوهُمْ بِسِمَائِهِمْ بِرُزْقَةِ الْأَعْيُنِ وَ سَوَادِ الْوُجُوهِ خُذُوا بِنَوَاصِيهِمْ فَأَلْقُوهُمْ فِي

ما هیچ کجا نمی‌توانیم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را بشناسیم. همه چیز حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است. همه ائمه اطهار علیهم السلام افتخار می‌کردند که مادری چون حضرت فاطمه زهرا علیها السلام دارند. علتش هم این است که او حوض کوثر است. تمام علوم اولین و آخرین، تمام حکمت اولین و آخرین به وسیله حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به ائمه اطهار علیهم السلام عنایت شده است. ائمه علیهم السلام هر چه دارند از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام دارند، نه تنها در این عالم بلکه در همان عالم و اول خلقت.

خدای تعالی به فاطمه زهرا علیها السلام می‌فرماید: چه می‌خواهی؟ برگرد حقیقت همه مال تو بوده، ولو مردم متوجه نبوده‌اند. چه می‌خواهی؟ برگرد و میان صحرای محشر برو (بهشت در آسمانهای خیلی بالاست) باز به کره زمین بر می‌گردد. در روایت تشبیهی است، می‌فرمایند: مثل مرغی که دانه خوب را از بد جدا می‌کند دوستانش، شیعیانش، محبین خود و فرزنداناش را از میان اهل محشر جدا می‌کند. ^(۱) حتی به جایی می‌رسد که یک نفر می‌آید و می‌گوید یا فاطمه، من به تو

﴿الدَّرَكِ الْأَشْفَلِ مِنَ النَّارِ فَإِنَّهُمْ كَانُوا أَشَدَّ عَلَى أَوْلِيَاءِ الْحُسَيْنِ مِنْ آبَائِهِمُ الَّذِينَ حَارَبُوا الْحُسَيْنَ فَقَتَلُوهُ فَتَسْمَعِينَ أَشْهَقَتَهُمْ فِي جَهَنَّمَ ثُمَّ يَقُولُ جَبْرِئِيلُ يَا فَاطِمَةُ سَلِي حَاجَتِكَ فَتَقُولِينَ يَا رَبِّ شِيعَتِي يَقُولُ اللَّهُ قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ فَتَقُولِينَ يَا رَبِّ شِيعَةُ وَلَدِي يَقُولُ اللَّهُ قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ فَتَقُولِينَ يَا رَبِّ شِيعَةُ شِيعَتِي يَقُولُ اللَّهُ انْطَلِقِي فَمَنْ اعْتَصَمَ بِكَ فَهُوَ مَعَكَ فِي الْجَنَّةِ فَعِنْدَ ذَلِكَ تَوَدُّ الْخَلَائِقُ أَنَّهُمْ كَانُوا فَاطِمِيِّينَ فَتَسِيرِينَ وَمَعَكَ شِيعَتُكَ وَشِيعَةُ وَلَدِكَ وَشِيعَةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ آمِنَةً رَوْعَاتُهُمْ مَسْتُورَةٌ عَوْرَاتُهُمْ قَدْ ذَهَبَتْ عَنْهُمْ الشَّدَائِدُ وَ سَهَلَتْ لَهُمُ الْمَوَارِدُ يَخَافُ النَّاسُ وَهُمْ لَا يَخَافُونَ وَ يَظْمَأُ النَّاسُ وَهُمْ لَا يَظْمَأُونَ فَإِذَا بَلَغَتْ بَابَ الْجَنَّةِ تَلَقَّتْكِ اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ حَوْرَاءَ لَمْ يَتَلَقَّيْنِ أَحَدًا قَبْلَكَ وَ لَا يَتَلَقَّيْنِ أَحَدًا كَانَ بِغَدِكَ بِأَيْدِيهِمْ حَرَابٌ مِنْ نُورٍ عَلَى نَجَاتِكِ مِنْ نُورٍ جَلَّالَهَا مِنَ الذَّهَبِ الْأَصْفَرِ وَ الْيَاقُوتِ أَرْمَتَهَا مِنْ لَوْلُؤٍ رَطْبٍ عَلَى كُلِّ نَجِيبٍ نَمْرُقَةٌ مِنْ سُنْدُسٍ فَإِذَا [فَإِذَا] دَخَلْتَ الْجَنَّةَ تَبَاشَّرَ بِكَ أَهْلُهَا وَ وُضِعَ لِشِيعَتِكَ مَوَازِدٌ مِنْ جَوْهَرٍ عَلَى عُمُدٍ مِنْ نُورٍ فَيَأْكُلُونَ مِنْهَا وَ النَّاسُ فِي الْحِسَابِ وَ هُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ الْحَدِيثُ (بحار الانوار جلد ۸ صفحه ۵۳).

۱ - فَيَقُولُ اللَّهُ يَا بِنْتُ حَبِيبِي ارْجِعِي فَأَنْظُرِي مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ حُبٌّ لَكَ أَوْ لِأَحَدٍ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ خُذِي بِيَدِهِ

حقى دارم. حضرت فاطمه زهرا عليها السلام مى فرمايند: چه حقى؟ معلوم است هيچ حقى جز اين نداشته است، مى گويد من در يك شهرى بودم، روز گرمى بود، ديوار خانه ام بلند و در كوچه سايه انداخته بود، يكي از فرزندان تو پاى سايه ديوار خانه من در كوچه نشست و چند دقيقه استراحت كرد. حضرت او را هم شفاعت مى كنند.

⇒ فَأَدْخِلِيهِ الْجَنَّةَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام وَاللَّهِ يَا جَابِرُ إِنَّهَا ذَلِكَ الْيَوْمَ تَلْتَلِقُ شِعْتَهَا وَمُحِبِّهَا كَمَا يَلْتَلِقُ الطَّيْرُ الْحَبَّ الْجَيِّدَ مِنَ الْحَبِّ الرَّدِيِّ فَإِذَا صَارَ شِعْتُهَا مَعَهَا عِنْدَ بَابِ الْجَنَّةِ يُلْقِي اللَّهُ فِي قُلُوبِهِمْ أَنْ يَلْتَفِتُوا فَإِذَا التَّفَتُوا يَقُولُ اللَّهُ يَا أَحِبَّائِي مَا الْبِفَاتِكُمْ وَ قَدْ شَفَعْتُ فِيكُمْ فَاطِمَةُ بِنْتُ حَبِيبِي فَيَقُولُونَ يَا رَبِّ أَحِبُّنَا أَنْ يُعْرِفَ قَدْرُنَا فِي مِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ فَيَقُولُ اللَّهُ يَا أَحِبَّائِي ارْجِعُوا وَ انْظُرُوا مَنْ أَحَبَّكُمْ لِحُبِّ فَاطِمَةَ انْظُرُوا مَنْ أَطْعَمَكُمْ لِحُبِّ فَاطِمَةَ انْظُرُوا مَنْ كَسَاكُمْ لِحُبِّ فَاطِمَةَ انْظُرُوا مَنْ سَقَاكُمْ شَرْبَةً فِي حُبِّ فَاطِمَةَ انْظُرُوا مَنْ رَدَّ عَنْكُمْ غَيْبَةً فِي حُبِّ فَاطِمَةَ فَخَذُّوا يَدِيهِ وَ أَدْخَلُوهُ الْجَنَّةَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام وَاللَّهِ لَا يَبْقَى فِي النَّاسِ إِلَّا شَاكٌ أَوْ كَاغِرٌ أَوْ مُنَافِقٌ فَإِذَا صَارُوا بَيْنَ الطَّبَقَاتِ نَادُوا كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَ لَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ فَيَقُولُونَ فَلَوْ أَنْ لَنَا كَرَّةٌ فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ هِيَ هَاتِ هَاتِ مَنِعُوا مَا طَلَبُوا وَ لَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (بحار الانوار جلد ۸ صفحه ۵۱).



سؤال شانزدهم:

حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به دو نفر از فرزندان شان پاره تن گفتند، آن دو فرزند کدامند؟

پاسخ ما:

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به دو نفر از فرزندان شان «بضعة» گفته است. بضعه یعنی پاره تن، به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام ^(۱) و به حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام «ستدفن بضعة منی بارض خراسان» ^(۲).

۱ - أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله قَالَ فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّْي يُرِيبُنِي مَا رَأَيْتُهَا (بحار الانوار جلد ۲۱ صفحه ۲۷۹).

۲ - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله سَتُدْفَنُ بَضْعَةٌ مِنِّْي بِأَرْضِ خُرَاسَانَ لَا يَزُورُهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا أَوْجَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ الْجَنَّةَ وَ حَرَّمَ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ (بحار الانوار جلد ۴۹ صفحه ۲۸۴).

سؤال هفدهم:

فضیلت سادات را در خصوص آیه «سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنَ» از حضرت رضا علیه السلام نقل فرمائید؟ و آیا «سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنَ» صحیح است و یا «سَلَامٌ عَلٰی اِلِّ یَاسِیْنَ»؟

پاسخ ما:

مقدمتاً مطلب را توضیح دهم، وقتی حضرت بقیه الله علیه السلام ظهور بفرمایند، اکثر شیعیان را به عنوان فرزندان حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله معرفی می کنند و این مطلب از نظر علم، قرآن، روایات و عقل ثابت است. کسی که مادرش سیّد باشد، مساوی است با کسی که پدرش از نسل حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله باشد. حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله این پیش بینی را کرده اند و فرموده اند: «و او دعته علم ما کان و ما یکون الی انقضاء خلقک»^(۱) گاهی دست حضرت امام حسن علیه السلام و حضرت امام حسین علیه السلام را می گرفتند و می آمدند در بین مردم و می فرمودند: این دو تا پسر من، امام هستند

۱- وَ أَوْدَعْتُهُ عِلْمَ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ إِلَى انْقِضَاءِ خَلْقِكَ (بحار الانوار جلد ۹۹ صفحه ۱۰۴).



«قاما او قعدا»^(۱) چه قیام کنند و یا در خانه بنشینند، چه صلح کنند و چه جنگ کنند. خیلی به آنها اظهار محبت می کردند. گاهی حضرت امام حسن علیه السلام را روی شانه راست می گذاشتند و حضرت امام حسین علیه السلام را روی شانه چپ و در شهر حرکت می کردند و می فرمودند: اگر بچه های عرب شتر دارند، من هم برای شما سواری دهنده خوبی هستم.^(۲) و یا می دیدند حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله سجده را طول می دهند، بعضی بلند می شدند می دیدند این دو تا آقازاده بر پشت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله نشسته اند و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله برای این که اینها ناراحت نشوند، سر از سجده بر نمی دارند و می فرمایند «سبحان ربی الاعلی و بحمدہ» به این وسیله به همه می فهماندند که این دو فرزندان من هستند.^(۳)

۱ - قال النبی صلی الله علیه و آله ابنای هذان امامان قاما او قعدا. (بحار الانوار جلد ۲۱ صفحه ۲۷۹).

۲ - ابن نجیح کان الحسن و الحسین یرکبان ظهر النبی صلی الله علیه و آله و یقولان حل حل و یقول نعم الجمّل جمّلکمما . السّمعانی فی الفضائل عن أسلم مؤلی عمر عن عمر بن الخطاب قال رأیت الحسن و الحسین علی عاتقی رسول الله صلی الله علیه و آله فقلت نعم الفرس کما فقال رسول الله صلی الله علیه و آله و نعم الفارسان هما . ابن حماد عن أبيه أنّ النبی یرک لِحَسَنِ و الحُسَینِ فَحَمَلَهُمَا وَ خَالَفَ بَیْنَ أَيْدِيهِمَا وَ أَرْجُلِهِمَا وَ قَالَ نِعْمَ الْجَمَلُ جَمَلُکُمَا. (المناقب لابن شهر آشوب) الخُرُوشِي فِي شَرَفِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ كَانَ جَالِسًا فَأَقْبَلَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ فَلَمَّا رَأَاهُمَا النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله قَامَ لَهُمَا وَ اسْتَبَطَّ بُلُوغُهُمَا إِلَيْهِ فَاسْتَبَطَّ لَهُمَا وَ حَمَلَهُمَا عَلَى كَتِفَيْهِ وَ قَالَ نِعْمَ الْمُطِيُّ مُطِيكُمَا وَ نِعْمَ الرَّكِبَانِ أَتُّمَّا وَ أَبُوکُمَا خَيْرٌ مِنْکُمَا (بحار الانوار جلد ۴۳ صفحه ۲۸۵) عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ حَمَلَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ عَلَى ظَهْرِ الْحَسَنِ عَلَى أَضْلَاعِهِ الْيُمْنَى وَ الْحُسَيْنُ عَلَى أَضْلَاعِهِ الْيُسْرَى ثُمَّ مَسَى وَ قَالَ نِعْمَ الْمُطِيُّ مُطِيكُمَا وَ نِعْمَ الرَّكِبَانِ أَتُّمَّا وَ أَبُوکُمَا خَيْرٌ مِنْکُمَا. وَ رَوِي أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله تَرَكَ لَهُمَا ذَوَابَتَيْنِ فِي وَسْطِ الرَّأْسِ (بحار الانوار جلد ۴۳ صفحه ۲۸۶).

۳ - عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ كَانَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله يُصَلِّيَ فَجَاءَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عليهما السلام فَارْتَدَّاهُ فَلَمَّا رَفَعَ رَأْسَهُ أَخَذَهُمَا أَخْذًا رَفِيقًا فَلَمَّا عَادَ عَادًا فَلَمَّا انْصَرَفَ اجْلَسَ هَذَا عَلَى الْيَمَنِ وَ هَذَا عَلَى الْيُسْرِ ثُمَّ قَالَ مَنْ أَحَبَّنِي

حضرت رضا علیه السلام یکی از فضائل سادات را این آیه «سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنَ»^(۱) معرفی می‌کنند. در سوره صافات خداوند به پیغمبران اولوالعزم سلام می‌فرماید: «سَلَامٌ عَلٰی نُوحٍ فِی الْعَالَمِیْنَ»^(۲) به حضرت آدم سلام نکرده است چون اولوالعزم نبوده است. «سَلَامٌ عَلٰی اِبْرَاهِیْمَ»^(۳) پیغمبر اولوالعزم است. «سَلَامٌ عَلٰی مُوسٰی وَ هَارُونَ»^(۴) به خاطر اینکه حضرت هارون، برادر حضرت موسی علیه السلام می‌باشد و در تمام مشکلات با ایشان بودند، به حضرت هارون هم سلام شده است. حضرت موسی علیه السلام وقتی از کوه طور برگشت و دید همه بت پرست شده‌اند، «وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ»^(۵) موهای جلوی سر برادرش حضرت هارون را گرفت و کشید گفت: چرا گذاشتی که اینها بت پرست بشوند؟ «قَالَ أَبْنَىٰ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّوْنِي وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي»^(۶) هارون گفت ای پسر مادرم مرا ضعیف کردند. من که مثل تو قدرت ندارم، نزدیک بود من را بکشند.

در کتاب عیون الاخبار الرضا علیه السلام روایت است که حضرت با علماء اهل سنت دور مأمون نشسته‌اند و در حال بحث کردن هستند و حضرت رضا علیه السلام این آیه را قرائت فرمودند: «سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنَ»، یک نفر آنجا نگفت که «سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنَ»، معلوم

⇒ فَلْيُحِبِّ هَذَيْنِ وَكَانَا ﷺ حُجَّةَ اللَّهِ لِنَبِيِّهِ ﷺ فِي الْمُبَاهَلَةِ وَ حُجَّةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ أَبِيهِمَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ عَلَى الْأُمَّةِ فِي الدِّينِ وَ الْأَمْنَةِ لِلَّهِ (بحار الانوار جلد ۴۳ صفحه ۲۷۵).

۱- سوره صافات آیه ۱۳۰.

۲- سوره صافات آیه ۷۹.

۳- سوره صافات آیه ۱۰۹.

۴- سوره صافات آیه ۱۲۰.

۵- سوره اعراف آیه ۱۵۰.

۶- سوره اعراف آیه ۱۵۰.



است تا آن زمان هنوز این مسئله مطرح نشده بود. و الا علماء اهل سنت بر حضرت رضا علیه السلام اشکال می کردند که «سَلَامٌ عَلَیْهِ یَاسِینَ» صحیح است.^(۱)

هفت قاری بودند که به آنها قراء سبعة می گفتند. اینها روی کلمات قرآن اعراب می گذاشتند و همه آنها با هم اختلاف دارند. در کتاب مجمع البحرین در تمام آیات اختلاف است «مَالِکِ یَوْمَ الدِّینِ» «مَالِکِ یَوْمَ الدِّینِ» و بعضی از قرآن خوانهای مصری طور دیگری می خوانند «قَالَتْ هِیْتُ لَکَ هِیْتُ لَکَ هِیْتُ لَکَ» و یک دسته از قراء هم ائمه اطهار علیهم السلام بودند و می فرمودند: «سَلَامٌ عَلَیْ آلِ یَاسِینَ» که آل یاسین به تصدیق تمام مفسرین، ذریه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله تا روز قیامت هستند. چون «آل» شامل ذریه می شود. یاسین هم اسم حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به صریح خود قرآن می باشد. خدای تعالی در قرآن می فرماید: «یس * وَالْقُرْآنِ الْحَکِیمِ * إِنَّکَ لَمِنَ الْمُرْسَلِینَ * عَلَی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ»^(۲) حضرت رضا علیه السلام در آن روایت می فرمایند: یس چه کسی است؟ علماء اهل سنت می گویند: حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله. حضرت می فرمایند: در ردیف پیغمبران اولوالعزم خدای تعالی به فرزندان حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله سلام گفته است.

و در آیه دیگر اضافه بر انبیاء اولوالعزم، بر فرزندان حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله

۱ - قَالَ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَعْطَى مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ علیهم السلام مِنْ ذَلِكَ فَضْلًا لَا يَبْلُغُ أَحَدٌ كُنْهَ وَضْفِهِ إِلَّا مَنْ عَقَلَهُ وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يُسَلِّمْ عَلَی أَحَدٍ إِلَّا عَلَی الْأَنْبِیَاءِ علیهم السلام فَقَالَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى سَلَامٌ عَلَی نُوحٍ فِي الْعَالَمِینَ وَ قَالَ سَلَامٌ عَلَی إِبْرَاهِیمَ وَ قَالَ سَلَامٌ عَلَی مُوسَى وَ هَارُونَ وَ لَمْ يَقُلْ سَلَامٌ عَلَی آلِ نُوْحٍ وَ لَمْ يَقُلْ سَلَامٌ عَلَی آلِ إِبْرَاهِیمَ وَ لَا قَالَ سَلَامٌ عَلَی آلِ مُوسَى وَ هَارُونَ وَ قَالَ عَزَّ وَ جَلَّ سَلَامٌ عَلَی آلِ یَسَّ یَغْنِیْ آلَ مُحَمَّدٍ (بحار الانوار جلد ۲۵ صفحه ۲۲۹).

۲ - سوره یس آیات ۴ تا ۱۰.

خدای تعالی سلام گفته است «سلام علی عبادہ الذین اصطفی»^(۱) کہ همه مفسرین در این آیہ «مصطفین» را فرزندان حضرت فاطمہ زہرا علیہا السلام تا روز قیامت می دانند. حضرت رضا علیہ السلام این آیہ را فرمودند و ہمہ تصدیق کردند و یک نفر ہم نگفت کہ شما قرآن را اشتباه می خوانید.^(۲)

۱ - سوره نمل آیہ ۵۹.

۲ - (عیون أخبار الرضا عليه السلام) ابن شاذويه المؤدب و جعفر بن محمد بن مسرور معا عن محمد الحميري عن أبيه عن الريان بن الصلت قال حضر الرضا عليه السلام مجلس المأمون بمرو وقد اجتمع في مجلسه جماعة من علماء أهل العراق و خراسان فقال المأمون أخبروني عن معنى هذه الآية ثم أوزعنا الكتاب الذين اصطفينا من عبادنا فقالت العلماء أراد الله عز وجل بذلك الأمة كلها فقال المأمون ما تقول يا أبا الحسن فقال الرضا عليه السلام لا أقول كما قالوا ولكني أقول أراد الله عز وجل بذلك العترة الطاهرة فقال المأمون وكيف عني العترة من دون الأمة فقال له الرضا عليه السلام إنه لو أراد الأمة لكانت باجمعيها في الجنة لقول الله عز وجل فمنهم ظالم لنفسه ومنهم مقتصد ومنهم سابق بالخيرات بإذن الله ذلك هو الفضل الكبير ثم جمعهم كلهم في الجنة فقال جئات عدن يدخلونها يحلون فيها من أساور من ذهب الآية فصارت الورثة للعترة الطاهرة لا لغيرهم فقال المأمون من العترة الطاهرة فقال الرضا عليه السلام الذين وصفهم الله في كتابه فقال جل وعز إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت ويطهركم تطهيرا وهم الذين قال رسول الله صلى الله عليه وآله إني مخلص فيكم الثقليين كتاب الله وعترتي أهل بيتي ألا وإنهما لن يفرقا حتى يردا علي الحوض فانظروا كيف تخلفوني فيهما أيها الناس لا تعلموه فأنهم أعلم منكم قالت العلماء أخبرنا يا أبا الحسن عن العترة هم الأهل أم غير الأهل فقال الرضا عليه السلام هم الأهل فقالت العلماء فهذا رسول الله صلى الله عليه وآله يؤثر عنه أنه قال أممي آلي و هؤلاء أصحابي يقولون بالخبر المستفاض الذي لا يمكن دفعه آل محمد أمته فقال أبو الحسن عليه السلام أخبروني هل تحرم الصدقة على الأهل قالوا نعم قال فتحرم على الأمة قالوا لا قال هذا فرق ما بين الأهل والأمة ويحكم أين يذهب بكم أضربتم عن الذكر صفحا أم أنتم قوم مسرفون أما علمتم أنه وقعت الورثة والطهارة على المصطفين المهتدين دون سائرهم قالوا ومن أين يا أبا الحسن قال من قول الله عز وجل ولقد أرسلنا نوحا وإبراهيم وجعلنا في ذريتهما النبوة والكتاب فمنهم مهتد وكثير منهم فاسقون فصارت وراثته النبوة والكتاب للمهتدين دون الفاسقين (بحار الانوار جلد ۲۵ صفحه ۲۲۱).

سؤال هیجدهم:

تسبیحات حضرت فاطمه زهرا علیها السلام چه فائده و اثراتی دارد و

چرا ما از این اثرات بی بهره ایم؟

پاسخ ما:

حضرت زهرا علیها السلام با داشتن چهار فرزند و نداشتن امکانات امروزی، همه کارهای خانه را خودشان انجام می دادند. طبعاً خسته می شدند، خدمت پدر رفتند و عرض کردند: یا رسول الله صلی الله علیه و آله یک کمکی، خدمتگزاری برای من منظور کنید. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تسبیح معروف را تعلیم فرمودند. (دخترهای ما باشند، اگر چنین برنامه ای به آنها بدهیم، می دانید چه برخوردی می کنند؟) حضرت زهرا علیها السلام گفتند چشم یا رسول الله صلی الله علیه و آله. این روایت را سنی و شیعه نقل کردند و همه مسلمانها بعد هر نماز این تعقیب را می خوانند و مستحب است، در مسجد کوفه که مقامات زیادی دارد در هر مقام دو رکعت نماز و بعضی اعمال دیگر، بعد از هر نماز تسبیح حضرت زهرا علیها السلام دارد. در اعمال مسجد جمکران حضرت بقیه الله علیه السلام فرمودند: هر که در این مسجد می آید دو رکعت نماز بخواند به عنوان تحیت و بعد دو رکعت نماز حضرت امام زمان علیه السلام با آن خصوصیات و در تعقیب تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را

بگوید.^(۱) این تسبیح در همه جا هست. از نظر ظاهر آدم را بیشتر خسته می‌کند، ولی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را نیرو می‌دهد. به ما شاید نیرو ندهد، چون پیرو حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نیستیم.^(۲) بانوی محترمه‌ای که قدرت ماسوی الله در اختیارش هست، به وسیله این تسبیح نیرو می‌گیرد و احتیاج به خدمت‌کار ندارد. ما معنایش را نمی‌فهمیم. نقل می‌کنند مسیحی‌ها به مرحوم میرفندرسکی گفتند چرا مساجد شما این قدر خراب است و کلیساهای ما این قدر آباد است؟ او گفت اگر یکی از این الله اکبرهای ما را در کلیساهای شما بگویند سقف آن خراب می‌شود. آنها گفتند بیا باید بگویید. میرفندرسکی در کلیسا رفت و یک الله اکبر گفت و سقف کلیسا خراب شد. اینها ایمان می‌خواهد. این دعای عشرات درباره اثرش در منهج الدعوات نوشته‌اند کسی که این دعا را بخواند و کنار کوه باشد اگر لازم باشد کوه حرکت کند، حرکت می‌کند...^(۳) شما باورتان می‌آید؟ چرا؟ آنهایی که می‌گویند تزکیه نفس برای انسان لازم نیست، جواب بدهند. به خدا قسم اگر کسی با ایمان قوی و روح و اراده قوی، اراده کند ماه و خورشید را جابجا می‌کند.

۱ - هكذا يصنع في الركعة الثانية و يسبح في الركوع و السجود سبع مرات فإذا أتم الصلاة يهمل و يسبح تسبيح فاطمة الزهراء عليها السلام فإذا فرغ من التسبيح يسجد و يصلي على النبي و آله مائة مرة. (بحار الانوار جلد ۵۳ صفحه ۲۳۰).

۲ - عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ مَا عَبْدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِنَ التَّحْمِيدِ أَفْضَلَ مِنْ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عليها السلام وَ لَوْ كَانَ شَيْءٌ أَفْضَلَ مِنْهُ لَنَحَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَاطِمَةَ (بحار الانوار جلد ۴۳ صفحه ۶۴).

۳ - و لو دعا به طائع لله على جبل لزال من مكانه او على ميت لحياه الله بعد موته و لو دعا به على الماء لمشي عليه بعد ان لا يدخله العجب (مهج الدعوات صفحه ۱۵۳).



سؤال نوزدهم:

چرا وقتی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از غیب مکنون مطالبی را بیان می‌فرمایند حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام تعجب می‌کنند؟

پاسخ ما:

گاهی بعضی از اعمال را این شخصیت‌های مذهبی انجام می‌دهند تا مقام مقدس آن کسی که منظور است، مشخص شود و مردم او را بشناسند. مثلاً روزی حضرت علی علیه السلام بر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام وارد شدند. حضرت فاطمه زهرا علیها السلام مطالبی را از غیب مکنون بیان کرد که حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام بر می‌گردند خدمت حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و عرض می‌کنند حوادثی را که هنوز خبرش به ما نرسیده، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بیان می‌کند. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «فاطمه منی و انه منها» این صحنه‌ها برای رشد معارف ما می‌باشد. (۱)

۱ - بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ مُحَدَّثَةً لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانَتْ تَهْبِطُ مِنَ السَّمَاءِ فَتُنَادِيهَا كَمَا تُنَادِي مَرْيَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ فَنَقُولُ يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ يَا فَاطِمَةُ أَفَنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ فَتُحَدِّثُهُمْ وَ يُحَدِّثُونَهَا فَقَالَتْ لَهُمْ ذَاتَ لَيْلَةٍ أَلَيْسَتْ

در حدیث کساء که مورد اتفاق همه است، حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وقتی در وجودش ضعفی می بیند «انی لاجد فی بدنی ضعفا» بدنش ضعیف می شود، پناه به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می برد و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام آن قدر از خودش اظهار قدرت می کند که می گوید «اعیذك بالله یا ابتاه من الضعف» من تو را به خدا پناه می دهم از ضعف.^(۱)

کساء یمانی را روی بدن پدر کشیدند. سپس می گوید «و صرت انظر الیه و اذا وجهه یتلألو کانه البدر فی لیلة تمامه» صورتشان مثل ماه می درخشید و ضعفشان بر طرف شد. کسی که ضعف دارد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله است. راه را به ما نشان می دهند، می گویند ضعفی پیدا کردید، روحی یا جسمی به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام پناه ببرید و بگویید: «یا مولاتی یا فاطمة اغیثینی» تمام عالم تکوین در اختیار حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است. وقتی در مسجد فرمودند «خلوا ابن عمی او لا کشف بالدعا رأسی» این جمله را گاهی که توجّه می کنم، حضرت نفرین نکردند و فقط تهدید کردند پایه های مسجد بنا کرد به لرزیدن.^(۲) ولی چون بنده خدا است همانی را می خواهد که حضرت علی علیه السلام می خواهد و حضرت علی علیه السلام همان را می خواهد که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله می خواهد و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله همانی را می خواهد که خدا می خواهد و الا اراده می کرد تمام کارها انجام می شد.

⇒ الْمُفَضَّلَةُ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ فَقَالُوا إِنَّ مَرْيَمَ كَانَتْ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِهَا وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَكَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِكَ وَ عَالَمِهَا وَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ (بحار الانوار جلد ۱۴ صفحه ۲۰۶).

۱ - حدیث کساء، مفاتیح الجنان صفحه ۱۲۲ و احقاق الحق قاضی سید نورالله الحسینی

مرعشی التستری جلد ۲ صفحات ۵۵۴ و ۵۵۵ و تفسیر جامع جلد ۵ صفحه ۳۵۳.

۲ - بحار الانوار جلد ۲۸ صفحه ۲۰۶.



سؤال بیستم:

لطفاً توضیح بیشتری در خصوص اهمیت محبت به فرزندان

حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عنایت بفرمایید؟

پاسخ ما:

شخصی نقل می‌کرد، زمانی یکی از رفقا که سیّد بود و بعد شهید شد، پهلوی من نشسته بود به فکر این بودم چرا سادات احترام دارند و باید به اینها محبت کرد؟ شب خواب عجیبی دیدم. خواب دیدم حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در یک ارتفاعی ایستاده‌اند و از بدن مقدّسشان مثل موی نورهای زیادی منشعب شده، البتّه هر چه می‌گذرد این موها و نورها انشعابش زیادتیر می‌شود، آمده تا به ما رسیده و به همه جای عالم رفته است. این نوری که از بدن مقدّسشان به طرف ما آمده بنبند است، روی هربندی اسم یکی از اجداد این آقا سیّد (که پیش من نشسته بود) نوشته شده بود در همین بین مثل اینکه وضع تغییر کرد، در همان عالم رؤیا دیدم این شخص نشسته، یک آقای در آن وقت که اصلاً فکر من به او نمی‌رفت بلند شد و دست ایشان را بوسید. فردایش همین شخص آمد و مهمان ما شد، این خواب را من برای این آقا سیّد نقل کردم که سیادت تو ثابت شد. تا این خواب را نقل کردم همان شخص بلند شد و بدون مقدمه دست این سیّد را بوسید. با اینکه من نگفته بودم در

خواب دست آن سید را بوسیدی. و این معنا برای من روشن شد.

یک وقتی حضرت امام صادق علیه السلام عصایی در دستشان بود و داشتند می رفتند. ابوحنیفه خدمت حضرت رسید عرض کرد سن شما به حدی نرسیده که عصا بدست بگیرید؟ حضرت علیه السلام فرمود: این عصای حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است. ابوحنیفه پدید و عرض کرد این عصا را به من بدهید بیوسم، حضرت عصا را از او گرفتند و فرمودند: «وَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ هَذَا بِشْرُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَأَنَّ هَذَا مِنْ شَعْرِهِ فَمَا قَبِلْتُهُ وَتَقَبَّلُ عَصَا» این بدن گوشت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله است، این بدن، استخوان حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله است، این را اذیت می کنی آن وقت چوبی را می خواهی بوسی؟ (۱)

۱- وَجَاءَ أَبُو حَنِيفَةَ إِلَيْهِ لِيَسْمَعَ مِنْهُ وَخَرَجَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ يَتَوَكَّأُ عَلَى عَصَا فَقَالَ لَهُ أَبُو حَنِيفَةَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا بَلَغْتَ مِنَ السِّنِّ مَا تَحْتَاجُ مَعَهُ إِلَى الْعَصَا قَالَ هُوَ كَذَلِكَ وَكَيْنَهَا عَصَا رَسُولِ اللَّهِ أَرَدْتُ التَّبَرُّكَ بِهَا فَوَتَّبَ أَبُو حَنِيفَةَ إِلَيْهِ وَقَالَ لَهُ أَقْبِلْهَا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَحَسَرَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَنْ ذِرَاعِهِ وَقَالَ لَهُ وَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ هَذَا بِشْرُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَأَنَّ هَذَا مِنْ شَعْرِهِ فَمَا قَبِلْتُهُ وَتَقَبَّلُ عَصَا (بحار الانوار جلد ۴۷ صفحه ۲۸).



سؤال بیست و یکم:

آیا ارواح سادات در عالم ارواح قبل از عالم ذر سید بودند؟

پاسخ ما:

سیادت مربوط به بدن است چون پدر و یا مادر از اولاد حضرت پیامبر ﷺ بوده‌اند. و الا در بُعد روحی ارواح همه مساوی خلق شدند. خداوند ارواح بعضی‌ها را به خاطر اعمالشان در این دنیا در بدنهای سادات قرار داد و بعضی را نه.

سؤال بیست و دوم:

چرا حضرت رضا علیه السلام به زید فرمودند: تو را کلام روات کوفه مغرور کرده که «ان فاطمه احصنت فرجها حرم الله ذریتها علی النار»؟

پاسخ ما:

در آن مجلس حضرت رضا علیه السلام خیلی با تندى با او رفتار کردند. روایت دارد اگر حضرت با تندى با او برخورد نمى کردند آتش خشم مأمون بیشتر شعله ور مى شد و او را به قتل مى رساند. برای حفظ جانش تندى کردند. ائمه اطهار علیهم السلام گاه برای حفظ جان دوستان با آنها تندى مى کردند، برای اینکه حکومت فکر نکند ایشان آدم نزدیکی به حضرت است تا فشار بر او نیاورند.^(۱)

۱- (الْهَمْدَانِيُّ) جَمِيعاً عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنِي يَاسِرٌ أَنَّهُ خَرَجَ زَيْدُ بْنُ مُوسَى أَخُو أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام بِالْمَدِينَةِ وَ أَخْرَقَ وَ قَتَلَ وَ كَانَ يُسَمَّى زَيْدَ النَّارِ فَبَعَثَ إِلَيْهِ الْمَأْمُونُ فَأَسْرَ وَ حَمَلَ إِلَى الْمَأْمُونِ فَقَالَ الْمَأْمُونُ أَذْهَبُوا بِهِ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ قَالَ يَاسِرٌ فَلَمَّا أُدْخِلَ إِلَيْهِ قَالَ لَهُ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام يَا زَيْدُ أَغَرَّكَ قَوْلُ سَفَلَةٍ أَهْلِ الْكُوفَةِ إِنَّ فَاطِمَةَ أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ ذُرِّيَّتَهَا عَلَى النَّارِ ذَاكَ لِلْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عليهم السلام خَاصَّةً إِنْ كُنْتَ تَرَى أَنَّكَ تَغْصِي اللَّهُ وَ تَدْخُلُ الْجَنَّةَ وَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عليه السلام أَطَاعَ اللَّهَ وَ دَخَلَ الْجَنَّةَ فَأَنْتَ إِذَا أَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام وَ اللَّهُ مَا يَنَالُ أَحَدٌ مَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا بِطَاعَتِهِ وَ زَعَمْتَ أَنَّكَ تَنَالُهُ بِمَعْصِيَتِهِ فَبُسْ مَا زَعَمْتَ (بحار الانوار جلد ۴۹ صفحه ۲۱۷).

سؤال بیست و سوم:

روایاتی مانند گریه زیاد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و ناراحت شدن مردم مدینه و یا بی حال شدن حضرت علی علیه السلام در نخلستان صحیح است یا جزو روایات وارد شده نیست؟

پاسخ ما:

گاه دشمن های ائمه اطهار علیهم السلام در سخنان شان آنها را به قدری پائین آوردند که من حتی شرم دارم بعضی از این روایات را مطرح کنم. یکی مانند همین روایت که حضرت زهرا علیها السلام در خانه بلند بلند گریه می کردند. اگر انسان تعقل کند یک خانم این جور گریه می کند که مردم مدینه به امان بیایند؟ اصلاً شرعی هست؟ هر چقدر هم خانه ها به هم نزدیک باشد. اصلاً زنهای ما این کار را می کنند که حضرت زهرا علیها السلام بکنند؟ یا اینکه می گویند شخصی تعریف کرده که در نخلستان صدایی شنیدم، صدای حضرت علی علیه السلام بود که مناجات می کرد و صدا ضعیف و ضعیف تر می شد تا دیدم افتاد، رفتم در خانه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، آن حضرت فرمود چه جوری بود؟ من تعریف کردم. حضرت فرمودند علی شبی هفتاد مرتبه این جور غش می کند. ما نشستیم حساب کردیم این طور که این می گوید، هر کدام از این مراتب نیم ساعت طول می کشد یعنی ۳۵ ساعت در شبانه روز اصلاً امکان دارد؟ یک ربع

هم حساب کنیم باز کار عملی نیست. اینها گاه حرفهایی می‌زنند و ما متوجه نیستیم. دشمن هم می‌خندد. امام اسوه است. انسانی که دو سه روز یک بار غش کند، به او اسوه می‌گویند؟ چه رسد به شبی هفتاد مرتبه!! ما پای این منبرها بزرگ شدیم و غرور ما را گرفته که همه چیز را می‌دانیم، یا حرفهایی که مطابق افکار خودمان است به ائمه اطهار (علیهم‌السلام) نسبت می‌دهیم، منبری باید مجتهد باشد. آیه‌الله بروجردی می‌گفتند: این احادیث مانند بقچه‌بندی می‌ماند که به ما رسیده. ما باید اینها را باز کنیم، ببینیم در آن چه هست، هر کس این قدرت را ندارد باید مجتهد باشد علمای قبل اکثراً حامل فقه بودند. ولی در زمان ما باید فکر کنیم، ببینیم چه فرموده‌اند؟ لذا فهم روایات حتماً اجتهاد می‌خواهد کار همه کس نیست.



سؤال بیست و چهارم:

آیا درست است که چهار زن با عظمت دنیا در قبل از اسلام،

در زمان تولد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام حضور داشتند؟

پاسخ ما:

حضرت خدیجه علیها السلام، مادر فاطمه زهرا علیها السلام خیلی ثروتمند بود، احدی در جزیره العرب به اندازه او ثروتمند نبود ولی قلبش مؤمن، آگاه و بی اعتنا به همه چیز بود. اگر مختصری خودش را نشان می داد، عربها به خاطر ثروتش هم که بود با او ازدواج می کردند. ولی او همه را رد کرده بود. عشق و علاقه معنوی به حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله پیدا کرده بود. سیمای حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را می دید، آثار رسالت را می بیند، سرش را پایین انداخت گفت من زنی را سراغ دارم که یک عیب دارد، سنش بیشتر از شماست. با حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج کرد و تمام ثروتش را در راه اسلام داد. وقتی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام خواست به دنیا بیاید، احدی از زنها برای کمک او نیامدند. خدای تعالی برای کمک او چهار زن با عظمت دنیا یعنی حضرت حوا، آسیه زن فرعون، مریم مادر عیسی علیه السلام و مادر موسی علیه السلام را فرستاد، ملائکه هم با تشریفات خاصی آمدند.^(۱)

۱ - عَنْ الْمُضَلِّ بْنِ عُمَرَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عليه السلام كَيْفَ كَانَ وَلَادَةُ فَاطِمَةَ عليها السلام فَقَالَ نَعَمْ إِنَّ خَدِيجَةَ عليها السلام لَمَّا تَزَوَّجَ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله هَجَرَتْهَا نِسْوَةً مَكَّةَ فَكُنَّ لَا يَدْخُلْنَ عَلَيْهَا وَلَا يُسَلِّمْنَ عَلَيْهَا وَلَا يَتْرُكْنَ

یک قدم برای خدا بردارید ببینید خدا چه می کند.

⇒ امراًة تَدْخُلُ عَلَيْهِ فَاسْتَوْحِشَتْ حَدِيْجَةَ لِذَلِكَ وَكَانَ جَزَعُهَا وَغَمُّهَا حَذراً عَلَيْهِ ﷺ فَلَمَّا حَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ كَانَتْ فَاطِمَةُ ﷺ تُحَدِّثُهَا مِنْ بَطْنِهَا وَتُصَبِّرُهَا وَكَانَتْ تَكْتُمُ ذَلِكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَدَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَوْمَاً فَسَمِعَ حَدِيْجَةَ تُحَدِّثُ فَاطِمَةَ ﷺ فَقَالَ لَهَا يَا حَدِيْجَةُ مِنْ تُحَدِّثِينَ قَالَتْ الْجَنِّيْنَ الَّذِي فِي بَطْنِي يُحَدِّثُنِي وَ يُؤْنِسُنِي قَالَ يَا حَدِيْجَةُ هَذَا جَبْرِئِيْلُ يُخْبِرُنِي أَنَّهَا أَنْتِ وَأَنَّهَا النَّسْلَةُ الطَّاهِرَةُ الْمُيْمُونَةُ وَأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى سَيَجْعَلُ نَسْلِي مِنْهَا وَ سَيَجْعَلُ مِنْ نَسْلِهَا أَئِمَّةً وَ يَجْعَلُهُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ بَعْدَ انْقِضَاءِ وَحْيِهِ فَلَمْ تَزَلْ حَدِيْجَةُ ﷺ عَلَى ذَلِكَ إِلَى أَنْ حَضَرَتْ وَلادَتْهَا فَوَجَّهَتْ إِلَى نِسَاءِ قُرَيْشٍ وَ بَنِي هَاشِمٍ أَنْ تَعَالَيْنَ لِيَتَلَيْنَ مِنِّي مَا تَلِي النِّسَاءُ مِنْ النِّسَاءِ فَأَرْسَلْنَ إِلَيْهَا أَنْتَ عَصِيْبَتَا وَ لَمْ تَقْبَلِي قَوْلَنَا وَ تَزَوَّجْتَ مُحَمَّدًا نَبِيَّكُمْ أَبِي طَالِبٍ فَقَبِيْرًا لَا مَالَ لَهُ فَلَسْنَا نَجِيءُ وَ لَا نَلِي مِنْ أَمْرِكِ شَيْئاً فَاعْتَمَتْ حَدِيْجَةُ ﷺ لِذَلِكَ فَبَيْنَا هِيَ كَذَلِكَ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهَا أَرْبَعُ نِسْوَةٍ سُمِرَ طَوَالَ كَانِهِنَّ مِنْ نِسَاءِ بَنِي هَاشِمٍ فَفَرَعَتْ مِنْهُنَّ لَمَّا رَأَتْهُنَّ فَقَالَتْ إِحْدَاهُنَّ لَا تَحْزَنِي يَا حَدِيْجَةُ فَإِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ إِلَيْكَ وَ نَحْنُ أَخَوَاتُكِ أَنَا سَارَةُ وَ هَذِهِ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ وَ هِيَ رَفِيقَتُكَ فِي الْجَنَّةِ وَ هَذِهِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ هَذِهِ كُلُّهُنَّ أُخْتُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ بَعَثَنَا اللَّهُ إِلَيْكَ لِنَلِي مِنْكَ مَا تَلِي النِّسَاءُ مِنَ النِّسَاءِ فَجَلَسَتْ وَاحِدَةً عَنْ يَمِينِهَا وَ أُخْرَى عَنْ يَسَارِهَا وَ الثَّالِثَةُ بَيْنَ يَدَيْهَا وَ الرَّابِعَةُ مِنْ خَلْفِهَا فَوَضَعَتْ فَاطِمَةُ ﷺ طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً فَلَمَّا سَقَطَتْ إِلَى الْأَرْضِ أَشْرَقَ مِنْهَا النُّوْرُ حَتَّى دَخَلَ بُيُوتَاتِ مَكَّةَ وَ لَمْ يَبْقَ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ لَا غَرْبِهَا مَوْضِعٌ إِلَّا أَشْرَقَ فِيهِ ذَلِكَ النُّوْرُ وَ دَخَلَ عَشْرٌ مِنَ الْحُورِ الْعِيْنَ كُلُّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ مَعَهَا طَسْتُ مِنَ الْجَنَّةِ وَ إِبْرِيْقٌ مِنَ الْجَنَّةِ وَ فِي الْإِبْرِيْقِ مَاءٌ مِنَ الْكُوْثَرِ فَتَنَاوَلَتْهَا الْمَرْأَةُ الَّتِي كَانَتْ بَيْنَ يَدَيْهَا فَغَسَلَتْهَا بِمَاءِ الْكُوْثَرِ وَ أَخْرَجَتْ خَزَفَتَيْنِ بَيَاضَاوَيْنِ أَشَدَّ بَيَاضاً مِنَ اللَّبْنِ وَ أَطْبَبَ رِيحاً مِنَ الْمِسْكِ وَ الْعَنْبَرِ فَلَقَّتْهَا بِوَاحِدَةٍ وَ قَعْنَتْهَا بِالثَّانِيَةِ ثُمَّ اسْتَنْطَفَتْهَا فَطَلَّقَتْ فَاطِمَةُ عَ بِالشَّهَادَتَيْنِ وَ قَالَتْ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ أَيْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ سَيِّدُ الْنَّبِيِّاءِ وَ أَنَّ بَعْلي سَيِّدُ الْأَوْصِياءِ وَ وَلَدِي سَادَةُ الْأَنْسَابِ ثُمَّ سَلَّمَتْ عَلَيْهِنَّ وَ سَمَّتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ بِاسْمِهَا وَ أَقْبَلْنَ يَضْحَكْنَ إِلَيْهَا وَ تَبَاشَرَتِ الْحُورُ الْعِيْنَ وَ بَشَّرَ أَهْلَ السَّمَاءِ بَعْضُهُمْ بَعْضاً بِوِلَادَةِ فَاطِمَةَ ﷺ وَ حَدَّثَ فِي السَّمَاءِ نُوْرٌ زَاهِرٌ لَمْ تَرَهُ الْمَلَائِكَةُ قَبْلَ ذَلِكَ وَ قَالَتِ النِّسْوَةُ حُذِيْبَا يَا حَدِيْجَةُ طَاهِرَةٌ مُطَهَّرَةٌ زَكِيَّةٌ مَيْمُونَةٌ بَوْرِكٌ فِيهَا وَ فِي نَسْلِهَا فَتَنَاوَلَتْهَا فَرِحَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ وَ أَلْقَمَتْهَا ثَدْيِهَا فَدَرَّ عَلَيْهَا فَكَانَتْ فَاطِمَةُ ﷺ تَنُمِي فِي الْيَوْمِ كَمَا يَنُمِي الصَّبِيُّ فِي الشَّهْرِ وَ تَنُمِي فِي الشَّهْرِ كَمَا يَنُمِي الصَّبِيُّ فِي السَّنَةِ (بحار الانوار جلد ۴۳ صفحه ۲).



سؤال بیست و پنجم:

لطفاً نظرات دیگران درباره سیادت از طرف مادر را بفهمائید.

پاسخ ما:

دلایلی را که در کتاب انوار الزهراء علیها السلام نوشته‌ام از خودم نگفتم از دلائل علمی و روایی و گفتار دانشمندان گفته‌ام و بدانید که این مسئله از ضروریات مذهب شیعه است.^(۱)

۱ - در کتاب انوار الزهراء ص ۱۱۹ توضیح کامل است.

سؤال بیست و ششم:

چرا خدای تعالی بعد از عنایت کوثر به حضرت پیامبر اکرم

ﷺ می فرماید نماز بخوان؟

پاسخ ما:

در سوره مبارکه کوثر، کلمه «صلاة» است. خطاب به حضرت پیامبر اکرم ﷺ است. صلاة برای خداست، طبعاً منظور نماز است. نماز از چیزهایی است که در زندگی انسان نقش فوق العاده‌ای دارد. در روایات هست شخصی که یک رکعت نمازش را عمداً ترک کند کافر است.^(۱) روایت دیگر می‌فرماید نماز پایه دین و اساس دین است.^(۲) در روایتی نماز را عروج مؤمن ذکر کرده‌اند: «الصلاة معراج مؤمن»^(۳) نماز انسان با تقوی را به خدا نزدیک می‌کند «الصلاة قربان کل تقی»^(۴) «الصلاة خیر موضوع فمن شاء استقل فمن شاء استکثر»^(۵) هر چه می‌توانید نماز

۱ - قوله ﷺ من ترک الصلاة متعمداً فقد کفر. (بحار الانوار جلد ۳۰ صفحه ۶۷۳).

۲ - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنَّ عَمُودَ الدِّينِ الصَّلَاةُ (تهذيب الاحکام جلد ۲ صفحه ۲۳۷).

۳ - أن الصلاة لما كانت معراج المؤمن (بحار الانوار جلد ۷۹ صفحه ۲۴۷).

۴ - قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلِّ تَقِيٍّ (بحار الانوار جلد ۷۵ صفحه ۲۰۳).

۵ - بحار الانوار جلد ۷۹ صفحه ۳۰۸.

بخوانید که بهترین چیزهاست. به همین دلیل خدای تعالی هدیه‌ای که برای پیامبرش فرستاده، فرموده است: «فَصَلِّ لِرَبِّكَ» نماز بخوان، تشکر کن. اجمالاً نماز بسیار فضیلت دارد و آیات و روایات زیادی در باره نماز وجود دارد.

خدای تعالی خیر کثیر به حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مرحمت فرموده. برای این جهت حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله باید نماز بخواند. چون در نماز همه چیز است، این استنباط من هست. از خصوصیات نماز یکی این است که در اذان و اقامه «حی علی خیر العمل» می‌گوئیم، کسانی که درک نمی‌کنند، فکر می‌کنند «خیر العمل» یعنی جهاد، از دومی سؤال کردند چرا مانع گفتن «حی علی خیر العمل» شدی گفت مردم از جهاد باز می‌مانند. خیرالعمل جهاد نیست. نماز جهاد را به وجود می‌آورد. از شعارهای زمان حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده وقتی می‌خواستند مردم را برای جهاد دعوت کنند اذان می‌گفتند. «حی علی خیرالعمل» می‌گفتند. نمازخوان‌های زیادی بودند. اما از نماز فقط پوسته نماز را گرفته بودند. مانند زهاد ثمانیه و معنایش را نمی‌فهمیدند مغز نماز ولایت است.

سؤال بیست و هفتم:

در مورد این آیه «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا»^(۱) توضیح دهید منظور چه کسی است؟

پاسخ ما:

مادر وقتی او را در رحم داشت، برایش زحمت داشت. خیلی مهم است که مادر چند کیلو را در شکم نگه دارد این ظاهر آیه است. اگر منظور از انسان که در اوّل آیه مطرح شده، حضرت سیدالشهداء علیه السلام باشد، ایشان در رحم مادر که بودند با مادرش حضرت زهرا علیها السلام صحبت می کردند، شما فکر نکنید عقل و فکر ما مربوط به بدن است خیر، بدن ارزش ندارد، روح است که ارزشمند است. مخصوصاً ائمه اطهار علیهم السلام، روح شان ارزشمند است. این حرف که روح از بدن منشعب می شود، حرف غلطی است. حضرت عیسی علیه السلام در همان لحظه تولّد با مادرش سخن گفت. این را از کجا یاد گرفته؟ حضرت سیدالشهداء علیه السلام قلب عالم امکان است، در رحم مادرش صدایش را به گوش مادر می رساند. گاه می فرمودند: «انا مظلوم»، من شهید خواهم شد. من مظلومم. حضرت زهرا علیها السلام اینها را می شنیدند، اشک می ریختند.



حضرت علی علیه السلام تشریف می آوردند و حضرت زهرا علیها السلام برایشان می گفتند: (۱)
 روضه سیدالشهداء علیه السلام در عالم ذر خوانده شد. وقتی حضرت آدم علیه السلام خواست توبه
 کند، حضرت جبرئیل آمد و گفت بگو «یا حمید بحق محمد، یا عالی بحق علی، یا فاطر
 بحق فاطمه، یا محسن بحق الحسن یا قدیم الاحسان بحق الحسین» وقتی این کلام آخر
 را گفت اشک حضرت آدم علیه السلام جاری شد. (۲)

۱- (تفسیر القمی) وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا قَالَ الْإِحْسَانُ رَسُولُ اللَّهِ ص قَوْلُهُ بِوَالِدَيْهِ إِنَّمَا عَنَى
 الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ عليهما السلام ثُمَّ عَطَفَ عَلَى الْحُسَيْنِ فَقَالَ حَمَلْتُهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعْتَهُ كُرْهًا وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ أَخْبَرَ
 رَسُولُ اللَّهِ ص وَ بَشَّرَهُ بِالْحُسَيْنِ قَبْلَ حَمْلِهِ وَ أَنَّ الْإِمَامَةَ تَكُونُ فِي وَلَدِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ أَخْبَرَهُ بِمَا يُصِيبُهُ
 مِنَ الْقَتْلِ وَ الْمُصِيبَةِ فِي نَفْسِهِ وَ وَلَدِهِ ثُمَّ عَوَّضَهُ بِأَنْ جَعَلَ الْإِمَامَةَ فِي عَقِبِهِ وَ أَعْلَمَهُ أَنَّهُ يُقْتَلُ ثُمَّ يَرُدُّهُ إِلَى
 الدُّنْيَا وَ يَنْصُرُهُ حَتَّى يَقْتُلَ أَعْدَاءَهُ وَ يُمْلِكَهُ الْأَرْضَ وَ هُوَ قَوْلُهُ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي
 الْأَرْضِ الْآيَةِ وَ قَوْلُهُ وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ فَبَشَّرَ اللَّهُ نَبِيَّهُ
 ص أَنَّ أَهْلَ بَيْتِكَ يَمْلِكُونَ الْأَرْضَ وَ يَرْجِعُونَ إِلَيْهَا وَ يَقْتُلُونَ أَعْدَاءَهُمْ فَأَخْبَرَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَاطِمَةَ ع بِخَبَرِ
 الْحُسَيْنِ ع وَ قَتْلِهِ فَحَمَلْتَهُ كُرْهًا ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع فَهَلْ رَأَيْتُمْ أَحَدًا يُبَشِّرُهُ بِوَلَدٍ ذَكَرٍ فَيَحْمِلُهُ كُرْهًا أَيْ إِنَّهَا
 اعْتَمَتْ وَ كَرِهَتْ لِمَا أَخْبَرَتْ بِقَتْلِهِ وَ وَضَعْتَهُ كُرْهًا لِمَا عَلِمَتْ مِنْ ذَلِكَ وَ كَانَ بَيْنَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ
 اللَّهِ عَلَيْهِمَا طَهْرٌ وَاحِدٌ وَ كَانَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فِي بَطْنِ أُمِّهِ سِتَّةَ أَشْهُرٍ وَ فِصَالُهُ أَرْبَعَةً وَ عِشْرُونَ شَهْرًا وَ هُوَ قَوْلُ
 اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ حَمَلَهُ وَ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا (بحار الانوار جلد ۴۳ صفحه ۲۴۶).

۲- وَ رَوَى صَاحِبُ الدُّرِّ الثَّمِينِ فِي تَفْسِيرِ قَوْلِهِ تَعَالَى فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ أَنَّهُ رَأَى سَاقَ الْعَرْشِ وَ
 أَسْمَاءَ النَّبِيِّ وَ الْأَئِمَّةِ عليهم السلام فَلَقَنَهُ جِبْرِئِيلُ قُلْ يَا حَمِيدٌ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ يَا عَلَالِي بِحَقِّ عَلِيٍّ يَا فَاطِرُ بِحَقِّ فَاطِمَةَ يَا
 مُحْسِنُ بِحَقِّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ مِنْكَ الْإِحْسَانُ فَلَمَّا ذَكَرَ الْحُسَيْنَ سَأَلَتْ دُمُوعُهُ وَ انْخَسَعَ قَلْبُهُ وَ قَالَ يَا
 أَخِي جِبْرِئِيلُ فِي ذِكْرِ الْخَامِسِ يَنْكَسِرُ قَلْبِي وَ تَسِيلُ عَبْرَتِي قَالَ جِبْرِئِيلُ وَلَدَكَ هَذَا يُضَابُ بِمُصِيبَةٍ تَصْغُرُ
 عِنْدَهَا الْمَصَائِبُ فَقَالَ يَا أَخِي وَ مَا هِيَ قَالَ يَقْتُلُ عَطْشَانًا [عَطْشَانًا] غَرِيبًا وَ حِيدًا فَرِيدًا لَيْسَ لَهُ نَاصِرٌ وَ لَا
 مُعِينٌ وَ لَوْ تَرَاهُ يَا آدَمُ وَ هُوَ يَقُولُ وََا عَطْشَاءَ وََا قِلَّةَ نَاصِرَاهُ حَتَّى يَحُولَ الْعَطَشُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ السَّمَاءِ كَالدُّخَانِ
 فَلَمْ يُجِبْهُ أَحَدٌ إِلَّا بِالسُّيُوفِ وَ شَرِبَ الْحَتُوفَ فَيَذْبُحُ ذَبْحَ الشَّاةِ مِنْ قَفَاهُ وَ يَنْهَبُ رَحْلَهُ أَعْدَاؤُهُ وَ تُشْهَرُ
 رُءُوسُهُمْ هُوَ وَ أَنْصَارُهُ فِي الْبُلْدَانِ وَ مَعَهُمُ النَّسْوَانُ كَذَلِكَ سَبَقَ فِي عِلْمِ الْوَاحِدِ الْمَتَّانِ فَبَكَى آدَمُ وَ جِبْرِئِيلُ
 بُكَاءَ الثُّكْلَى (بحار الانوار جلد ۴۴ صفحه ۲۴۵).

«حَمَلَتْهُ أُمُّهُ» مادرش همیشه اشکش جاری بود «وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا» وقتی متولد شد ظاهراً بعد از تولد حضرت سیدالشهداء علیه السلام او را به دست حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دادند، حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله اشکشان جاری شد. گاه می دیدند حضرت زیر گلوی این نوزاد را می بوسد و به او بشدت اظهار محبت می فرمایند. «وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» حملش یعنی مدت حامله بودن، فصالش یعنی شیر خوردنش، سی ماه طول کشید. دو سال مال شیر خوردن و شش ماه در رحم بودن. (حضرت سیدالشهداء علیه السلام شش ماه در رحم مادر بودند) خدای تعالی در قرآن می فرماید انسان را وصیت کردیم که به والدینش احسان کند. «حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً» در اینجا در سن چهل سالگی این انسان چند جمله گفته است. «قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ» خدایا به من توفیق بده که شکر نعمتهایی که به من داده ای بکنم. پدری چون حضرت علی علیه السلام، مادری چون حضرت فاطمه زهرا علیه السلام و جد معظمی که «یدالله»، «لسان الله»، «وجه الله»، «اذن الله» است. «الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ» و نعمتی که به پدر و مادرم عطا کردی. نعمتی که به حضرت سیدالشهداء علیه السلام عطا فرموده را هیچ یک از ائمه علیهم السلام ندارند، فقط همین دو آقای اهل بهشت این گونه بوده اند «وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ» یعنی به من توفیق بده عمل صالح انجام دهم که تو از آن خشنود باشی. در گودی قتلگاه می فرماید: «رضاً برضاه»^(۱) ببینید چه کشته ای را این گونه اذیت کرده اند؟ در حین حال می گوید خدایا به من توفیق بده که شکر نعمتهای تو را بکنم. حضرت زینب علیه السلام در گودی قتلگاه می گوید: خدایا این قلیل قربانی را از آل محمد علیهم السلام بپذیر!^(۲) عمل صالح

۱- ذریعة النجاة صفحه ۱۴۵.

۲- قال الزینب علیه السلام الہی تقبل منا هذا القربان، مقتل الحسین صفحه ۳۹۶.

یعنی عملی که خدا را از خود راضی کند و او هم راضی باشد. انس با خدا داشته باشد. «وَأَصْلَحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي» ذریه مرا برای من صالح کن. خیلی مهم است فرزند انسان صالح باشد. فرزندان سیدالشهداء علیهم السلام، معصومین علیهم السلام صالحند. گاه فرزند برای پدر و مادر خوب ننگ است.

«إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ» توبه از گناه نیست گناه از گناه توبه می‌کنند. اما اصل توبه یعنی حرکت به سوی خدا، انسان استغفار از گناه می‌کند. انسان همیشه باید در حال توبه، یعنی حرکت به سوی خدا باشد. لذا ائمه علیهم السلام زیاد گفته‌اند «تُبْتُ إِلَيْكَ» ما به سوی تو حرکت کرده‌ایم. «وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ» خدایا من از مسلمان‌ها هستم. مسلمان یعنی تسلیم محض در برابر پروردگار بودن. حتی به مؤمنین می‌فرماید: ای مؤمنین همه شما بیائید مسلمان شوید. یک جهت لب و دهان است که شهادتین را می‌گوید. اما مسلمان واقعی آن است که تمام وجودش در اختیار خدا باشد. هر وقت شما بطور جدی توانستید بگوئید: «إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ» بدانید که مسلمان هستید. آن وقت خدای تعالی می‌فرماید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا»^(۱) اینها کسانی هستند که ما آنها را قبول می‌کنیم. نیکوترین اعمالشان را قبول می‌کنیم. «وَنَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ»^(۲) در مقابل ذات مقدس پروردگار کوتاهی‌هایی دارند ولی می‌فرماید ما از آن نواقص صرف نظر می‌کنیم.

۱ - سوره احقاف آیه ۱۶.

۲ - سوره احقاف آیه ۱۶.

سؤال بیست و هشتم:

چگونه می‌توانیم در این زمان حضرت زهرا علیها السلام را الگوی

خود قرار دهیم؟

پاسخ ما:

یک مسلمان باید فرهنگ اسلامی داشته باشد، با توجّه به زندگی ائمه اطهار علیهم السلام و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام فرهنگش را تنظیم نماید. خدای تعالی با اینکه نخواسته از خانم‌ها پیغمبر یا امامی باشد، که این مطلب فلسفه‌ای دارد (به مواردی از آن در کتاب انوار الزهراء اشاره شده) اما در عین حال آن روح پاک، روح القدس و روح الامین را در قالب یکی از خانم‌ها وارد کرده برای اینکه خانم‌ها الگو داشته باشند.

الگویی به نام «فاطمه زهرا علیها السلام» که اگر نگوییم ایشان از سایر ائمه اطهار علیهم السلام بالاتر بوده‌اند، یقیناً کمتر هم نبوده‌اند. از بعضی روایات استفاده می‌شود که خدای تعالی توجهات بیشتری به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام داشته به طوری که گاهی حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام تعجب می‌کردند.

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در تمام قلوب تصویری دارد. تصویر زندگی او در قلب‌های همه کسانی که به خدا و اسلام ایمان آورده‌اند و شیعه خالص باشند و گناه نکنند، هست. وقتی به قلب‌شان مراجعه کنند صورت و سیرت حضرت زهرا علیها السلام را

می بینند.

چطور می توان سیرت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را دید؟ به عنوان مثال، فرض کنید حضرت زهرا علیها السلام در یک جمعی نشسته باشند، آیا ایشان هم مثل بقیه مردم که وقتی در یک جمعی هستند، همه حرف می زنند آیا او هم حرف می زند؟ یقیناً جواب منفی است. آن خانم یا ساکت نشسته اند یا وقتی همه ساکتند حرف می زنند. و این یک تصویری است از سیرت حضرت زهرا علیها السلام.

ترسیمی که در ذهن هر مؤمنی از حضرت زهرا علیها السلام است، از یک خانمی که در سن ۱۸ سالگی است نستجیر بالله آیا این گونه هست که در یک مجلس عروسی برقصد؟ یا هر گونه لباسی را بپوشد؟ یا جوراب نازک بپوشد؟ یا در مقابل مردها صورتش باز باشد؟ یقیناً اینها در ذهن هیچ مؤمنی نیست. آن تصویری که خدای تعالی از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در ذهن مؤمنین قرار داده اقلش به این گونه است که خانم مجلله ای است که به هیچ وجه مرد حق ندارد در حدودی که ایشان هستند وارد شود، خیلی با متانت صحبت می کند، حرفهای لغو نمی زند، غیبت و دروغ که به طریق اولی نمی گوید، با شوهرش دعوا نمی کند، یک کلمه که حرف می زند بسیار پر قیمت است و محبت دنیا یک سر سوزن در دلش نیست.

مثلاً اگر وارد مجلسی می شود ببیند اگر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام آنجا بودند آن کار را می کرد یا نه؟ وقتی یک زن با همسرش برخورد می کند، ببیند حضرت فاطمه زهرا علیها السلام اگر این برخورد را داشتند چطور حرف می زدند؟ چطور سخن می گفتند؟ او هم همان کار را بکند.

اگر شخصی مؤمن واقعی شده باشد و ایمانش قوی باشد، در هر موقعیتی که باشد، در هر کاری که باشد، فوراً مانند نوار تصویر و ویدئو، یک فیلمی از جلوی چشمش

عبور می‌کند، در همان کار مورد نظر که شخص می‌خواهد انجام دهد، از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام الگو می‌گیرد. و اگر کسی بخواهد در صراط مستقیم باشد باید عین ایشان عمل کند. فطرت هر انسانی به او می‌گوید که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام چگونه عمل می‌کردند. البتّه اوّل باید ایمان را در قلبش کامل کند، وقتی ایمان داشت، قلبش می‌شود مانند یک دستگاه نشان دهنده فیلم، تصویر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در قلبش می‌آید.

هر خانمی باید سرمشق زندگیش را حضرت فاطمه زهرا علیها السلام قرار دهد. هر وقت نفسش کاری را خواست بکند، ببیند اگر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بودند آن کار را می‌کردند، اگر وجدانش گفت که حضرت زهرا علیها السلام آن کار را می‌کردند، او هم انجام دهد، اگر گفت نمی‌کردند او هم انجام ندهد و ترک کند.

البتّه لازم به تذکر است که در خصوص امور مادیّ زندگی ما یا نمی‌توانیم آن گونه که حضرت زهرا علیها السلام زندگی می‌کردند باشیم و یا اگر آن گونه شویم، مورد سرزنش همه مردم واقع می‌شویم. لذا اسلام در زندگی مادیّ، الگو را شئونات هر شخص قرار داده، شئونات فامیلی، شئونات زمان و غیره.

در این خصوص هم خدای تعالی در قلب هر کس نوری روشن کرده که شئونات خودش را می‌فهمد.

کسی که سیّد است و می‌خواهد خمس بگیرد، استحقاق او را می‌سنجند. می‌گویند یک سیّد هست که شئوناتش این است که ماشین سواری داشته باشد، منزل مرتّبی داشته باشد، باید به اندازه خمس به او داد تا همه آن وسایل را فراهم کند. امّا یک سیّدی هست که نه پدرش ماشین سواری داشته، نه مادرش، نه اقوامش و در یک خانواده فقیری است، اینجا دیگر نمی‌شود از خمس به او داد تا ماشین سواری بخرد.



شئونات این است که هر کسی ببیند در چه وضعی از محیط زندگی فامیلی قرار دارد. البته با چند شرط یکی اینکه در وسائل و تزئینات حرام از جمله آلات موسیقی یا مجسمه‌ها که اکثر مراجع آن را حرام و بعضی کراهت شدید قائل شده‌اند نداشته باشد.

دوم: نباید گفت چون همه فامیل دارند ما هم داشته باشیم. به طور کل انسان باید شئونات فامیلی‌اش را به غیر حرام و اسراف رعایت کند.

حضرت زهرا علیها السلام و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام الگو برای همه می‌باشند. به علاوه زمان آنها با زمان ما فرق می‌کند. حتی حضرت زهرا علیها السلام زندگی را طوری ترتیب می‌دادند که با زندگی سایر مردم از مسلمان‌ها که در کنار ایشان بودند، تطبیق کند.

امیرالمؤمنین علیه السلام خانه داشتند. اما اکثر مهاجرین که از مکه به مدینه مهاجرت کرده بودند، در صفه‌ها و غرفه‌های مسجد زندگی می‌کردند. علت اینکه حضرت زهرا علیها السلام آن گونه زندگی می‌کردند، برای اینکه شئونات اطراف‌شان و محیطی که زندگی می‌کردند این طور بود. به عنوان مثال اگر کسی یک خانه هفتاد میلیونی (در سال ۱۳۷۵) در تهران داشته، آن را بفروشد و بخواهد در یک شهر دور افتاده محروم یک خانه هفتاد میلیونی بخرد و آنجا زندگی کند، در تهران اشکال نداشت، اما در آن شهر کوچک اشکال دارد.

سؤال بیست و نهم:

آیا احترام سادات بر خود سادات نیز واجب است؟

پاسخ ما:

بله، احترام سادات یک تکلیف است. چون حضرت پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»^(۱).

سؤال سی ام:

درباره کلام حضرت زهرا علیها السلام که بهترین چیز برای زن این است که او هیچ مردی را نبیند و هیچ مردی هم او را نبیند توضیح دهید. (۱)

پاسخ ما:

این کلام از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نقل شده است. منظور حضرت به نیت جنبه های جنسی استنباط می شود. مثلاً او مردی را به عنوان شهوت جنسی نبیند، طوری حرکت کند که مردی به این عنوان او را نگاه نکند. چون خود حضرت عملاً این گونه بودند. وقتی به مسجد می آمدند اگر سر راه مردها بودند، حضرت زهرا علیها السلام مردها را نگاه نمی کردند ولی مردها ایشان را می دیدند. منظور این است که جوانها با دقت و شهوت نگاه نکنند، شاید برای ازدواج اشکال نداشته باشد، ولی از جنبه شهبوانی اشکال دارد.

۱ - وَ رَوِيَ عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ كُنَّا جُلُوساً عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَقَالَ أَخْبِرُونِي أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ فَعَيَّنَا بِذَلِكَ كُلُّنَا حَتَّى تَفَرَّقْنَا فَرَجَعْتُ إِلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَأَخْبَرْتُهَا الَّذِي قَالَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ لَيْسَ أَحَدٌ مِّنَّا عَلِمَهُ وَ لَا عَرَفَهُ فَقَالَتْ وَ لَكِنِّي أَعْرِفُهُ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرِّجَالُ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالُ فَرَجَعْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ سَأَلْتَنِي أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ وَ خَيْرٌ لَهُنَّ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرِّجَالُ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالُ قَالَ مَنْ أَخْبَرَكَ فَلَمْ تَعْلَمْهُ وَ أَنْتَ عِنْدِي قُلْتُ فَاطِمَةُ فَأَعْجَبَ ذَلِكَ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ قَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي (بحار الانوار جلد ۴۳ صفحه ۵۴).

سؤال سی و یکم:

در کتاب انوارالزهراء علیه السلام فرموده‌اید هر کس به سادات ظلم کند مورد غضب خداوند واقع می‌گردد، اگر ظلم کننده خودش هم سادات باشد چطور می‌شود؟

پاسخ ما:

البته ظلم‌ها با هم فرق می‌کند، گاهی ظلم مختصر است، گاهی ظلمی است مثل ظلمی که یزید (لعنة الله عليه) به حضرت امام حسین علیه السلام کرد و یا ظلم کشتن سادات در زمان گذشته. اگر ظلم مختصر باشد مثلاً یک ناراحتی پیش آمده باشد خداوند می‌بخشد. اگر ظلم کننده خودش سید باشد، نظیر چنین جریانی اتفاق افتاد که سیدی به سید دیگر ظلم کرد که منجر به فوتش شد، بعد از فوتش حضرت زهرا علیه السلام این دو را با هم آشتی دادند، مثل مادری که دو تا از فرزندانش با هم دعوا کردند آنها را آشتی داد.

سؤال سی و دوم:

چرا وفات حضرت زهرا علیها السلام معین نیست؟

پاسخ ما:

وفات حضرت زهرا علیها السلام را هم ۴۵ روز، هم ۷۵ روز، هم ۹۵ روز بعد از وفات حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نوشته‌اند. که به ترتیب اعتبار آن قوی‌تر می‌شود. یک وقت به یک سنی گفتم شخصیت‌های دنیا این طورند که وقت تولدشان شخصیت نداشتند (و زمان تولدشان مشخص نیست، اما در هنگام وفات بخاطر شخصیت مشهورشان تاریخ وفات مشخص است) اما حضرت فاطمه علیها السلام بر عکس است. تولدش مشخص اما وفاتش معلوم نیست. تا اینکه او را رساندم به آنچه معتقدیم که اصحاب حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله آنهایی که ادعای همراهی داشتند عمل به دستورات نکردند، حتی تشییع جنازه نکردند و حتی توجّه نکردند که از دنیا رفته، قبر و زمان وفاتش مجهول است. شب قدر را خدای تعالی در سه شب قرار داد و ائمه علیهم السلام اصرار دارند که معلوم نباشد. وفات حضرت فاطمه زهرا علیها السلام هم معلوم نیست برای اینکه دو ماه عزاداری باشد. هر قطره اشکی از چشم شما بر مظلومیت حضرت فاطمه علیها السلام ریخته شود روحیاتان و کمالاتان را بالا می‌برد، به مقام عالی‌ای می‌رسید. پس حال که این فیض سرازیر است چرا یک روز؟ چهل روز یا ۹۵ روز که باز به تولدش ختم می‌شود.

سؤال سی و سوم:

چرا حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در مدت ۹۵ یا ۷۵ روز آن

همه گریستند؟

پاسخ ما:

روایاتی که می‌گوید گریه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام مردم مدینه را اذیت می‌کرد به طوری که گفتند یا شب و یا روز گریه کن. حضرت که با بلندگو گریه نمی‌کردند، شاید تا خانه همسایه صدا می‌رفته، اما در شهر آن طور صدایشان پیچد؟ آن هم صدای زن عقیقه‌ای مثل حضرت فاطمه زهرا علیها السلام؟ این روایات از لحن کلامشان معلوم است، از جانب امام علیه السلام نیست. بلکه دشمنان درستش کرده‌اند و الا هر چه انسان شدید گریه کند، از یکی دو اتاق یا یک خانه صدایش بیشتر بیرون نمی‌رود. آیا حضرت فاطمه زهرا علیها السلام برای مردن این همه گریه کرد و متأثر بودند؟ نه، او که وقتی خبر وفاتش را دادند خوشحال شدند. پس برای چه بود؟ برای این است که می‌بیند این نهر کوثر، این علم و دانش، این منبع حکمت جاری شده و مردم از آن استفاده نمی‌کنند یا نمی‌گذارند دیگران از آن استفاده کنند.

یک آب زلال باشد، مردم از تشنگی دارند هلاک می‌شوند. اما یک نفر بیاید و از



خوردن این آب جلوگیری کند. ببینید چقدر بد است. لذا وقتی حضرت علی علیه السلام را به طرف مسجد بردند حضرت زهرا علیها السلام دائم از ایشان دفاع می‌کنند. نمی‌گویند پهلویم درد می‌کند و کاری نداشته باشم، نمی‌گویند محسنم سقط شده و از من تکلیف برداشته شده، نمی‌فرماید طاقت ندارم که دنبال حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام بروم، نه، تمام قدرتش را اعمال کرده و حرکت می‌کند.

سؤال سی و چهارم:

اگر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و فرزندان او نبودند چه

می شد؟

پاسخ ما:

در این صورت بنی امیه اثری از آثار اسلام باقی نمی گذاشتند. اینکه خدای تعالی در سوره مبارکه کوثر با آن همه منت و اظهار لطف به حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب می فرماید: ما به تو کوثر عنایت کردیم و دشمن تو ابر است بهترین گواه بر این ادعا است.

بنی امیه از اینکه حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرزند پسری نداشت خوشحال بودند. آنها فکر می کردند چند روزی که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله هستند می توانند عده ای را گرد یکدیگر جمع کند و یک حکومتی را سر و سامان دهند و بعد چون که کسی نیست برنامه را ادامه دهد، پس حتماً زحماتش را او می کشد و استفاده اش را ما می کنیم.

این مسئله جداً برایشان مطرح بود و تا حدی هم اقدام کردند. حتی حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از نظر ظاهر نگران همین مطلب بودند وقتی خواب دیدند بر منبرشان بوزینه ها بالا می روند خودشان تعبیرش را می دانستند، منظور از این

بوزینه‌ها که بر منبر او جای گرفته‌اند بنی‌امیه هستند. لذا خیلی مکدر بودند که این آیه شریفه نازل شد: «وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ...»^(۱) معنایش این است این چند ماه همان هزار ماهی است که در سوره قدر به آن اشاره شده حکومت بنی‌امیه است که مردم باید امتحان بدهند.^(۲)

بنابراین بنی‌امیه برای امتحان مردم هزار ماه حکومت خواهند کرد. اگر این موضوع تو را ناراحت می‌کند، ما به تو کوثر یعنی خیر کثیر داده‌ایم.

همان طوری که بر حوض از یک طرف آب وارد و از طرف دیگر برای مزارع و درخت‌ها و کشتزارها خارج می‌شود. حضرت فاطمه زهرا علیها السلام هم که حوض کوثر است از طرف پروردگار علوم و حکمت الهی و ولایت بر قلبش وارد می‌شود و از طرف دیگر وارد قلوب فرزندانش که اول حضرت امام حسن علیه السلام و حضرت امام حسین علیه السلام بعد فرزندان حضرت حسین بن علی علیه السلام و در آخر حضرت بقیة الله عجل الله فرجه است شده که از این وجود مقدس تمام مزارع قلوب احیا می‌شود.

۱ - سوره اسراء آیه ۶۰.

۲ - قَالَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي قَوْلِهِ (وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ)، قَالَ نَزَلَتْ لَمَّا رَأَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي نَوْمِهِ كَأَنَّهُ قُرُودًا تَصْعَدُ مِنْبَرُهُ فَسَاءَهُ ذَلِكَ وَغَمَّهُ غَمًّا شَدِيدًا فَأَنْزَلَ اللَّهُ (وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ لَهُمْ لِيَعْمَهُوا فِيهَا) وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ كَذَلِكَ نَزَلَتْ، وَهُمْ بَنُو أُمَيَّةَ. (بحار الانوار جلد ۳۱ صفحه ۵۱۴) تفسیر العیاشی، عَنْ یُونُسَ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَشْلِيِّ، قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ (وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ...) الْآيَاتِ، فَقَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَامَ فَرَأَى أَنَّ بَنِي أُمَيَّةَ يَصْعَدُونَ الْمَنَابِرَ، فَكُلَّمَا صَعِدَ مِنْهُمْ رَجُلٌ رَأَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الذَّلَّةَ وَالْمَسْكَنَةَ، فَاسْتَيْقَظَ جُرُوعًا مِنْ ذَلِكَ، وَكَانَ الَّذِينَ رَأَاهُمْ اثْنَيْ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ بَنِي أُمَيَّةَ، فَأَتَاهُ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِهَذِهِ الْآيَةِ، ثُمَّ قَالَ جَبْرِئِيلُ إِنَّ بَنِي أُمَيَّةَ لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا إِلَّا مَلَكَ أَهْلَ الْبَيْتِ ضِعْفَيْنِ. (بحار الانوار جلد ۳۱ صفحه ۵۲۷).

خدا رحمت کند استادمان می فرمود: دو تا حوض کوثر داریم یکی ظاهری که در بهشت است. به وسیله نهر کوثر این آب وارد آن حوض می شود که هر کس یک قطره از آن را بیاشامد الی الابد سیراب است، همیشه زنده است و سرشار از نشاط می گردد. آب و حوض کوثر آب حیات واقعی است. «و اسقنا من حوض جدّه صلی الله علیه و آله بکاسه و بیده ریّا، رویّاً هنیئاً سائغاً بعده یا ارحم الراحمین»^(۱) همین طور یک حوض کوثر معنوی داریم که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است از طرف خدای تعالی به وسیله ملائکه، او که محدّثه است بر قلبش علوم اوّلین و آخرین نازل می شود و در میان مردم بلکه در ما سوی الله پخش می شود.^(۲)

۱- دعای ندبه.

۲- (علل الشرائع) بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ مُحَدَّثَةً لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانَتْ تَهْبِطُ مِنَ السَّمَاءِ فْتُنَادِيهَا كَمَا تُنَادِي مَرْيَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ فْتَقُولُ يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ يَا فَاطِمَةُ افْتَبِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ فْتُحَدِّثُهُمْ وَيُحَدِّثُونَهَا فَقَالَتْ لَهُمْ ذَاتَ لَيْلَةٍ أَلَيْسَتْ الْمُفَضَّلَةُ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ فَقَالُوا إِنَّ مَرْيَمَ كَانَتْ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِهَا وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَكَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِكِ وَ عَالِمِهَا وَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ (بحار الانوار جلد ۱۴ صفحه ۲۰۶).



سؤال سی و پنجم:

چرا به ظالمین به حق حضرت فاطمه زهرا علیها السلام «اشقی

الاشقیاء یا اشقی الاولین» می‌گویند؟

پاسخ ما:

به خاطر این است که اینها در حقیقت به خدا ظلم کرده‌اند. همان طوری که در روایتی از سنی و شیعه نقل شده حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «فاطمة بضعة منی من اذاها فقد اذانی...»^(۱) کسی که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را اذیت کند مرا اذیت کرده و کسی که مرا اذیت کند خدا را اذیت کرده است. کسی که حق حضرت فاطمه علیها السلام را ضایع کند، حق حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله را ضایع کرده و کسی که حق پیامبر را ضایع کند، حق خدا را ضایع کرده است. ظالمین به حق حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به همین دلیل «اشقی الاشقیاء» و ظالم‌ترین افراد هستند.

یکی از وظایف انسان در دنیا این است که هر کس حقی دارد، حق او را ادا کند. در مرحله اول انسان باید اقرار به حق دیگران داشته باشد، اگر حقوق دیگران را پایمال کرد

۱- النَّبِيُّ ﷺ يَقُولُ فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْهَا مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ وَمَنْ آذَاهَا بَعْدَ مَوْتِي فَكَانَ كَمَنْ آذَاهَا فِي حَيَاتِي (بحار الانوار جلد ۴۳ صفحه ۲۰۳).

این شخص از ظالم‌ترین افراد است و اگر حق خدا را انسان ضایع کند و به خدای تعالی شرک بورزد از همه افراد کره زمین این شخص ظالم‌تر است. «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا»^(۱) و «إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ»^(۲)، ظالم‌ترین افراد کسانی هستند که به خدا افترا می‌زنند. از هر فردی در عالم ظالم‌تر آن کسی است که حق خدا را منظور نکند. یک نفر مثل فرعون می‌گوید «أَنَا رَبُّكُمْ أَلاَ عَلَيَّ»^(۳) به هیچ وجه خدا را منظور نمی‌کند. یکی هم آن قدرت را ندارد مردم، هوای نفس و شیطان را در مقابل خدا قرار می‌دهند و حقوق الهی را پایمال می‌کنند.

البته فرقی بین این افراد نیست. همه آنها ظالم‌ترین افراد هستند ولی ظالمین به حق ائمه اطهار علیهم‌السلام از نظر کیفیت ظلم، اول ظالم هستند.

لذا کوشش کنید در دنیا حقی را نادیده نگیرید. چون همه اینها در یک ردیف واقع می‌شوند. هر کس بر گردن انسان حقی دارد آن حق را ضایع نکند. حق خدا، مردم و دیگران را ادا کند. چون اگر انسان حقوق دیگران را در نظر نگرفت، این انسان نیست. حیوانات هم این طورند، حق یکدیگر را رعایت نمی‌کنند. گاه انسان از حیوانات هم پست‌تر می‌شود. «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ»^(۴). در روایت هست «قُلْ لِلَّهِ الْحَقُّ وَ لَوْ كَانَ عَلَيْكَ»^(۵) حق را بگو ولو اینکه به ضرر تو باشد.

اگر کسی حقی را متوجه شد اما به آن حق اقرار نکرد و در برابر آن تسلیم نشد، خدا

۱ - سوره انعام آیه ۲۱.

۲ - سوره لقمان آیه ۲۳.

۳ - سوره نازعات آیه ۲۴.

۴ - سوره اعراف آیه ۱۷۹.

۵ - عَلَيَّ إِنَّهُ وَجَدَ فِي قَائِمَةٍ سَيْفٍ مِنْ سُيُوفِهِ صَحِيفَةً فِيهَا ثَلَاثَةُ أَحْوَفٍ صِلُ مَنْ قَطَعَكَ وَ قُلِ الْحَقُّ وَ لَوْ عَلَى نَفْسِكَ وَ أَحْسِنِ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكَ (من لا يحضره الفقيه جلد ۴ صفحه ۱۷۷).

او را از رحمت خود دور می‌کند. چنین کسی بدبخت است.

اینکه ما سالم هستیم، روزی فراوان داریم، برای این است که مشمول رحمت پروردگار هستیم اگر انسان حق الهی را منظور نکند، خیلی از رحمت خدا دور می‌شود. اگر حق زیر دستان را نشناسد و ضایع کند به مراتب کمتر از رحمت خدا دور می‌شود. به هر حال در هر دو مورد از رحمت خدا دور می‌شود. چنین کسی در دنیا و آخرت بدبخت می‌شود و به جهنم می‌رود.

البته بدبختی در دنیا فقر و گرسنگی و مرض نیست. بدبختی این است که انسان از معنویات هیچ خبر ندارد. مثل حیوانات صبح سر کار می‌رود تا شب نانی به دست آورد و تولید مثل کند. پنجاه سال قبل هم همین طور بوده الان هم این طور است. کسی که دو روزش با هم مساوی باشد ضرر کرده است. منظور دو شبانه روز نیست یعنی زمان قبل با حال باید فرق داشته باشد اگر پست‌تر شد ملعون است و از رحمت خدا دور است.^(۱) یعنی خدای تعالی به او دیگر ترحم نکرده است، اگر مساوی باشد مغبون است. فقط باید روز بعد از روز قبل بهتر باشد.

۱ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ مَنْ اسْتَوَى يَوْمَاهُ فَهُوَ مَغْبُونٌ وَمَنْ كَانَ آخِرُ يَوْمَيْهِ خَيْرَهُمَا فَهُوَ مَغْبُوطٌ وَمَنْ كَانَ آخِرُ يَوْمَيْهِ شَرَّهُمَا فَهُوَ مَلْعُونٌ وَمَنْ لَمْ يَرَ الزِّيَادَةَ فِي نَفْسِهِ فَهُوَ إِلَى النُّقْصَانِ وَمَنْ كَانَ إِلَى النُّقْصَانِ فَلَمْ يَمُتْ خَيْرٌ لَهُ مِنَ الْحَيَاةِ (وسائل الشيعة جلد ۱۶ صفحه ۹۴).

سؤال سی و ششم:

شما در کتاب انوارالزهراء علیها السلام علت دادن فرزند به پدر را در وقت جدایی والدین نفقه دادن مطرح کردید، آیا مادر از نظر تربیت نقش بیشتری ندارد؟ و آیا اگر مادری بتواند خرج فرزند را بدهد، می‌تواند عهده‌دار شود؟

پاسخ ما:

یک قانون کلی در مسائل اجتماعی هست که گفتند در وقت جدا شدن والدین فرزند را به پدر دهند. این به دلایل عقلی و فکری باید این طور باشد. وقتی نفقه بچه به عهده پدر است مادر غالباً یا بعد از جدایی ازدواج می‌کند یا به خانواده خویش باز می‌گردد. که در هر دو صورت دلیلی ندارد همسر جدید یا خانواده خانم عهده‌دار خرج این فرزند شوند. بچه تحت نفقه پدر بوده، الان هم هست و باید در اختیار پدر باشد، حال یا ازدواج می‌کند یا خیر، بالاخره نفقه را می‌دهد. یک موارد استثنایی در این سؤال مورد اعتراض هست که مثلاً اگر مادر تصمیم بگیرد تا آخر عمر ازدواج نکند و دوم اینکه وضع مالیش خوب باشد، می‌تواند نفقه فرزند بدهد، اینجا استثناء است. این موارد را اسلام واگذار کرده به حکم حاکم شرع و قاضی. اگر قاضی شرع تشخیص داد که مادر می‌تواند فرزند را اداره کند، به او بدهد و از نظر شرع هم اشکال ندارد حکم قابل اجرا است.



سؤال سی و هفتم:

آیا در غیر خانه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام جای دیگری هم
آیه تطهیر نازل شده؟

پاسخ ما:

این آیه در چند جا نازل شد که همه جا حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بوده. یکی هم
وقتی نصاری نجران آمدند با حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله بحث کردند ولی عناد می کردند.
به جایی رسید که اینها محکوم بودند اما می گفتند قبول نداریم «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ
بَعْدِ مَا جَاءَكَ... نِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمُ»^(۱) یعنی شما هم آن زنی که در ردیف فکری شماست
بیاورید، ما هم می آوریم. زنی که می تواند همگام در درگاه خدا قرار بگیرد، حضرت
فاطمه زهرا علیها السلام بودند. «أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمُ» فرزندانمان را می آوریم، حضرت امام
حسن علیه السلام و حضرت امام حسین علیه السلام را می آورند. چون کس دیگری لیاقت همگامی
با حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله را ندارد که در آن مقام بایستد، جز این دو مقدس. «أَنْفُسَنَا
وَأَنْفُسَكُمُ» کسی که به منزله جانمان است، همه نوشته اند حضرت علی علیه السلام بوده.
چون کس دیگر لیاقت نداشت در راه مبارزه با غیر مسلمانان با این چهار معصوم علیهم السلام

۱ - سوره آل عمران آیه ۶۱.

همراه شود. اینجا بود که آیه تطهیر نازل شد «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ...»^(۱) خدا اراده کرده از جمع شما و هر کس با شما هم فکر باشد، هماهنگ شود، راه شما را انتخاب کند، در این صراط قرار بگیرد، پشت سر شما است، دست به دامن شما باشد، «يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ» اراده کرده اگر رجس هست آن را از بین ببرد و اگر نیست دفع کند، (نگذارد بیاید).

سؤال سی و هشتم:

آیا می توان گفت حضرت زینب علیها السلام تالی تلو معصوم است؟

پاسخ ما:

در میان زن ها بعد از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام زنی به عظمت، جلالت، قدرت روحی و اراده تکوینی و تشریحی به پایۀ حضرت زینب علیها السلام نرسید. از کارهای او استفاده می شود که اراده تکوینی داشته است. یعنی اگر به کائنات امر می کرد نباشند، نبودند. در بازار کوفه می خواست خطبه بخواند سر و صدا و زنگ شترها صدای فریاد طوری که صدا به پهلویی نمی رسد. حضرت با یک اشاره گفت: «اسکتوا...»^(۱) امام علیه السلام می فرماید: زنگ شترها از صدا افتاد. این اراده، اراده تکوینی است. همه صداها خفه می شود، بلندگو که نبوده حضرت زینب علیها السلام می خواست

۱- إِنَّ أُمَّ كُلُّثُومٍ أَطْلَعَتْ رَأْسَهَا مِنَ الْمَخِيلِ وَ قَالَتْ لَهُمْ صَ يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ تَقْتُلُنَا رِجَالَكُمْ وَ تَبْكِينَا نِسَاءَكُمْ فَالْحَاكِمُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ يَوْمَ فَضِّلِ الْقَضَاءِ فَبَيْنَمَا هِيَ تُخَاطِبُهُنَّ إِذَا بِضَجَّةٍ قَدِ ارْتَفَعَتْ فَإِذَا هُمْ أَتَوْا بِالرُّءُوسِ يَقْدُمُهُمْ رَأْسُ الْحُسَيْنِ عليه السلام (بحار الانوار جلد ۴۵ صفحه ۱۱۴).

همه مردم بشنوند. در این خطبه حقایقی را می‌گوید و همه شنیدند. معرفت حضرت زینب علیها السلام را نسبت به خدا ببینید، ما نمی‌توانیم درک کنیم. حضرت زینب مقام معرفت بالایی نسبت به پروردگار داشت. امام، مخلوق خدا ولی در تمام صفات مَثَل اعلای خداست. حضرت سیدالشهداء علیه السلام مَثَل اعلای خدا بودند، فرقی با خدا فقط در این بود که او بنده خدا و مخلوق بود و الّا در صفات نمونه و مَثَل اعلای خداست. این امام را در گودی قتلگاه دست زیر بدن آن حضرت می‌برد و می‌گوید: خدایا این قلیل قربانی را این قربانی کوچک را قبول کن! یعنی «در مقابل خدا» اگر دوازده امام هم قربانی شوند باز کوچک‌تر و خدا آن قدر بزرگ‌تر است که ما نمی‌توانیم درک کنیم. آنقدر این خانم با معرفت و با عظمت است که در روز یازده محرم می‌خواهند ما را متوجه کنند اینها برای رشد معرفت ماست. در صبح روز یازدهم محرم حضرت امام سجاد علیه السلام نگاه به بدن حضرت امام حسین علیه السلام می‌کند، حالش منقلب شده و در صورت ظاهر نزدیک است جانش را از دست بدهد. حضرت زینب علیها السلام نگاه می‌کند می‌گوید تو حجت خدایی، حضرت می‌گوید: این هم بدن حجت خداست که اینجا افتاده است. حضرت زینب علیها السلام امام را نگاه می‌دارد. گاهی بعضی برنامه‌ها را انجام می‌دهند تا مقام مقدس حضرت امام حسین علیه السلام را که مردم نمی‌شناسند، شناخته شود. ابن زیاد می‌گوید: «هل رأیت صنع الله علیک» می‌فرماید: «ما رأیت من الله الا جمیلاً» یعنی دیدی خدای تو چه کرد؟ می‌فرماید من از خدا جز خوبی ندیده‌ام.^(۱)

زینب تالی تلو معصوم است. یعنی اگر قرار بود پانزده معصوم داشته باشیم،

۱ - فَقَالَ ابْنُ زَيْدٍ كَيْفَ رَأَيْتَ صُنْعَ اللَّهِ بِأَخِيكَ وَ أَهْلِ بَيْتِكَ فَقَالَتْ مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلاً (بحار الانوار جلد ۴۵ صفحه ۱۱۵).

یکی اش حضرت زینب علیها السلام می بود مقدم بر همه حتی بر حضرت ابوالفضل علیه السلام و حضرت علی اکبر علیه السلام است. عجیب است استقامتی که حضرت زینب علیها السلام دارد، شما ببینید شب یازده محرم هشتاد نفر زن و بچه را در بیابان، در مقابل سی هزار دشمن، دشمنی که به هیچ چیز رحم نمی کند، با کمال صلابت و عظمت نگه می دارد. کنار گودی قتلگاه می رود با حضرت امام حسین علیه السلام حرف می زند. نماز شبش را هم می خواند. که حضرت امام سجاد علیه السلام می فرماید: من دیدم آن شب نشسته نماز شب خواند.

سؤال سی و نهم:

معنای سیادت چیست و از چه کسی شروع می شود؟

پاسخ ما:

سیدی یعنی آقای. هم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آقا بوده هم حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله. فرزندان ایشان را بخاطر آنها احترام می کنند و به آنها سیّد می گویند. علّت اینکه به فرزندان حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله سیّد گفتند، این شد که هاشم بن عبدمناف جد حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله ^(۱) مرد بسیار سخی بوده و در مکه به او به خاطر بذل و بخشش هایی که داشته آقا می گفتند؛ تا رسید به حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام این آقازاده ها را سید گفتند. هر دوی اینها آقای دنیا و آخرت را دارند. این آقای حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله به فرزندان سرایت کرده. خمس را بنی هاشم، بنی العباس و هم بنی عقیل می گیرند و زکات بر آنها حرام است. بنی فاطمه هم خمس می گیرند.

۱ - حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرزند عبدالله و عبدالله پسر عبدالطلب و او هم پسر هاشم بوده است.



سؤال چهارم:

چگونه باید حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را احترام کرد؟

پاسخ ما:

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را باید آن گونه احترام کرد که حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله احترام می کردند.

حتی روز قیامت برای حضرت فاطمه علیها السلام خداوند احترامی قائل است که برای حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله نیست. هفتاد هزار ملائکه از جلو، هفتاد هزار ملائکه از پشت سر، هفتاد هزار ملائکه از سمت راست و هفتاد هزار ملائکه از سمت چپ، با یک تجلیلی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را وارد محشر می کنند. خطاب می شود به اهل محشر که چشم هایشان را بپوشانند. حتی در روایتی دارد که سادات هم باید چشم هایشان را بپوشانند زیرا ایشان یک عظمتی دارند که اهل بهشت و اولیاء خدا هم نمی توانند آن عظمت را ببینند. حضرت می فرمایند: خدایا در دنیا که قدر من شناخته نشد، اینجا هم که کسی قدر مرا ندید. خدای تعالی خطاب می کند فاطمه برگرد به محشر، محبین تو، محبین فرزندان تو و محبین شیعیان خود همه را شفاعت کن، می فرماید مثل مرغی که دانه خوب را از دانه های بد جدا می کند این افراد را

جمع می کند و داخل بهشت می برند.^(۱)

شیعیان هم می گویند: خدایا ما را در دنیا کسی نشناخت، حالا هم داریم همین طور وارد بهشت می شویم. به آنها هم خطاب می شود برگردید به محشر و هر که را دوست دارید شفاعت کنید.

خبیث ترین ملعون در این امتحان همان کسی بود که به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و شوهر او بی احترامی کرد، به فرزندانش بی احترامی کرد و تا همین امروز این بی احترامی ادامه دارد که می گوید کسی که مادرش سید است، سید نیست.

۱ - ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ يَجْمَعُ الْخَلَائِقَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ فَتَسْتَوِي بِهِمُ الْأَقْدَامُ ثُمَّ يُنَادِي مُنَادٍ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ يَسْمَعُ الْخَلَائِقُ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ عليها السلام وَمَنْ مَعَهَا فَلَا يَنْظُرُ إِلَيْكَ يَوْمَئِذٍ إِلَّا إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُ الرَّحْمَنِ وَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَيَطْلُبُ آدَمُ حَوَاءَ فَيَرَاهَا مَعَ أُمِّكَ خَدِيجَةَ أَمَامَكَ ثُمَّ يَنْصَبُ لَكَ مِنْبَرٌ مِنَ النُّورِ فِيهِ سَبْعُ مَرَاقٍ بَيْنَ الْمَوْقَاةِ إِلَى الْمَوْقَاةِ صُفُوفُ الْمَلَائِكَةِ بِأَيْدِيهِمُ الْوَيْةُ النُّورُ وَ يَصْطَفُّ الْحُورُ الْعِينُ عَنْ يَمِينِ الْمُنْبَرِ وَ عَنْ يَسَارِهِ وَ أَقْرَبُ النِّسَاءِ مِنْكَ عَنْ يَسَارِكَ حَوَاءُ وَ أَسِيفَةٌ فَإِذَا صِرْتَ فِي أَعْلَى الْمُنْبَرِ أَتَاكَ جِبْرِئِيلُ فَيَقُولُ لَكَ يَا فَاطِمَةُ سَلِي حَاجَتَكَ فَتَقُولِينَ يَا رَبِّ... (بحار الانوار جلد ۸ صفحه ۵۳).

سؤال چهل و یکم:

آیا هر که فرزند حضرت پیامبر ﷺ بود حتی اگر بی تقوی باشد ارزشمندتر از شخص غیر سید پاک و با تقوی است. لطفاً توضیح فرمائید؟

پاسخ ما:

ارزش هر انسان به میزان اخلاص اوست. اگر انسان خالص باشد، سید هم نباشد جزء اهل بیت هست. ولی اگر سید باشد و خالص نباشد ارزش ندارد. حضرت صادق علیه السلام فرمودند: «وَلَا يَتِي بَعْلِيًّا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ وَلَادَتِي»^(۱) ولایت و پیروی و بندگی حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام برای من محبوبتر از ولادتم می باشد.

اگر انسان پاک شد و با اراده الهی بر اینکه همه پاک شوند، یکی شد. یعنی با اراده قلبی خودش پاک شد، این جزء اهل بیت علیهم السلام است. خدا می خواهد شما خوب باشید شما هم می خواهید. هر وقت عملتان با خدا یکی شد جزء اهل بیت علیهم السلام هستید. سلمان یک فرد فارسی زبان اهل شیراز بوده رفته خدمت حضرت

۱ - قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَلَا يَتِي بَعْلِيًّا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ وَلَادَتِي مِنْهُ لَأَنَّ وَلَايَتِي لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَوْضٌ وَوَلَادَتِي مِنْهُ فَضْلٌ (بحار الانوار جلد ۳۹ صفحه ۲۹۹).

پیامبر اکرم ﷺ اراده‌اش را با اراده حضرت پیامبر ﷺ (که اراده حضرت پیامبر ﷺ با خدا یکی است) یکی کرده، اعمالش را با اعمال حضرت پیامبر ﷺ که اعمال حضرت پیامبر ﷺ با خدا یکی بود، یکی کرده بعد شده «السلمان منا اهل البيت»^(۱) اما فرزند نوح عمل و اراده‌اش با نوح یکی نبود، خدای تعالی فرمود: «إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ»^(۲) زن حضرت لوط و زن حضرت جواد علیهما السلام و همسر حضرت امام مجتبی علیهما السلام چون خوب نبودند، از اهل بیت حضرت پیامبر ﷺ نیستند. پس شما هم چه سید و چه غیر سید باشید، می‌توانید کاری کنید که از اهل بیت باشید. آن چیزی که حائز اهمیت و ارزش است، روح است. بدن ارزشش به مقدار خودش است. همان مقدار که روح بر بدن ارزش دارد، همان مقدار فرزند حضرت پیامبر ﷺ بودن تنها از نظر بدنی و از نظر روحی نبودن، ارزشش کمتر است از کسی که روحش فرزند حضرت پیامبر ﷺ است و دستورات او را عمل می‌کند اما بدنش از حضرت پیامبر ﷺ نیست. این خیلی بیشتر ارزش دارد، نسبت بر کسی که فقط بدنش از حضرت پیامبر ﷺ است ولی روحش مخالف باشد. پس اگر می‌خواهیم جزء اهل بیت علیهم السلام باشیم «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»^(۳) اگر می‌خواهید شامل این آیه باشید، باید فکرتان با فکر حضرت پیامبر ﷺ و اراده‌تان با اراده حضرت پیامبر ﷺ که با خدا یکی است یکی باشد. خدا خواسته همه افراد پاک باشند. شما لااقل بخواهید خودتان پاک باشید. خدا خواسته همه افراد بشر عمل‌شان صحیح باشد، پس شما هم عمل‌تان صحیح باشد تا با دستورات خدا

۱ - بحار الانوار جلد ۱۰ صفحه ۱۲۱.

۲ - سوره هود آیه ۴۶.

۳ - سوره احزاب آیه ۳۳.

یکی شوید. اگر این طور شدید جزء اهل بیت علیهم السلام می شوید که خدا اراده کرده رجس و پلیدی را ببرد تا به شما نزدیک نشود یا خودتان از بین ببرید «وَيُطَهِّرْكُمْ» پاکستان کند، همان پاکی که آلودگی دور شما نیاید، حتی اشتباه و سهو هم نکنید. حتی کوچک ترین عمل مکروه هم نکنید «أَتَمَّا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ» این آیه در شأن حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و پدرش و شوهرش و فرزنداناش نازل شده شما هم می توانید وارد شوید. بعضی از زنهای حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله با اینکه در خانه حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله بودند در این آیه وارد نشدند. اما شما بعد از ۱۴۰۰ سال می توانید جزء این آیه قرار بگیرید اهل بیت کسی نیست که از نظر بدنی نزدیک باشد، آن کسی است که از نظر روحی نزدیک شود، حتی ام سلمه زن بسیار خوبی است همین اندازه که راهش دادند در آن اتاق بیاید که حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهلش در زیر کساء بودند، حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند «انت علی خیر» تو خوبی اما پاکی لازم است تا همدوش حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و حضرت امام حسن علیه السلام و حضرت امام حسین علیه السلام قرار بگیری.

سؤال چهل و دوم:

آیا می‌شود که شیعیان جزء اهل بیت حضرت

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله شوند؟

پاسخ ما:

بدون تردید خدای تعالی تمام افراد بشر را برای این خلق کرده است که در دنیا زندگی کنند و هیچ آلودگی نداشته باشند. اگر خدای تعالی اراده تکوینی می‌فرمود که همه پاک باشند، در مقایسه آنهايي که ارزشمند بودند و آنهایی که بی‌ارزشند فرقی ایجاد نمی‌شد.

وقتی انسان ارزش پیدا می‌کند که کمالات روحی و علم و پاکی را به وسیله همّت خودش به دست آورده باشد. اگر خداوند همه ما را از روز اول معصوم خلق می‌کرد دیگر این ارزش را انسان دارا نمی‌شد. چرا که خدا درباره انسان فرموده: «وَمَا كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»^(۱) ما بنی آدم را گرامی داشتیم.

فرق انسان با ملائکه در همین است که ملائکه پاکند و این پاکی به خاطر این است که خداوند در اینها شهوت و غضب قرار نداده است. ولی در انسان شهوت و غضب را در اختیار انسان قرار داده است که خودش شهوت و غضبش را کنترل کند و اگر کنترل کرد ارزشمند خواهد بود و اگر کنترل نکرد از ارزش واقعی او کسر خواهد شد.

اگر همان روز اول خداوند اراده می فرمود که همه پاک باشند و مانع می شد که کسی دخالتی در پاکی انسان بکند، نهایتاً ما مثل ملائکه و ارزش ما هم مثل ارزش ملائکه می شد و دیگر خداوند نمی فرمود: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» پس بنابراین خداوند می خواهد که همه خوب باشند ولی اختیار این انتخاب پاکی را در دست خود انسان قرار داده است که با اختیار خودش خوب باشد و خوبی را انتخاب کند. لذا روی این اصل هر کس که روی اراده خودش پاک شد و عمل او با عمل خدا یک شد و اراده اش با اراده پروردگار مساوی شد، این شخص جزئی از اهل بیت علیهم السلام محسوب خواهد شد.

یک نمونه بارز در اسلام سلمان یک فرد فارسی زبان و اهل شیراز بود. وقتی خدمت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه رفت اراده اش را با اراده حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی کرد و چون اراده حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله با خدای تعالی یکی بود، بنابراین اراده اش در نهایت با اراده خداوند هماهنگ شد. سلمان جزء اهل بیت علیهم السلام شد که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند «سلمان منا اهل البیت».

فرزند حضرت نوح علیه السلام چون عملش و اراده اش با عمل و اراده حضرت نوح علیه السلام یکی نشد، بنابراین جزء اهل بیت نوح هم به حساب نیامد. یا زن حضرت جواد علیه السلام و یا زن حضرت امام حسن علیه السلام و یا حتی زن حضرت لوط او هم به خاطر عمل زشتش از اهل بیت او به حساب نیامد و از این نمونه ها در تاریخ زیاد است.

شما همه می توانید کاری بکنید که از اهل بیت علیهم السلام باشید. حالا چه سید باشید و چه سید نباشید. آنچه که ارزش دارد و مهم است روح انسان است. ارزش بدن انسان به اندازه خودش است همان اندازه که روح بر بدن مزیت دارد همان قدر اگر کسی فرزند بدنی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله باشد ولی از نظر روحی فرزند ایشان نباشد،

ارزش نخواهد داشت. اگر کسی فرزند جسمی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نباشد ولی از نظر روحی خودش را فرزند روحی ایشان قرار داده باشد ارزشش خیلی بیشتر است. لذا یک راهی باز شد برای همه افراد که اگر بخواهند جزء اهل بیت علیهم السلام باشند و مشمول این آیه شریفه واقع شوند.

و خداوند پاکتان خواهد کرد. یک نحو پاک کردنی که دیگر هیچ آلودگی در شما ایجاد نشود، دیگر حتی اشتباه هم نخواهید کرد، نه سهو می کنید، نه عمل مکروهی انجام می دهید، و همیشه مواظب اعمالتان هستید. این آیه ای که در شأن حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام و حضرت امام حسن علیه السلام و حضرت امام حسین علیه السلام این آیه شامل شما هم شود.

در زمانی که این آیه نازل شد، بعضی از زنهای رسول اکرم صلی الله علیه و آله را که در آن خانه بودند آنها وارد بر زیر کساء نشدند ولی شما که بعد از هزار و چهارصد سال به دنیا آمدید می توانید در این آیه شریفه قرار بگیرید و جزء اهل بیت علیهم السلام باشید.

ام سلمه زن پاکی بوده اما حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: تو خوب هستی اما اینجا راه نداری، چرا که در زیر کساء قرار گرفتن یک پاکی می خواهد که تو هنوز به آن نرسیده ای.

آیه تطهیر در چند جا در شأن حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت امام حسن علیه السلام و حضرت امام حسین علیه السلام نازل شده است. خداوند اراده کرده که از شما جمع و هر کسی که به شما نزدیک شود و هر کس که با شما اهل بیت علیهم السلام هم فکر شود و هر کس که با شما هماهنگ شود و هر کس که راه شما را انتخاب کند و در این صراط قرار بگیرد رجس و پلیدی را از او دور نماید.

سؤال چهل و سوم:

حدیث شریف کساء در چه مواقعی خوانده می شود و چه

اثراتی دارد؟

پاسخ ما:

اگر می خواهید زندگی تان خوش باشد و تمام ناراحتی های تان رفع شود و اگر می خواهید خوش و خرم زندگی کنید به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام پناهنده شوید.

آن حضرت در حدیث کساء می فرماید: «ما ذکر خبرنا هذا فی محفل من محافل اهل الارض و فيه جمع من شیعتنا و محبیننا و فیهم مهموم الا و فرّج الله همّه و لا مغموم الا و کشف الله غمّه و لا طالب حاجة الا و قضی الله حاجته.

این روایت ما را به مردم بگوئید؛ زیرا در محفلی از محافل اهل زمین این روایت خوانده نمی شود مگر این که در میان ایشان کسانی که دارای هم و غمی باشند، هم و غم شان رفع می شود. اگر ناراحتی داشته باشند ناراحتی شان رفع می شود.

سؤال چهل و چهارم:

چرا حدیث کساء این قدر اهمیّت دارد؟ و چرا زمانی که حضرت رسول اکرم ﷺ احساس ضعف نمودند به خانه حضرت زهرا (علیها السلام) تشریف بردند؟ این عمل برای ما چه مطلب و درس مهمی را به همراه دارد؟

پاسخ ما:

برای این که شما را بفرستند در خانه حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) و استفاده از آن بانوی جهان.

حدیثی در نهج البلاغه هست که حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند (بر شما پیشی نگیرند دیگران در عمل کردن به قرآن) ^(۱) حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) عین قرآن است. وقتی دیگران از قرآن استفاده می کنند، یعنی از حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) ما استفاده می کنند و ما خودمان هنوز درک این معنا را نداریم. مطلب مهم حدیث اینست که در زمان ناراحتی و کسالت و مرض فوراً به حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) و ائمه اطهار (علیهم السلام)

۱- نامه ۴۷ فراز پنجم وصیت اخلاقی سیاسی امام علی (علیه السلام) به امام حسن و امام حسین (علیهم السلام). ۵۵۹ نهج البلاغه ترجمه محمد دشتی.



متوسل شوید. این طوری ما را می فرستند در خانه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام.
می گویند ما که پیغمبریم، این طور باید برویم در خانه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام آن
وقت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام شفعیۀ ما شیعیان باشد و ما از او غافل باشیم؟!
می رویم این طرف و آن طرف، پیش این طیب و آن طیب، این قدرتمند و آن
قدرتمند، آخر که دستان از همه جا کوتاه می شود تازه به یاد خدا می افتیم.

سؤال چهل و پنجم:

حدیث کساء چگونه مقام حضرت زهرا علیها السلام را بیان

می فرماید؟

پاسخ ما:

هر کس متوسل به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بشود هر کس دامن حضرت فاطمه علیها السلام را بگیرد از خود حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله تا ادنی فرد جامعه بشریت، از هم و غم و مرض و گرفتاری نجات می یابد. در حدیث کساء که سندش معتبر است و مرحوم آیه الله نجفی این سند را پیدا کردند. در آن قضیه، وقتی حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله وارد می شود بر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می فرمایند «انی اجد فی بدنی ضعف» حضرت زهرا علیها السلام پاسخ دادند: «قلت اعیزک بالله یا ابتا من الضعف» وقتی حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله را به خدا پناه می دهد شما را پناه نمی دهد؟ وقتی کساء یمانی را روی پیامبر صلی الله علیه و آله می کشند، همین شخصی که از نظر بدنی، در اثر خستگی و اذیت مردم در وجود مقدسش ضعف پیدا شده، می فرماید برگشتم دیدم صورتش مثل ماه شب چهارده می درخشد و اثری از ضعف در وجودش باقی نمانده.



حضرت فاطمه زهرا علیها السلام محور است. «هُم فاطمة و ابوها...» در زیر کساء کیست؟ اگر شخصیت بزرگی را بخواهند معرفی کنند پدر و شوهر و فرزندان را به او معرفی می‌کنند. فاطمه است و پدر فاطمه، فاطمه است و همسر فاطمه، فاطمه است و فرزندان. چرا یک دختر؟ خدا آن قدر به این شب قدر عظمت و اهمیت داده که تمام موجودات حول محور این بانوی بزرگوار می‌چرخند.

سؤال چهل و ششم:

در مورد حدیث کساء توضیحاتی بفرمائید؟ و آیا سند آن

صحیح است؟ و چرا حضرت زهرا علیها السلام موجب امتحان بودند؟

پاسخ ما:

من به حدیث کساء معتقدم و هر مجلسی را لایق خواندن این حدیث نمی دانم. وقتی بچه بودم با پدرم رفتیم خدمت مرحوم شیخ عباس قمی که سالهای آخر عمرشان بود. ایشان سند حدیث کساء را گویا پیدا نکرده بودند. لذا در کتاب مفاتیح الجنان نوشته بودند و در همان زمان زنده بودن ایشان، این حدیث به کتاب ملحق شده بود، که الان جزء ملحقات کتاب است. او به پدرم گفته بود که من هنوز زنده ام به کتابم اضافه می کنند و خیلی هم ناراحت بوده از این کار. سالها بعد با پدرم در خدمت یکی از علماء اهل معنی بودیم، پدرم این گله شیخ عباس قمی را مطرح کرد (البته شیخ عباس قمی فوت کرده بودند) آن عالم اهل معنا گفت او اشتباه کرده. پدرم پرسید چرا؟ گفت برای اینکه او خیال می کند یک کتاب فروش حدیث را اضافه کرده، آقا حضرت ولی عصر علیه السلام این کار را کرده اند این کار مردم نیست. هیچ کس حق ندارد در کتاب دیگری دست ببرد، مگر ولی مطلق آن کسی که ولایت دارد. من این برخورد خاطرمد بود، بعدها خودم به سندش رسیدم. این از احادیثی است که اجمالاً مورد اتفاق



شیعه و سنی است و مربوط به فضائل حضرت زهرا علیها السلام است. (۱)

فضائلی در این حدیث است که نمی شود با بیان معمولی نقل کرد. یک جمله اش این است که حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله دچار ضعف بدنی می شود، حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام از نظر بدنی مثل سایر مردمند، خسته می شوند، ضعف دارند، خواب می روند ولو خواب آنها مثل ما نیست، بر فرض روحشان هم بیرون بیاید همه چیز را متوجه هستند، ولی از نظر بدنی مثل سایرین هستند. طبیعی است حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یک کارهای بدنی می کنند فشارها و ناراحتی ها سبب حالت ضعفی در ایشان می شود.

به هر حال حضرت آمده خانه حضرت فاطمه علیها السلام (البته علما می گویند مکرر حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله این کار را می کرده و برای رفع ضعفش می آمده خانه فاطمه علیها السلام زهرا علیها السلام می فرمایند: «انی لاجد فی بدنی ضعفا» یا فاطمه من در وجودم ضعف احساس می کنم «ایتونی بالكساء یمانی...» حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله می خوابند و حضرت زهرا علیها السلام کساء را روی بدن حضرت می اندازند و دیگر از ضعف خبری نیست.

اگر می خواهید هر ضعفی را جبران کنید و به صبر کامل و استقامت کامل برسید، بروید در خانه حضرت فاطمه علیها السلام زهرا علیها السلام ضعف تمام می شود. «سرت انظر الیک و اذا وجه یتلألو کانه بدر...» مثل ماه صورتش می درخشید. در زندگی حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله نشاطهایی بوده، یکی از آنها وقتی بوده که حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت امام حسن علیه السلام و حضرت امام حسین علیه السلام را در بغل گرفته زیر کساء و آیه تطهیر بر ایشان نازل شد.

۱- احقاق الحق جلد ۲ صفحه ۵۵۴ و تفسیر جامع جلد ۵ صفحه ۳۵۳.

حضرت علی علیه السلام از حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله می پرسند «ما لجلوسنا هذا من الفضل عند الله» این اجتماع و نشست ما چه ارزشی در نزد خدا دارد؟ حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: به خدا قسم «و الذی بعثنی بالحق نبیاً... ما ذکر خبرنا» فضیلت نشست را بیان نمی کند، می فرماید: خبرش به هر مجلسی از مجالس شیعیان برسد، اگر حاجتمندی باشد حاجتش برآورده می شود. هر کس هم و غمی داشته باشد هم و غم او برطرف می شود و خدای تعالی آن قدر به اینها لطف می فرماید که حساب ندارد.

جبرئیل با آن عظمت از خدا خواهش می کند، تقاضا می کند من هم بروم کنار اینها باشم. البتّه با آنها یکی نمی شود فقط امتیاز و افتخار خدمتگذاری آنها را از خدای تعالی می گیرد. تمام جریان حدیث در خانه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است و کلمه به کلمه حدیث فضائل حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است. از اینها استفاده می شود اگر نگوئیم محبوب تر از حضرت علی علیه السلام و حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودند لااقل مساوی بودند. تا چه رسد به آن جمله که جبرئیل سؤال می کند چه کسانی زیر کساء هستند؟ تعبیر را ببینید چگونه است؟ «هم فاطمة و ابوها و بعلها و بنوها» یک شخصیت معروف و با عظمت را نام می برد، بقیّه را انتساب به او می دهد «هم فاطمة و ابوها و بعلها و بنوها» اینها هستند. جبرئیل می آید باید هدیه ای از جانب خدای تعالی برای آنها ببرد می گوید خدای تعالی پیام فرستاده «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» خدا پاکتان کرده، پاسداری تان می کند مبدا به شما رجس و پلیدی برسد.^(۱) بعد خدا سلام رسانده اظهار محبت کرده

۱ - اراده الهی در این آیه شریفه اراده تکوینی و دفعی است نه اینکه پلیدی آمده باشد رفع کند. رفع برای فرزندان غیر معصوم اینها است خداوند از اینها رفع می کند.

می‌گوید هیچ چیزی خلق نکردم مگر به خاطر شماها، نه آسمانها، نه زمین، نه خورشید و ماه هیچ چیز را خلق نکردم «لاجلکم» مگر برای شما، به خاطر محبت شما. شخصیت بارز این جمع حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است. ببینید چقدر محبوب است. چرا این محبوبیت را به حضرت فاطمه علیها السلام داده؟ اولاً نور حضرت فاطمه زهرا علیها السلام جزء نور حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله است، بنا است خدا در این دنیا بشر را امتحان کند و غیر این راهی نیست. روز وفات حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و بعد آن، همه اصحاب حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله امتحانشان را دادند. «ارتد الناس بعد النبی الا ثلاث او سبعة»^(۱) خداوند امتحان را پیش نیاورد، در کلمات حضرت علی علیه السلام است که از خدا بخواهید شما را از مضلّات فتن حفظ کند.^(۲) البته کسی که از امتحان مشکل، موفق در آید آن ارزش دارد ولی برای ماها امتحان معمولی هم زیاد است.

حضرت زهرا علیها السلام مایه امتحان صد درصد مردم بودند. ولی حضرت علی علیه السلام مایه امتحان بود اما نه صد درصد. حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «و لو لا انت یا علی لم يعرف المؤمنون بعدی»^(۳) ولی اگر حضرت زهرا علیها السلام نبودند، مؤمنین درجه یک خالص شناخته نمی‌شدند.

و لذا این جمله را هم داشته باشید، اگر شما می‌خواهید جزو اولیاء خدا باشید باید با حضرت فاطمه زهرا علیها السلام ارتباط داشته باشید.

۱ - نَ أَبِی جَعْفَرٍ عَلَیْهِ السَّلَامُ قَالَ ارْتَدَّ النَّاسُ بَعْدَ النَّبِیِّ إِلَّا ثَلَاثَةً نَعْرِ الْمِقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَ أَبُو ذَرٍّ الْغِفَارِیُّ وَ سَلْمَانَ الْفَارِسِیُّ، ثُمَّ إِنَّ النَّاسَ عَرَفُوا وَ لَحِقُوا بَعْدَ (بحار الانوار جلد ۴۳ صفحه ۴۷۲).

۲ - عن امیرالمومنین علیه السلام انه قال لا یقولن احدکم اللهم انی اعوذ بک من الفتنة لانه لیس من احد الا و هو مشتمل علی فتنة و لكن من استعاذ فلیستعذ من مضلات الفتن فان الله یقول و اعلموا انما اموالکم و اولادکم فتنة. (وسائل الشیعه جلد ۷ صفحه ۱۳۷).

۳ - دعای ندبه.

سؤال چهل و هفتم:

معنای محدّثه که از القاب حضرت زهرا علیها السلام است، چیست؟

پاسخ ما:

خدای تعالی به چهارده معصوم علیهم السلام علم ماکان و ما یكون و ما هو کائن را عنایت کرد. یعنی اگر بنا است ۱۰ میلیارد سال دیگر ذرّهای از جا حرکت کند و به جای دیگر برود چهارده معصوم می دانند «یعلم مستقرها و مستودعها»^(۱) خدای تعالی می داند هر جاندار، مستقرش کجا است. ائمه علیهم السلام که عین الله هستند و آنها هم همه علوم الهی مربوط به مخلوق را می دانند. اما یک اخباری مربوط به بداء است، یعنی چیزهایی که خدا خلق می کند و مربوط به آینده است. طبعاً هر روز خورشید طلوع می کند. این را می دانیم اما اگر خدا بخواهد و اراده کند ممکن است خورشید بیرون نیاید.

اگر بداء نبود حضرت علی علیه السلام می فرمایند: ما تا روز قیامت از همه چیز خبر می دادیم.^(۲)

۱- آیه ۶ سوره هود.

۲- عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ لَوْ لَا آيَةٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَأَخْبَرْتُكُمْ بِمَا كَانَ وَبِمَا يَكُونُ وَبِمَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهِيَ هَذِهِ الْآيَةُ يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُنْبِئُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ (بحار الانوار جلد ۴ صفحه ۹۷).

در زمان حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام گاه گاهی یا همیشه خبرهای جدید اول به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می رسید و بعد ایشان به حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام خبر می دادند. حضرت فاطمه زهرا علیها السلام محبوبه الهی است. یک روز حضرت علی علیه السلام بر حضرت زهرا علیها السلام وارد شدند، حضرت زهرا علیها السلام خبرهای تازه را برای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می گویند حضرت گفتند عجب، خدا این طور اراده کرده؟ برنامه اش این است؟ قبل از اینکه به من بگوید به تو گفت؟ عقب عقب رفت و به حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام اخبار تازه را می گوید. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند فاطمه از ماست. «فاطمه منی و انا منها، ام اییها، فداها ابوها» پدرش به قربانش. حضرت دست فاطمه را می بوسد. از این استفاده می شود که خدای تعالی یک نظر لطف خاصی به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام دارد.

سؤال چهل و هشتم:

از این آیه قرآن «سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنَ»^(۱) چه قدر و منزلتی برای سادات می توان تصوّر کرد؟

پاسخ ما:

در یک کتاب جاودانه، کتابی که قرار است در دنیا تا قیامت، در قیامت الی الابد و در بهشت کتاب منحصر به فرد باشد. در این کتاب آن هم همراه با سلام و با عظمت اسم آنها را می برد و احترام می کند.

خدای تعالی بسیار مهربان است. ما با این مسائل خیلی ساده برخورد می کنیم. اما خدای با آن عظمت که اصلاً کسی در ردیف او نیست چه برسد به اینکه بالاتر از او باشد، فاصله خدا تا مخلوق، حتّی حضرت پیامبر اکرم ﷺ بی نهایت تا صفر است. یک مؤلف که مقداری شخصیت پیدا می کند حتی حاضر نیست نام استاد یا کسی که چیزی از او یاد گرفته را در کتابش بنویسد. آن وقت چنین خالق با عظمتی، خدائی که نباید به احدی اعتنا کند. اسم او را به زبان بیاورد. چنین خدایی در کتاب

۱ - سوره صافات آیه ۱۴۰.



خود کتابی که می‌خواهد الی‌الابد، باشد و بماند، اسم بندگان آن هم نه بندگان خیلی سطح بالا و به قول معروف پیامبران اولوالعزم بلکه افراد خیلی معمولی را در کتابش بیاورد آن هم با سلام و عظمت خاص. آلِ حضرت پیامبر ﷺ غیر از معصومین علیهم‌السلام مردم معمولی هستند. اما خدای تعالی به خاطر حضرت پیامبر ﷺ و عظمت او این محبت را کرده و نام تمام فرزندان پیامبر ﷺ را در قرآن ذکر کرده است.

سؤال چهل و نهم:

مقام حضرت زهرا علیها السلام با توجه به مضمون «لو لا فاطمه

لما خلقتکما» بالاتر است یا حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت

علی علیه السلام؟

پاسخ ما:

بعضی وقت‌ها ما می‌خواهیم یک نفر را تعریف کنیم حساب بعدی‌هایش را نمی‌کنیم. از هر یک از ائمه علیهم السلام که تجلیل می‌کنیم، باید حواسمان باشد دیگری را خراب نکنیم. یک مطلب کلی عرض می‌کنم، هر کس این عقیده کلی را داشته باشد به انحراف نمی‌افتد. آن این است که ائمه علیهم السلام در علم و عصمت با هم مساوی هستند. روایت دارد و عقل هم همین را می‌گوید. دو چیز در قرآن سبب برتری است یکی علم، یکی پاکی. خدا می‌فرماید: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ...»^(۱) پس فضیلت مال علم و پاکی است. چه پاکی در عمل که گناه نکند، چه پاکی در روح که تزکیه شده باشد و چه پاکی از نقص و عیب که علمشان ناقص باشد. پس اگر گفتیم حضرت علی علیه السلام بالاتر از حضرت امام حسن علیه السلام است، یک طرف را درست کردیم طرف

دیگر را خراب کردیم. یا اگر گفتیم حضرت علی علیه السلام کمتر از حضرت فاطمه علیها السلام است یا در علم یکی کمتر علم دارد یا در عصمت، درست نیست. قرآن به این دو چیز امتیاز داده بنابراین ما اینها را درست می‌کنیم آنها را خراب می‌کنیم. اگر چنین حرفی زدیم یعنی حضرت مجتبی علیه السلام یا در علمش یا در عصمتش نقص است. پس معنای بعضی روایات که این مطلب را می‌رساند چیست؟

شخصی می‌گفت چطور حضرت زهرا علیها السلام می‌تواند برخی مطالب را زودتر از حضرت امیر علیه السلام گفته باشد، این را بدانید حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند حضرت زهرا علیها السلام و حضرت علی علیه السلام با هم برابرند و کسی هم که بخواهد جای دیگری بنشیند باید در علم و پاکی یا با او هم ردیف باشد یا بیشتر از او باشد و کارهای او را صحیح انجام دهد. روی این اصل نمی‌توانیم در مورد علم و عصمت امتیازی برای یکی از ائمه علیهم السلام نسبت به ائمه علیهم السلام دیگر قائل شویم. یکسری فضائل عرضی است. یعنی ظاهری است، مثلاً پدر بر فرزند فضیلت دارد. که حضرت علی علیه السلام پدر ائمه اطهار علیهم السلام است یا حضرت امام حسین علیه السلام در موقعیتی از زمان واقع شد که آن کار را انجام داد. حضرت بقیة الله عز وجل وضعی دارند که آرزوی انبیاء و اولیاء را ایشان پیاده می‌کنند که حتی حضرت نوح در ۹۵۰ سال رسالتش نتوانست حکومت الهی را بر کره زمین حکم فرما کند. امتیازات ظاهری این طوری وارد شده، مثلاً دو تا سرهنگ داریم هر دو کاری انجام داده‌اند. می‌گوئیم تو درجات پایین نیامده اما زمینه‌ای پیش آمده که این مدال را به این شخص دادیم.

سؤال پنجاهم:

در آیه «وَأَتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ»^(۱) منظور از ذاالقربی کیست؟

و چه فضائلی دارد که به قرابت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نسبت داده شده؟

پاسخ ما:

خدا در این آیه می‌فرماید: «وَأَتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ» که در تفاسیر فرمودند منظور از ذی‌القربی حضرت زهرا علیها السلام است حقی که ایشان در بُعد ملکی داشت همان فدک بوده.^(۲) اما در بُعد ملکوتی حقوقی که حضرت فاطمه علیها السلام به حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله داشته، حوض کوثری است که همه علوم و حکمت و معارف و حقایق از جانب خدا و حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله به او عنایت شده. اگر بنا باشد ظرفی پُر شود آن قدر که ظرفیت دارد چیزی در او ریخته می‌شود. دل‌های ما ظرفند. ما دارای یک قوه درآکه معنوی هستیم که اگر ظرفیت‌مان را درست نگه داریم، این ظرف را پُر می‌کنند.

۱ - سوره اسراء آیه ۲۶.

۲ - وَ أَتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَ الْمُسْكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ یَعْنِي قَرَابَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ نَزَلَتْ فِي فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، فَجَعَلَ لَهَا فِدَكَ. وَ الْمُسْكِينِ مِنْ وَلَدِ فَاطِمَةَ، وَ ابْنِ السَّبِيلِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَ وَلَدِ فَاطِمَةَ. (بحار الانوار جلد ۴ صفحه ۹۷).

گاهی انسان ظرف را وارونه نگه می‌دارد یا گاهی آن را کج می‌کند یا ظرفش کوچک است در هر حال آن فیاض مطلق، وقتی بخواهد ظرف انسان را پُر کند اگر ظرف وارونه باشد چیزی به آن نمی‌رسد و اگر کوچک باشد به همان اندازه در این ظرف می‌ریزند ولی ظرفی که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام داشت، آن قدر وسیع بود که نهایتی برایش تصوّر نمی‌شود. پس این ظرف حقّ زیادی دارد که در آن حکمت ریخته شود. معنای حقّ این است که فرض کنید ظرف بزرگی برداشته‌اید و جایی برده‌اید که قرار است به هر کس به اندازه ظرفش چیزی بدهند و ظرفش را پر کنند، اگر یک یا دو قاشق غذا در این ظرف بزرگ ریختند حق این ظرف ادا نشده و حقّ وعده‌ای که به شما دادند را عمل نکردند. اما اگر این ظرف را پر کردند حقّ تان را داده‌اند.

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام آن قدر ظرفش بزرگ است، شرح صدر دارد و لطف خدا شاملش شده که یکی از اسم‌هایشان کوثر است. کوثر یعنی خیر کثیر، بسیار پر اهمیت و پر عظمت. «ان هذه القلوب اوعية فخيرها اوعاها»^(۱) که در عالم ظرفی بهتر از ظرف فاطمه زهرا علیها السلام و قلب مطهر ایشان نیست. لذا، حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور است حقّ حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را عنایت کند و به او بدهد. که یک بخش آن فدک بود. بعد از آن هم اموال زیادی در اختیار ایشان گذاشتند. همان موقعیتی که حضرت خدیجه کبری علیها السلام برای حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله داشت او برای حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام داشت. حقّی که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در بُعد ملکوت داشتند آن قدر مهمّ و بزرگ بوده که تمام انبیاء و اولیاء و ائمّه اطهار علیهم السلام باید از این ظرف استفاده کنند. طبق معنایی که توضیحش مفصل است، تمام مردم دنیا یا با واسطه یا بلاواسطه باید از این وجود مقدّس استفاده کنند. حقّ حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است

۱- إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ أَوْعِيَةٌ فَخَيْرُهَا أَوْعَاها (بحار الانوار جلد ۱ صفحه ۱۸۸).

که تمام علومى که خداى تعالى براى بشر لازم دانسته (که يا در زمانهاى گذشته به آنها داده شده يا از اين به بعد به مردم داده مى شود، حتّى بعد از ظهور که حضرت امام زمان عليه السلام درهاى حکمت را به روى مردم باز مى کند)، حقيقتش از آن کوثر سرچشمه گرفته و در اختيار حضرت امام زمان روحى فداه است و ايشان هم در اختيار مردم قرار مى دهند. پس اگر مى خواهيد به کمالات روحى موفّق شويد و به آنچه خدا براى بشر منظور کرده برسيد، به ايشان متوسّل شويد. هر چه مى توانيد خود را به اين وجود مقدّس نزديک کنيد تا بتوانيد از اين حوض کوثر استفاده کنيد.



سؤال پنجاه و یکم:

چرا و بخاطر چه خصوصیتی خدای تعالی به فرزندان غیر

معصوم حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این همه محبت کرده است؟

پاسخ ما:

شخصی قضیه‌ای را تعریف می‌کرد، می‌گفت پدرم به یک فقیری خیلی احترام کرد. او را به خانه آورد و هر چه داشت در اختیار او گذاشت و محبت بسیاری به او کرد برایم جای سؤال شد چرا پدرم این قدر به او محبت می‌کند؟ از او سؤال کردم، گفت من شخص بی‌کس و تنهایی بودم، فقیر بودم، پدر این فقیر به من همه چیز داد، هر چه الان دارم به خاطر محبت آن شخص است. حال نمی‌دانم چه شده که او این طور (فقیر) شده. اما من اگر هر چه دارم به او بدهم، باز جبران محبت پدر او را نکرده‌ام.

خدای تعالی درباره حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ»^(۱) شما ای بشریت بر لب گودی آتش بودید، در زمان جاهلیت بشریت به جایی رسیده بودند که مانند انسانهای ماقبل تاریخ، یک رسومات بی‌بند و بار و

۱ - سوره آل عمران آیه ۱۰۳.

بدون انضباط عجیبی داشتند تا جائی که حتی خودشان رنج می بردند اما عادت بود مثل رسومات ما، عید نوروز ما که خودمان رنج می بریم اما مجبور هستیم. دختر نزد پدر قدری عزیزتر است تا پسر، دختر را زیر خاک می کردند چون رسم بود و ناراحت می شود چرا همسرش دختر به دنیا آورده است، زن را به عنوان یک حیوان در زندگی می دانستند. اصلاً برای زن ارزش قائل نبودند. آن وقت حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اینها را از لب گودی آتش نجات دادند.

خدای تعالی به سادات در ردیف انبیاء اظهار محبت و احترام کرده. آن هم به خاطر حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا ما هم یاد بگیریم و عمل کنیم. این عمل فطری بشر است. چون همه چیز انسان، دنیا، مادیات، آخرت همه از طریق حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ما رسیده. لذا باید فرزندان را احترام کنیم.

حضرت سجاد علیه السلام فرمودند: «عجب من عرب» عجب از عرب است چگونه ما را روی دست هایشان سوار نمی کنند؟ حال اینکه خدا می فرماید «وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ»^(۱) تنها راه رسیدن به خدای تعالی محبت به ائمه اطهار علیهم السلام است. چون اینها صراط مستقیم هستند و وقتی انسان به صراط مستقیم محبت داشته باشد قطعاً در آن قرار می گیرد.

۱ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذَا ذَكَرَ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ يَا بِي وَ أُمِّي وَ قَوْمِي وَ عَشِيرَتِي عَجَبٌ لِلْعَرَبِ كَيْفَ لَا تَحْمِلُنَا عَلَىٰ رُءُوسِهَا وَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ وَ كُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا فَبِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَنْقَذُوا (کافی جلد ۸ صفحه ۲۶۶).

سؤال پنجاه و دوم:

شفاعت فرزندان خاطی حضرت زهرا علیها السلام با عدالت چگونه

جمع می شود؟

پاسخ ما:

شفاعت مربوط به گناه کار است. شفع به معنای جفت کردن است. نماز شفع یعنی نماز جفت. بین انسان معصیت کار دور افتاده از بهشت فاصله افتاده به خاطر معاصی که انجام داده است. حضرت زهرا علیها السلام این معصیت کار دور افتاده از بهشت را با بهشت جفت می کند. شفاعت حضرت زهرا علیها السلام برای همه گناهکاران شیعه است. شفاعت شرایطی دارد، آن کس که گناه کرده حق الناس گردن او نباشد. گاه بدون تقصیر این طور شده است. مثلاً اگر یکی از دوستان شما بدون تقصیر و کوتاهی ورشکست شود چه می کنید؟ همه دوستان جمع می شوند و کمکش می کنند. معصیت کاری که در دنیا گناه کرده روز قیامت یا در بهشت و جهنم حضرت زهرا علیها السلام شفاعت او را می کنند. اجازه ورود به بهشت را می دهند و آتش بر او حرام می شود.

سؤال پنجاه و سوم:

گریه ما برای حضرت فاطمه زهرا علیها السلام برای چیست؟

پاسخ ما:

برای این که چرا ما این قدر بی لیاقت باشیم، عایشه را هشتاد سال پیش خود نگه داریم اما حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را بیشتر از هیجده سال نتوانستیم نگه داریم. حضرت فاطمه زهرا علیها السلام وقتی حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله به ایشان فرمودند تو اول کسی هستی از اهل بیت من که به من ملحق می شوی، او خوشحال بود اما ما گریه می کنیم. چون «المظلومه» بود یعنی یک ظالمی بوده که به او ظلم کرده. چرا ما باید نسبت به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام ظالم باشیم چرا من و شما با افراد این طوری خو گرفته ایم؟ الان هم در دنیا زیاد هستند. اگر یک میلیارد مسلمان باشد ۸۰۰ میلیون از این جور افراد هستند. چرا ما دوست داشته باشیم با اینها مانوس باشیم؟ اینها ظالم به حضرت زهرا علیها السلام بودند.

«المقهوره» یعنی تحت فشار قرار گرفتن. اگر کسی تحت فشار یک ظالم قرار گرفت، در خانه اش را شکستند، به زور همسرش را به مسجد بردند، حرفش را گوش

نکردند، این شخص «المقهوره» می شود. «المغصوبة حقها»^(۱) حقش را غصب کردند. «وَأَتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقُّهُ» خدای تعالی به حضرت پیامبر ﷺ می فرماید: به ذی القربایت حقشان را بده. ذوی القربای حضرت پیامبر ﷺ در آن روز فقط حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بود. اما حق او را گرفتند، اذیتش کردند. «المنموعة ارثها» زمینه سازی کردند که بگویند حق ندارد ارث ببرد. منظور فدک نبود، آنها می دانستند فدک مال حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است. همه می دانستند که حضرت پیامبر ﷺ به او عنایت کرده است. اما می خواستند همه اموالش را بگیرند. می خواستند حتی خانه اش را بگیرند. اگر آن سخترانی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نبود که «یابن ابی قحافه اترث اباک و لا ارث ابی» تو از پدرت ارث می ببری من از پدرم ارث نبرم؟^(۲) سخترانی حضرت چنان تأثیر گذاشت که نتوانستند ارث او را بگیرند. و الا حضرت زهرا علیها السلام روزی که از دنیا رفتند ۷ پارچه آبادی داشتند که تولیتش را به حضرت امام مجتبی علیها السلام سپردند تنها فدک نبود.

۱ - صَلَّ عَلَى الْبُؤْلِ الطَّاهِرَةِ الصَّدِيقَةِ الْمُغْصُومَةِ النَّبِيِّ النَّبِيِّ الرَّضِيِّ الرَّضِيِّ الرَّكِيَّةِ الرَّشِيدَةِ الْمَظْلُومَةِ الْمُقْهُورَةِ الْمُغْصُوبَةِ حَقُّهَا الْمَمْنُوعَةُ إِزْئُهَا (بحار الانوار جلد ۹۷ صفحه ۱۹۹).
 ۲ - يَا ابْنَ أَبِي قُحَافَةَ، أَفِي كِتَابِ اللَّهِ أَنْ تَرِثَ أَبَاكَ وَلَا أَرِثَ أَبِي (بحار الانوار جلد ۲۹ صفحه ۲۲۶).

سؤال پنجاه و چهارم:

راه ارتباط با حوض کوثر و استفاده از حکمت آن چگونه است؟

پاسخ ما:

اگر می خواهید قلبتان مملو از حکمت بشود راهی به آن حوض کوثر پیدا کنید. و بایستی راه ارتباطی این کوثر و نهلهایی که از آن جاری است را تمیز کنید. انشعاب از منابع کوثر باید پاک باشد. لذا قدم اول طبق نظرات تمام ائمه اطهار علیهم السلام و به صریح قرآن و فرموده حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اول کاری که می کنید تزکیه نفس است.

سؤال پنجاه و پنجم:

آیاتی که در قرآن آمده و نامی از رجال برده شده که همه باید آن طور باشند آیا شامل خانم‌ها هم می‌شود؟ و یا فقط اختصاص به حضرت زهرا علیها السلام دارد؟

پاسخ ما:

جواب اجمالی این سؤال این است که هر آیه‌ای که در آن رجال گفته شده و حضرت زهرا علیها السلام را شامل می‌شود، شامل زنهای دیگر هم هست. بعضی آیات هست که مربوط به زنها است، دیگر اینها رجال را شامل نمی‌شود. بعضی آیات هم احکامش مربوط به مردها است و زنها را شامل نمی‌شود. ولی بعضی آیات که رجال در آن ذکر شده؛ رَجُل در لسان عرب به عنوان اصطلاح فارسی است که می‌گوئیم، اگر مردی بیا جلو! این عنوان شجاعت است و اختصاص به جنس فرد ندارد در عربی هم هست «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ»^(۱) یعنی آن کسی که تجارت، او را از یاد خدا باز ندارد. منظور تنها مردها نیستند. این جمله هم زن و هم مرد را شامل می‌شود. ولی بعضی آیات اختصاص به احکام زنها دارد مثلاً: «وَقَرْنَ

فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ»^(۱) یعنی شما در خانه‌هایتان بنشینید و با لباسهای زمان جاهلیت بیرون نیایید (با بدحجابی بیرون نیایید). اما یک آیاتی مربوط به مردها است. مثلاً «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»^(۲) آیاتی که هم زن و هم مرد مکلف به آن هستند و در آن از الرجال نام برده شده، همانطور است که ما در فارسی می‌گوئیم، مرد آن کسی است که فلان کار را بکند، در حالی که یک خانم هم آن را انجام می‌دهد. معمولاً درباره کارهایی است که ظهور قدرت است و طبعاً چون مردها از نظر جسمی قوی‌تر از زنها هستند به آنها نسبت داده شده.

۱ - سوره احزاب آیه ۳۳.

۲ - سوره نساء آیه ۳۴.

سؤال پنجاه و ششم:

در چه زمانی خدای تعالی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را به

حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله عطا کرد؟

پاسخ ما:

روزی که خدای تعالی عالم امر را ایجاد کرد، عالم غیب را ایجاد کرد، در همان زمان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را خلق کرد و به حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آن حضرت را بخشید، و عطا کرد. وقتی سوره کوثر خوانده می شود «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» ما فکر می کنیم حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله به خانه حضرت خدیجه علیها السلام رفتند دیدند خدای تعالی دختری به او داده است و به همین جهت همه چیز به حضرت نسبت می دهیم.

سؤال پنجاه و هفتم:

چگونه از وجود حضرت فاطمه زهرا علیها السلام استفاده کنیم

پیشرفت خواهیم کرد؟

پاسخ ما:

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام حوض کوثر است، پُر از حکمت است، کاری کنید که از کوثر و حکمت او استفاده کنید. یک وقتی شخصی سرطان گرفته بود گفتند حضرت او را شفا داد. گفتم حضرت تواضع کردند مثل پرفسوری که در تمام جهات طبّی مهارت دارد، قلب جراحی می‌کند، گربه شما مریض شده او آن را هم درمان کند. این پرفسور در حقیقت تواضع کرده است. آنها طبیب روح ما هستند، معالج روح ما هستند، معالج خود ما، چون روح یعنی خود ما، بدن ما مرکبی است، حتّی مرکب هم نباید قبول داشت چون مثلاً اسب یک جست و خیز مستقل دارد، اما این بدن بدون روح هیچ تکانی نمی‌خورد، بهتر این است بگوئیم مثل لباس است. اگر کسی گوشه لباس شما را که پاره بود دوخت، کار بزرگی کرده است شأن آنها نیست. امراض روحی را معالجه می‌کنند. شما به مسجد جمکران بروید هزاران نفر آنجا هستند، از هر کس بپرسید چرا آمده‌ای؟ می‌گوید خانه ندارم، زن ندارم، مریض دارم. خیلی کم پیدا می‌شود کسی بگوید مرض حسادت دارم هر کاری می‌کنم

درست نمی شود آمده ام شفا پیدا کنم. ما به عکس هستیم، اگر به کسی بگوئیم می گویند حوصله دارید آدم شب تا صبح بیدار باشد که حسود است؟ خیلی افراد از من می پرسند ما بخیل هستیم، حسود هستیم، چکار کنیم؟ من راه ساده و خوبی که به راحتی شما را به مقصد می رساند و در انتها اگر درست انجام شود یک سر سوزن رذیله در انسان نمی ماند. اگر از راه صحیح نروید و توسّل نکنید، خوب قطعاً موفق نمی شوید. بدن انسان خوش تیپ باشد، دندانها سالم باشد، معده خوب کار کند، اینها مربوط به حیوانات است. این غذا نفخ می آورد، آن یکی ضعف می آورد، شما بنده خدا شوید اگر روح شما سالم باشد همه مسائل حل می شود.

اگر شما حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را دوست داشته باشید فاطمه ای که حتّی نامش حساب دارد، کمالاتی را به انسان تعلیم می دهد معنای فاطمه می دانید چیست؟ یعنی شیعیان خود را از جهنّم جدا می کند، ^(۱) زهرا یعنی نور مقدّسش تمام عالم را می گیرد، بتول یعنی پاک، پاکیزه آن چنان معصوم است که حتّی از هر جهلی پاک است. او محدّثه است. وقتی چنین فاطمه ای، خانمی را شناختیم می توانیم از کوثر وجودش استفاده کنیم.

۱- يَا مُحَمَّدُ مَا لَكَ لَا تَأْكُلُ كُلَّهَا وَلَا تَخَفُ فَإِنَّ ذَلِكَ الثَّوْرَ لِلْمَنْصُورَةِ فِي السَّمَاءِ وَ هِيَ فِي الْأَرْضِ فَاطِمَةُ قُلْتُ حَبِيبِي جَبْرِئِيلُ وَلَمْ سَمِيتُ فِي السَّمَاءِ الْمَنْصُورَةَ وَ فِي الْأَرْضِ فَاطِمَةَ قَالَ سَمِيتُ فِي الْأَرْضِ فَاطِمَةَ لِأَنَّهَا قُطِمَتْ شِيعَتُهَا مِنَ النَّارِ وَ قُطِمَ أَغْدَاؤُهَا عَنْ حَبِّهَا وَ هِيَ فِي السَّمَاءِ الْمَنْصُورَةُ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ يَعْنِي نَصَرَ فَاطِمَةَ لِمُحِبِّيْهَا (بحار الانوار جلد ۴۳ صفحه ۴).

سؤال پنجاه و هشتم:

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام چگونه شجره ملعونه بنی امیه را

قطع کردند؟

پاسخ ما:

حضرت زهرا علیها السلام بعد از رحلت حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تنها کسی بود که شجره ملعونه بنی امیه را قطع کردند و شجره طیبه فرزندان خود را به هر وسیله که بود آبیاری کردند اگر این ۷۵ روز نبود. هیچ چیز حتی اسم حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله نبود. چون با سیاست طوری جلو آمدند که الان دنیا نمی تواند بفهمد عثمان شخص اول بنی امیه است. بنی امیه منظور بودند که وقتی عثمان به اقوام و خویشان خود پول زیاد می داد مردم مسلمان از او دور گشتند اما او کار خود را کرد.

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از سیلی خوردنش، در به پهلوی خوردنش، روزی که حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفتند، خطبه خواندنش از دنیا رفتن حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، دفن او از همه اینها استفاده کرد. روزی که جنازه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در قبر گذاشته شد در تمام لحظات او قیام کرده بود و در آخر می فرماید: «اقرء ولدی



السلام الى يوم القيامة»^(۱) ما خیال می‌کنیم سلام رسانند. نه این سلامتی روح است یعنی کاری که من کردم ای فرزندان من، یا بقیة الله این سلامتی است این سلامتی برای شماست، شما سالم هستید، شما کوثرید، نسل بنی امیه از بین خواهد رفت. نصیب فرزندانی مثل ما این است که بگوئیم علیک. اما نصیب حضرت امام عصر ارواحنا فداه این است که ای فرزندم تو سالم هستی، دین به دست تو سالم خواهد ماند. پهلوی من شکست، سیلی به صورتم زدند، برای سلامتی توست. اگر تمام ائمه اطهار علیهم السلام مسموماً از دنیا رفتند، برای این است که تو آخرین فرزندم سلامت زندگی کنی، تا به سلامت دین مردم را برسانی. «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»^(۲) نه اینکه فکر کنید این ۱۴۰۰ سال است، نه تا روز قیامت هست وقتی هشام در مجلسی جسارت به حضرت زهرا علیها السلام می‌کند و ساکت است، زید بن علی بن الحسین فرزند برومند حضرت فاطمه زهرا علیها السلام قیام می‌کند.^(۳)

۱ - هَذَا مَا أَوْصَتْ بِهِ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَوْصَتْ وَ هِيَ تَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَ النَّارَ حَقٌّ وَ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ يَا عَلِيُّ أَنَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ زَوْجَتِي اللَّهُ مِنْكَ لِأَكُونَ لَكَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ أَنْتَ أَوْلَى بِي مِنْ غَيْرِي حَنْطُنِي وَ غَسِّلْنِي وَ كَفِّنِي بِاللَّيْلِ وَ صَلِّ عَلَيَّ وَ اذْفِنِي بِاللَّيْلِ وَ لَا تَعْلِمُ أَحَدًا وَ اسْتَوْدِعْكَ اللَّهُ وَ أَقْرَأْ عَلَيَّ وَ لِدَيَّ السَّلَامَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (بحار الانوار جلد ۴۳ صفحه ۲۱۴).

۲ - سوره توبه آیه ۳۳.

۳ - أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ وَ كَانَ سَبَبَ خُرُوجِ أَبِي الْحُسَيْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بَعْدَ الَّذِي ذَكَرْنَاهُ مِنْ غَرَضِهِ فِي الطَّلَبِ بِدَمِ الْحُسَيْنِ ﷺ أَنَّهُ دَخَلَ عَلَى هِشَامِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ وَ قَدْ جَمَعَ لَهُ هِشَامُ أَهْلَ الشَّامِ وَ أَمَرَ أَنْ يَتَضَاعَفُوا فِي الْمَجْلِسِ حَتَّى لَا يَتِمَّكَ مِنَ الْوُصُولِ إِلَى قُرْبِهِ فَقَالَ لَهُ زَيْدٌ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ أَحَدٌ فَوْقَ أَنْ يُوصِيَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ لَا مِنْ عِبَادِهِ أَحَدٌ دُونَ أَنْ يُوصِيَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ أَنَا أُوصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَأَتَقَه فَقَالَ لَهُ هِشَامُ أَنْتَ الْمُؤَهَّلُ نَفْسَكَ لِلْخِلَافَةِ الرَّاجِي لَهَا وَ مَا أَنْتَ وَ ذَاكَ لَا أَمَّ لَكَ وَ إِنَّمَا أَنْتَ مِنْ أُمَّةٍ فَقَالَ لَهُ زَيْدٌ إِنِّي لَا أَعْلَمُ أَحَدًا أَعْظَمَ مَنْزِلَةً عِنْدَ اللَّهِ مِنْ نَبِيِّ بَعَثَهُ وَ هُوَ ابْنُ أُمَّةٍ فَلَوْ كَانَ ذَلِكَ يَقْصُرُ

←

⇒ عَنْ مُنْتَهَى غَايَةِ لَمْ يَبْعَثْ وَهُوَ إِسْمَاعِيلُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ النَّبِيُّ أَعْظَمُ مَنْزِلَةً عِنْدَ اللَّهِ أَمْ الْخِلَافَةُ يَا هِشَامُ وَبَعْدُ
فَمَا يَقْصُرُ بِرَجُلٍ أَبُوهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَهُوَ ابْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ هِشَامُ مِنْ مَجْلِسِهِ وَدَعَا قَهْرْمَانَهُ وَ
قَالَ لَا يَبِيتَنَّ هَذَا فِي عَسْكَرِي فَخَرَجَ زَيْدٌ وَهُوَ يَقُولُ إِنَّهُ لَمْ يَكْرَهُ قَوْمٌ قَطُّ حَرَّ السَّيْفِ إِلَّا ذُلُّوا فَلَمَّا وَصَلَ إِلَى
الْكُوفَةِ اجْتَمَعَ إِلَيْهِ أَهْلُهَا فَلَمْ يَزَالُوا بِهِ حَتَّى بَايَعُوهُ عَلَى الْحَرْبِ ثُمَّ تَقَضَّوْا بَيْعَتَهُ وَاسْلَمُوهُ فَقَتَلَهُ ﷺ وَصَلَبَ
بَيْنَهُمْ أَرْبَعَ سِنِينَ لَا يُنْكَرُ أَحَدٌ مِنْهُمْ وَ لَا يُغَيَّرُ ذَلِكَ بَيْدٍ وَ لَا بِلِسَانٍ وَ لَمَّا قُتِلَ بَلَغَ ذَلِكَ مِنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
الصَّادِقِ ﷺ كُلُّ مَبْلَغٍ وَ حَزَنَ لَهُ حُزْنًا عَظِيمًا حَتَّى بَانَ عَلَيْهِ وَ فَرَّقَ مِنْ مَالِهِ فِي عِيَالٍ مَنْ أُصِيبَ مَعَهُ مِنْ
أَصْحَابِهِ أَلْفَ دِينَارٍ وَ رَوَى ذَلِكَ أَبُو خَالِدٍ الْوَاسِطِيُّ قَالَ سَلَّمَ إِلَيَّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ أَلْفَ دِينَارٍ وَ أَمَرَنِي أَنْ أَقْسِمَهَا
فِي عِيَالٍ مَنْ أُصِيبَ مَعَ زَيْدٍ فَأَصَابَ عِيَالَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الزُّبَيْرِ أَخِي فَضِيلِ الرَّسَّانِ مِنْهَا أَرْبَعَةُ دَنَائِيرٍ وَ كَانَ مَقْتَلُهُ
يَوْمَ الثَّانِيَنِ لِلَّيْلَتَيْنِ خَلَّتَا مِنْ صَفَرٍ سَنَةِ عِشْرِينَ وَ مِائَةٍ وَ كَانَ سَنُهُ يَوْمَ قُتِلَ اثْنَتَيْنِ وَ أَرْبَعِينَ سَنَةً (بحار الانوار
جلد ٤٦ صفحہ ١٨٦).



سؤال پنجاه و نهم:

از نظر اهل معرفت، مصیبت حضرت زهرا علیها السلام چه چیزهایی بوده است؟

پاسخ ما:

آنچه در نظر اهل معرفت مصیبت است. این است که چرا «المجهولة قدرها»^(۱) باشد. چرا باید حضرت زهرا علیها السلام را نشناسند؟ چرا قدر او مجهول است؟ چرا طبق اوامر او عمل نکردند؟ چرا الان در میان خانم‌های ما کسی از او الگو نگرفته است؟ ما حضرت زهرا علیها السلام را در محدوده دنیا و شهوات می‌آوریم می‌گوئیم هیجده سال بیشتر عمر نکردند. با این فکر طبعاً برای او برنامه محدودی، عظمت محدودی قائل هستیم. وقتی می‌گوئیم او عالمه بوده، می‌بینیم دختران ما در سن هیجده سالگی نهایت دانشگاه می‌روند. حضرت زهرا علیها السلام را هم این طور قیاس می‌کنیم. حضرت زهرا علیها السلام در همان لحظات اول خلقت خلق شده است و خدای تعالی تمام علوم را به او داده است.

۱ - صَلَّ عَلَى الْبُؤْلِ الطَّاهِرَةِ الصَّدِيقَةِ الْمُعْصُومَةِ النَّبِيَِّّةِ النَّبِيَِّّةِ الرَّضِيِّيَّةِ الرَّضِيِّيَّةِ الرَّكْبِيَّةِ الرَّشِيدَةِ الْمُظْلُومَةِ الْمُتَهَوَّرَةِ الْمُعْصُومَةِ حَقَّهَا الْمَمْنُوعَةِ إِزْثُهَا (بحار الانوار جلد ۹۷ صفحه ۱۹۹).

بعضی مسائل را دشمنان در روایات ما وارد کردند. بعضی دوستان نادان حضرت زهرا علیها السلام که می‌خواهند روضه‌هایشان خوب بگیرد آنها را نقل می‌کنند. مثلاً می‌گویند آنقدر گریه کرد که مردم مدینه به ستوه آمدند و... شما تصوّر کنید کدام زن بی‌توجّه به جامعه و مردم این کار را می‌کند. بعد می‌آیند درباره ابابکر صحبت می‌کند که او خیلی شرح‌صدر نشان داد چون حضرت زهرا علیها السلام را یک خانم احساساتی کم‌صبر که نمی‌توانسته ببیند جای پدرش ابابکر، آن هم کسی که پدر خانم حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله بوده، نشسته است. چون این حرفها در خانم‌های ما هست، خانم‌هایی که فکر ندارند عقل و صراط مستقیم را منظور نمی‌کنند، حضرت زهرا علیها السلام را با اینها می‌سنجند، لذا این مصیبت است.

یا آنها را با ذلّت و بدبختی معرفی می‌کند می‌گویند حضرت علی علیه السلام رفت چادر حضرت فاطمه علیها السلام را در نزد مرد یهودی گرو گذاشت، پول بگیرد نان بخورند، تازه آن هم چادری که اصلاً قابلیت گرو گذاشتن نداشت، هفتاد جای آن با لیف خرما وصله داشت. در حالی که حضرت زهرا علیها السلام عقیقه بوده‌اند، ثروتمند بوده‌اند من در کتاب انوارالزهراء علیها السلام نوشتم وقتی حضرت می‌خواست از دنیا برود هفت پارچه آبادی مفصل داشت، که تولّیت آنها را به حضرت امام حسن علیه السلام سپردند و تا زمان عبدالملک مروان اینها بوده است. کجا حضرت این قدر ذلّت داشته است (نستجیر بالله) که چادرش را حضرت علی علیه السلام ببرد؟ آن وقت حضرت علی علیه السلام واجب‌النفقه را ترک کند چون اگر انسان پول داشته باشد اول باید به واجب‌النفقه بدهد. اگر اضافه آمد به دیگران، اما حضرت برده است به دیگران داده است؟ این مثل این می‌ماند که انسان نافله بخواند و نماز واجب را ترک کند در سورۀ دهر که می‌فرماید:

«وَيُطْعَمُونَ أَلْطَّامَ عَلَى حُبِّهِ...»^(۱) حضرت علی علیه السلام غذای خود را دادند و حضرت زهرا علیها السلام و حضرت حسنین علیهما السلام و فضّه به ایشان اقتدا کردند. والاّ اینکه حضرت با ذلّت پول تهیّه کنند، بعد ببرند به فقیر بدهند و زن و فرزندش به او اعتراض کنند... ببینید چه نسبت های بدی به حضرت می دادند.

مصیبت در به پهلوی خوردن حضرت نیست، آنها آن قدر شرح صدر دارند که اینها برایشان معنا ندارد. در مورد همین مصیبت هم حرف هایی می زنند، نسبت هایی می دهند که شما به همسر خود نسبت نمی دهید، نمی گوئید.

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام کوثر است که خدای تعالی در قرآن معنا می کند: «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا»^(۲) تمام حکمت در وجود حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بوده است. از این کوثر نهرهایی که «اثنی عشر نهر» جاری شده است مثل زدند، حضرت زهرا علیها السلام را به آن حجری که به وسیله اراده حضرت موسی از آن دوازده نهر جاری شد.^(۳) و این در بُعد ملکی است. ملکوت آن این است که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام قوی و قدرتمند نه قلبش بلکه تمام وجودش مثل سنگ در مقابل دشمن سخت بود و با اراده حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و خدای تعالی دوازده نهر از او جاری شده

۱ - سوره انسان آیه ۸.

۲ - سوره بقره آیه ۲۶۹.

۳ - المناقب لابن شهر آشوب، جابر الجعفی عَنِ الْبَاقِرِ علیه السلام فِي خَبَرٍ طَوِيلٍ فِي قَوْلِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ الْآيَةَ فَقَالَ إِنَّ قَوْمَ مُوسَى لَمَّا شَكَّوْا إِلَيْهِ الْجَدْبَ وَالْعَطَشَ اسْتَسْقَوْا مُوسَى فَاسْتَسْقَى لَهُمْ فَسَمِعَتْ مَا قَالَ اللَّهُ لَهُ وَ مِثْلَ ذَلِكَ جَاءَ الْمُؤْمِنُونَ إِلَى جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ تَعْرِفُنَا مِنْ الْأَئِمَّةِ بَعْدَكَ فَقَالَ وَ سَاقَ الْحَدِيثَ إِلَى قَوْلِهِ فَإِنَّكَ إِذَا زَوَّجْتَ عَلِيًّا مِنْ فَاطِمَةَ خَلَقْتَ مِنْهَا أَحَدَ عَشَرَ إِمَامًا مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ يَكُونُونَ مَعِيَ اِثْنِي عَشَرَ إِمَامًا كُلُّهُمْ هُدَاةٌ لِأُمَّتِكَ يَهْتَدُونَ بِهَا كُلُّ أُمَّةٍ بِإِمَامٍ مِنْهَا وَ يَعْلَمُونَ كَمَا عَلِمَ قَوْمُ مُوسَى مَشْرَبَهُمْ (بحار الانوار جلد ۳۶ صفحه ۲۶۵).

که دوازده امام می‌باشند و از هر نه‌ری کلی علوم الهی صادر شده است. و نه‌ر بزرگ و پرفایده نه از نظر وضع امام بلکه از نظر قابلیت مردم، که حضرت بقیة‌الله ارواح‌نافداه است باقی مانده است.

ما باید حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام را بشناسیم نه اینکه او چادر سر کرده و در جنگها به حضرت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کمک کرده است اینها را از فضایل او می‌گویند. اگر قرار است این چیزها گفته شود همان بهتر که نگویند و قیاس به خود نکنیم. «لایقاس بنا احد»^(۱) حتی با پیامبران اولوالعزم نباید اینها را قیاس کرد. چون این چهارده نور مقدس اول موجود هستند. از روزی که حضرت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از دنیا رفتند تا سوم جمادی‌الثانی هر مصیبتی حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام دیدند به پای این مصیبت نمی‌رسد که مردم قدر او را نمی‌دانستند. همه این مسائل ممکن است برای مردم دیگر اتفاق بیافتد. اگر او زن معمولی یا پائین‌تر باشد خب آن قدر زنها کتک خورده‌اند، بچه سقط کرده‌اند... اما اگر حضرت فاطمه علیها‌السلام را بشناسیم، بدانیم چه کسی بوده است، در یک برخورد با او تعظیم نکنیم مصیبت است. دیدها فرق می‌کند، آن فاطمه زهرائی که در بیانات افراد هست، هیجده سال بیشتر عمر نکرد، خب در این مدت ازدواج کرده؟ اینها فضیلت یا مصیبت است؟ او یک شخصیت علمی دارد که همه حکمت را که بشر لازم داشته خدای تعالی به او داده است. او مثل بقیة‌معصومین علیهم‌السلام تواضع کرده و برای ما آمده است لباس ما را پوشیده است اینها مصیبت است که چرا او را به غضب آوردیم؟ چرا از وجود او کم استفاده کردیم.

۱ - فَكَذَلِكَ نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ لَا يُقَاسُ بِنَا أَحَدٌ (وسائل الشیعه جلد ۱۰ صفحه ۳۱۲).

سؤال شصتم:

چرا در زمان حیات حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه زهرا علیها السلام خیلی مطرح نبود؟

پاسخ ما:

تا زمانی که حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حیات داشتند حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به یک معنا مطرح نبودند. با بودن حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و حکمت حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و خورشید تابان حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و قرآن مجید، شاید مردم حتی توجهی به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نداشتند. بعد از حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که «ارتد الناس بعد النبی الا ثلاث»^(۱) که روایاتش مختلف است. مردم از اسلام و حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله دور شدند تا چه رسد به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام آن هم در آن مدت کم یعنی ۹۵ روز حد نهایی زمانی است که گفته شده است و الا ۴۵ یا ۷۵ روز هم گفته اند. در این مدت از سن با این همه گرفتاری خدای تعالی نام او را کوثر گذاشت یعنی دشمن حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله مقطوع النسل است و حضرت فاطمه علیها السلام کوثر است.

۱ - عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ ارْتَدَّ النَّاسُ بَعْدَ النَّبِيِّ إِلَّا ثَلَاثَةً نَفَرِ الْمُقْدَادُ بْنُ الْأَسْوَدِ وَ أَبُو ذَرٍّ الْغِفَارِيُّ وَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ، ثُمَّ إِنَّ النَّاسَ عَرَفُوا وَ لَحِقُوا بَعْدُ. (بحار الانوار جلد ۴۳ صفحه ۴۷۲).

سؤال شصت و یکم:

چرا گفته‌اند درباره دردهای بدنی به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

متوسّل شوید؟

پاسخ ما:

در حدیثی که سندش بسیار معتبر است. مرحوم آیت‌الله نجفی این سند را پیدا کرده و در اختیار گذاشته و حدیث کساء است. حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله بر حضرت فاطمه علیها السلام وارد می‌شود و می‌فرماید: «اَنْتِ لاجد...» ای فاطمه در بدنم ضعفی احساس می‌کنم. حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می‌فرمایند: ای پدر تو را به خدا پناه می‌دهم. لذا وقتی کسای یمانی را روی حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌کشد، می‌گویند: «سرت...» همین شخص که از نظر بدنی ضعفی در اثر اذیت مردم دارد می‌گویند: برگشتم نگاه کردم دیدم صورتش مثل یک ماه شب چهارده می‌درخشد و چیزی از ضعف باقی نمانده. حضرت فاطمه زهرا علیها السلام شفاء و رحمة للمؤمنین است. ولی «وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا»^(۱) وقتی آن دو نفر به عیادتش آمدند به اینها فرمودند شما شنیده‌اید از حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله که فاطمه علیها السلام پاره تن من است گفتند شنیدیم



هر که او را برنجاند مرا رنجانده... بعد فرمودند خدایا شاهد باش اینها مرا اذیت کردند. (۱)

اگر می خواهید در دنیا هم روحتان و هم بدنتان سالم باشد هر روز صبح زیارتی از حضرت زهرا علیها السلام بکنید و بگوئید: «یا مولاتی یا فاطمة الزهراء اغیثینی» این همان کلمه «لا اله الا الله» است که فرمود: «فمن دخل حصنی امن من عذابی».

۱ - فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّمَا أَتَيْنَاكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَاجْتِنَابَ سَخَطِكَ نَسْأَلُكَ أَنْ تَغْفِرَ لَنَا وَتَصْفَحَ عَمَّا كَانَ مِنَّا إِلَيْكَ قَالَتْ لَا أَكَلُمُكُمَا مِنْ رَأْسِي كَلِمَةً وَاحِدَةً حَتَّى أَلْقَى أَبِي وَ أَشْكُوكُمَا إِلَيْهِ وَ أَشْكُو صُنْعَكُمَا وَ فِعَالَكُمَا وَ مَا ارْتَكَبْتُمَا مِنِّي قَالَا إِنَّا جِئْنَا مُعْتَذِرِينَ مَسْتَعِينِينَ [مُسْتَعِينِينَ] مَرْضَاتِكَ فَاعْفِرِي وَ اصْفَحِي عَنَّا وَ لَا تُؤَاخِذِينَا بِمَا كَانَ مِنَّا فَالْتَفَتَتْ إِلَى عَلِيٍّ عليه السلام وَ قَالَتْ إِنِّي لَا أَكَلُمُهُمَا مِنْ رَأْسِي كَلِمَةً حَتَّى أَسْأَلَهُمَا عَنْ شَيْءٍ سَمِعَاهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَإِنْ صَدَقَانِي رَأَيْتُ رَأْيِي قَالَا اللَّهُمَّ ذَلِكَ لَهَا وَ إِنَّا لَا نَقُولُ إِلَّا حَقًّا وَ لَا نَشْهَدُ إِلَّا صِدْقًا فَقَالَتْ أَنُشِدُكُمَا بِاللَّهِ أ تَذْكُرَانِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ اسْتَخْرَجَكُمَا فِي جَوْفِ اللَّيْلِ بِشَيْءٍ كَانَ حَدَثَ مِنْ أَمْرِ عَلِيٍّ فَقَالَا اللَّهُمَّ نَعَمْ فَقَالَتْ أَنُشِدُكُمَا بِاللَّهِ هَلْ سَمِعْتُمَا النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهَا مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَ مَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهُ وَ مَنْ آذَاهَا بَعْدَ مَوْتِي فَكَانَ كَمَنْ آذَاهَا فِي حَيَاتِي وَ مَنْ آذَاهَا فِي حَيَاتِي كَانَ كَمَنْ آذَاهَا بَعْدَ مَوْتِي قَالَا اللَّهُمَّ نَعَمْ فَقَالَتْ الْحَمْدُ لِلَّهِ ثُمَّ قَالَتْ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ فَاشْهَدُوا يَا مَنْ حَضَرَنِي أَنَّهُمَا قَدْ آذَانِي فِي حَيَاتِي وَ عِنْدَ مَوْتِي وَ اللَّهُ لَا أَكَلُمُكُمَا مِنْ رَأْسِي كَلِمَةً حَتَّى أَلْقَى رَبِّي فَأَشْكُوكُمَا إِلَيْهِ بِمَا صَنَعْتُمَا بِهِ وَ بِي وَ ارْتَكَبْتُمَا مِنِّي (بحار الانوار جلد ۴۳ صفحه ۲۰۴)

سؤال شصت و دوم:

«فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ * إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» به چه معنا

می باشد؟

پاسخ ما:

خدای تعالی که الله اکبر است، خدای که بزرگتر از آن است که بشود او را وصف کرد، به حضرت پیغمبر اکرم ﷺ با آن عظمت می فرماید: ما به تو کوثر و خوبی های زیادی اعطا کرده ایم که در قبال این عطیه نماز شکر بخوان و قربانی کن. آن هم نه گوسفند بلکه شتر قربانی کن.

بعد می فرماید: «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» در مقابل این خیر کثیر و با دادن این خیر کثیر دشمن تو مقطوع می شود و یاد و اسمی از نسل شان باقی نمی ماند.

این خیر کثیر که ذریه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام هستند، اگر نبودند اسلام از بین رفته بود. اگر لازم بود با معاویه صلح کنند تا اسلام باقی بماند صلح کردند. اگر لازم بود کشته بشوند و زن و فرزندان شان اسیر شوند در کربلا آن همه فجایع به وجود بیاید این کارها را انجام دادند تا اسلام حفظ شود. اگر بنا بود گوشه ای بنشینند و با خواندن دعا، صحیفه های سجّادیه را در بین مردم پخش کنند و مردم از این صحف استفاده کنند، کردند. اگر بنا بود با علومشان، با روایاتشان، با احادیثشان



(حضرت امام باقر علیه السلام و حضرت امام صادق علیه السلام) اسلام را حفظ کنند، انجام دادند. و اگر بنا بود در گوشه زندان، در قعر چاه، در ظلم و در آن فشارهای فوق العاده هارون الرشید قرار گیرند و اسلام را حفظ کنند، کردند. و اگر بنا بود با مسافرت های طولانی (حضرت امام رضا علیه السلام) از مدینه تا طوس و آن هم به سوی دشمنی که هیچ رحمی ندارد حرکت کنند، کردند تا اسلام باقی بماند و بالاخره انشاءالله یک روزی آخرین فرزندشان حضرت بقیه الله خواهد آمد «و یملأ الارض قسطاً او عدلاً بعد ملئت ظلماً و جوراً» تمام مردم کره زمین را به طرف کمالات و علم و دانش و تقوی و عدالت رهنمون می کنند و دین مقدس اسلام را تا روز قیامت پا برجا می کنند. «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ».^(۱)

سؤال شصت و سوم:

چه کسی کوثر را معنا کرده است؟

پاسخ ما:

حضرت پیامبر اکرم ﷺ وقتی وارد مسجد شد او را سرزنش کردند گفتند تو پسر نداری، دین و آئین تو از بین می‌رود، جبرئیل نازل شد «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» یا رسول‌الله ما به تو کوثر دادیم. نمی‌گویند فاطمه دادیم.^(۱) یک لقبی برای حضرت فاطمه زهرا علیها السلام گذاشته و خود خدای تعالی در قرآن آن لقب را معنا کرده است «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا»^(۲) کوثر خیر کثیر است. حضرت فاطمه زهرا علیها السلام حوض کوثر است. تمام حکمت الهی! آنچه تا روز قیامت برای بشر لازم بوده که از علم و حکمت پروردگار استفاده کنند در میان این جایگاه علم و دانش، خدای تعالی او را قرار داده است. از این کوثر علم و حکمت نهرهای بزرگی «اثنی

۱ - قَالَ الْكَوْثَرُ نَهْرٌ فِي الْجَنَّةِ أَعْطَى اللَّهُ مُحَمَّدًا عِوضًا مِنْ ابْنِهِ إِبْرَاهِيمَ قَالَ دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَى عَمْرِو بْنِ الْعَاصِ وَالْحَكَمِ بْنِ أَبِي الْعَاصِ فَقَالَ عَمْرُو يَا بَا الْأَثَرِ وَكَانَ الرَّجُلُ فِي الْجَاهِلِيَّةِ إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ يُسَمَّى أَبْتَرُ ثُمَّ قَالَ عَمْرُو إِنِّي لَأَسْأَلُ مُحَمَّدًا أَيُّ أُبْعِضُهُ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ ﷺ إِنَّ شَأْنَكَ أَيُّ مُبْعِضَكَ عَمْرُو بْنُ الْعَاصِ هُوَ الْأَثَرُ يَعْنِي لَا دِينَ لَهُ وَلَا نَسَبَ (بحار الانوار جلد ۱۷ صفحه ۲۰۹).

۲ - سوره بقره آیه ۲۶۹.

عشر نقیباً»^(۱) جاری شده است. همان طور که حضرت موسیٰ علیه السلام عصایش را به حجر زد «فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ اُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ»^(۲) «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ»^(۳) روز قیامت هر کس از هر نهری که از این کوثر استفاده کرده با همان نهر و امام مبعوث می شود و ما افتخار داریم با بزرگترین نهر این کوثر، وجود مقدس حضرت بقیه الله ارواحنا فداه مبعوث می شویم.

۱ - سوره مائده آیه ۱۲.

۲ - سوره بقره آیه ۶۰.

۳ - سوره اسراء آیه ۲۷۱.

سؤال شصت و چهارم:

بُعد معنوی و ملکوتی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و کوثر

چیست؟

پاسخ ما:

ملکوت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، کوثر، حوضی است که از قلب مقدّس حضرت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که رابط بین ما و خدا جاری شده، علم و حکمت در آن حوض وارد می شود و از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به تمام ائمه اطهار علیهم السلام می رسد. لذا در تفسیر کوثر همه گفتند منظور خیر کثیر است، یعنی خوبی زیاد. خدای تعالی می گوید: خوبی زیاد. با توجّه به عظمت خدا، خوبی زیادی که به حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عطا کرده، حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله باید به خاطر این عطیه نحر کند. در تفسیر گفتند حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله یا باید شتر نحر کند یا گاو وقتی به انسان عنایتی لطفی می شود برای اینکه مردم او را چشم نکنند، به او حسادت نکنند، قربانی می کنند و معمولاً گوسفند قربانی می کنند، نعمت بزرگی باشد گاو و اگر بزرگتر باشد شتر، از شتر حیوانی بزرگتر که قابل قربانی کردن باشد نداریم. لذا خدای تعالی به حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «أَوَّلًا «فَصَلِّ لِرَبِّكَ» صلوات یا نماز بخوان و بعد نحر کن. چون دشمن تو مقطوع النسل است. تو با همین دختر هم نسلت زیاد می شود



هم حکمت به وسیله او زیاد می شود. اگر انسان خوب قرآن را بفهمد حکمت لازمه آن است حکمت به او تعلیم می دهند. این حکمت خیر کثیر است، خیر کثیر کوثر است و کوثر کیست؟ به تصریح تمام مفسرین شیعه و سنی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است. حضرت فاطمه زهرا علیها السلام هیجده ساله، جان چه باشد که نثار قدم دوست کنم. حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «فداها ابوها» روایت است. حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «ان فاطمه احصنت فرجها و...»^(۱) فاطمه علیها السلام چون دامنش پاک است خدای تعالی فرزندان او تا روز قیامت بر آتش جهنم حرام قرار داده است به خاطر پاکی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام.

۱- إِنَّ فَاطِمَةَ أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ ذُرِّيَّتَهَا عَلَى النَّارِ (بحار الانوار جلد ۴۳ صفحه ۲۰ به نقل از عیون اخبار الرضا علیه السلام).

فهرست

موضوع	صفحه
پیشگفتار	۵
سؤال اول: «کوثر» و «حوض کوثر» چیست؟ لطفاً درباره معنای «کوثر» توضیحاتی بفرمائید؟	۶
سؤال دوم: چگونه می توانیم در همین دنیا، نهایت استفاده را از حوض و نهر کوثر ببریم؟	۱۷
سؤال سوم: لطفاً کلمه کوثر را تفسیر کنید.	۲۲
سؤال چهارم: «شَانِئَكَ» در سوره کوثر به چه معنا می باشد؟	۲۳
سؤال پنجم: «اَبْتَر» در سوره کوثر به چه معنا می باشد؟	۲۷
سؤال ششم: «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» آیا این آیه شامل هر کسی که دشمنی با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نماید، می شود؟	۳۱
سؤال هفتم: با توجه به بعضی احادیث، آتش جهنم بر ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله حرام است، اما بعضی سادات از این موهبت الهی سوءاستفاده کرده و در این دنیا به گناه و معصیت پرداخته اند، بفرمائید چطور ممکن است فرد سید گنهکار و فردی که تمام وقتش را صرف عبادت و خدمت به خلق می کند، هر دو به بهشت می روند؟	۳۲
سؤال هشتم: لطفاً این جمله را توضیح دهید که «اگر فاطمه زهرا علیها السلام نبود خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام را خلق نمی کرد».	۳۵
سؤال نهم: اعتقاد ما به تبری و تولی نسبت به سادات سنی و یا ساداتی که اعتقادات درستی ندارند و یا سادات بدعت گذار در دین باید چگونه باشد تا قلب امام زمان علیه السلام از ما خشنود باشد؟	۳۷
سؤال دهم: آیا فرزندان حضرت زهرا علیها السلام هم نیاز به تربیت داشتند؟	۴۰
سؤال یازدهم: چرا حضرت زهرا علیها السلام غضب کردند؟	۴۱
سؤال دوازدهم: آیا محبین خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام خصوصاً محبین حضرت	

- ۴۳ فاطمه زهرا علیها السلام به جهنم می روند؟
- سؤال سیزدهم: آیا محبین فاطمه زهرا علیها السلام را با دشمنان حضرت در یک جا عذاب می کنند؟ ۴۵
- سؤال چهاردهم: خدای تعالی آب کوثر و حکمت الهی را چه وقت در قلب انسان قرار می دهد؟ ۴۷
- سؤال پانزدهم: در قیامت چه تجلیلی از حضرت زهرا علیها السلام می کنند؟ ۵۱
- سؤال شانزدهم: پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به دو نفر از فرزندانش پاره تن گفتند، آن دو فرزند کدامند؟ ۵۵
- سؤال هفدهم: فضیلت سادات را در خصوص آیه «سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنَ» از حضرت رضا علیه السلام نقل فرمائید؟ و آیا «سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنَ» صحیح است و یا «سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنَ»؟ ۵۸
- سؤال هیجدهم: تسبیحات حضرت فاطمه زهرا علیها السلام چه فائده و اثراتی دارد و چرا ما از این اثرات بی بهره ایم؟ ۶۱
- سؤال نوزدهم: چرا وقتی فاطمه زهرا علیها السلام از غیب مکنون مطالبی را بیان می فرمایند حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام تعجب می کنند؟ ۶۳
- سؤال بیستم: لطفاً توضیح بیشتری در خصوص اهمیت محبت به فرزندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عنایت بفرمایید؟ ۶۵
- سؤال بیست و یکم: آیا ارواح سادات در عالم ارواح قبل از عالم ذر سید بودند؟ ۶۷
- سؤال بیست و دوم: چرا حضرت رضا علیه السلام به زید فرمودند: تو را کلام روّات کوفه مغرور کرده که «ان فاطمه احصنت خرجها محرّم الله ذریتها علی النار»؟ ۶۸
- سؤال بیست و سوم: روایاتی مانند گریه زیاد فاطمه زهرا علیها السلام و ناراحت شدن مردم مدینه و یا بی حال شدن حضرت علی علیه السلام در نخلستان صحیح است یا جزو روایات وارد شده نیست؟ ۶۹
- سؤال بیست و چهارم: آیا درست است که چهار زن با عظمت دنیا در قبل از اسلام، در زمان

- تولد فاطمه زهرا علیها السلام حضور داشتند؟ ۷۱
- سؤال بیست و پنجم: لطفاً نظرات دیگران درباره سیادت از طرف مادر را بفمائید... ۷۳
- سؤال بیست و ششم: چرا خدای تعالی بعد از عنایت کوثر به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: نماز بخوان؟ ۷۴
- سؤال بیست و هفتم: در مورد این آیه «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» توضیح دهید منظور چه کسی است؟ ۷۶
- سؤال بیست و هشتم: چگونه می توانیم در این زمان حضرت زهرا علیها السلام را الگوی خود قرار دهیم؟ ۸۰
- سؤال بیست و نهم: آیا احترام سادات بر خود سادات نیز واجب است؟ ۸۴
- سؤال سی ام: درباره کلام حضرت زهرا علیها السلام که بهترین چیز برای زن این است که او هیچ مردی را نبیند و هیچ مردی هم او را نبیند توضیح دهید. ۸۵
- سؤال سی و یکم: در انوارالزهراء علیها السلام فرموده اید: هر کس به سادات ظلم کند مورد غضب خداوند واقع می گردد، اگر ظلم کننده خودش هم سید باشد چطور می شود؟ ۸۶
- سؤال سی و دوم: چرا وفات حضرت زهرا علیها السلام معین نیست؟ ۸۷
- سؤال سی و سوم: چرا حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در مدت ۹۵ یا ۷۵ روز آن همه گریست؟ ۸۸
- سؤال سی و چهارم: اگر فاطمه زهرا علیها السلام و فرزندان او نبودند چه می شد؟ ۹۰
- سؤال سی و پنجم: چرا به ظالمین به حق فاطمه زهرا علیها السلام «اشقی الاشقیاء یا اشقی الاولین» می گویند؟ ۹۳
- سؤال سی و ششم: شما در کتاب انوارالزهراء علیها السلام علت دادن فرزند به پدر را در وقت جدایی والدین نفقه دادن مطرح کردید، آیا مادر از نظر تربیت نقش بیشتری ندارد؟ و آیا اگر مادری بتواند خرج فرزند را بدهد، می تواند عهده دار شود؟ ۹۶
- سؤال سی و هفتم: آیا در غیر خانه فاطمه زهرا علیها السلام جای دیگری هم آیه تطهیر نازل شده است؟ ۹۷



- سؤال سی و هشتم: آیا می توان گفت حضرت زینب علیها السلام تالی تلو معصوم است؟ ۹۹
- سؤال سی و نهم: معنای سیادت چیست و از چه کسی شروع می شود؟ ۱۰۲
- سؤال چهلیم: چگونه باید فاطمه زهرا علیها السلام را احترام کرد؟ ۱۰۳
- سؤال چهل و یکم: آیا هر که فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله بود حتی اگر بی تقوی باشد ارزشمندتر از شخص غیر سید پاک و با تقوی است لطفاً توضیح فرمائید؟ ۱۰۵
- سؤال چهل و دوم: آیا می شود که شیعیان جزء اهل بیت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله شوند؟ ۱۰۸
- سؤال چهل و سوم: حدیث شریف کساء در چه مواقعی خوانده می شود و چه اثراتی دارد؟ ۱۱۱
- سؤال چهل و چهارم: چرا حدیث کساء این قدر اهمیت دارد؟ و چرا زمانی که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله احساس ضعف نمودند به خانه حضرت زهرا علیها السلام تشریف بردند؟ این عمل برای ما چه مطلب و درس مهمی را به همراه دارد؟ ۱۱۲
- سؤال چهل و پنجم: حدیث کساء چگونه مقام حضرت زهرا علیها السلام را بیان می فرماید؟ ۱۱۳
- سؤال چهل و ششم: در مورد حدیث کساء توضیحاتی بفرمائید؟ و آیا سند آن صحیح است؟ و چرا حضرت زهرا علیها السلام موجب امتحان بودند؟ ۱۱۶
- سؤال چهل و هفتم: معنای محدثه که از القاب حضرت زهرا علیها السلام است، چیست؟ ۱۲۰
- سؤال چهل و هشتم: از این آیه قرآن «سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنَ» چه قدر و منزلتی برای سادات می توان تصوّر کرد؟ ۱۲۲
- سؤال چهل و نهم: مقام حضرت زهرا علیها السلام با توجه به مضمون «لولا فاطمه لما خلقتکما» بالاتر است یا پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام؟ ۱۲۴
- سؤال پنجاهم: در آیه «وَآتِ ذَا الْقُرْبٰی حَقَّهُ» منظور از ذالقربی کیست؟ و چه فضائلی دارد که به قرابت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نسبت داده شده؟ ۱۲۶
- سؤال پنجاه و یکم: چرا و بخاطر چه خصوصیتی خدای تعالی به فرزندان غیر معصوم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این همه محبت کرده است؟ ۱۲۹

- سؤال پنجاه و دوم: شفاعت فرزندان خاطی حضرت زهرا علیها السلام با عدالت چگونه جمع می شود؟ ۱۳۱
- سؤال پنجاه و سوم: گریه ما برای فاطمه زهرا علیها السلام برای چیست؟ ۱۳۲
- سؤال پنجاه و چهارم: راه ارتباط با حوض کوثر و استفاده از حکمت آن چگونه است؟ ۱۳۴
- سؤال پنجاه و پنجم: آیاتی که در قرآن آمده و نامی از رجال برده شده که همه باید آن طور باشند آیا شامل خانم ها هم می شود؟ و یا فقط اختصاص به حضرت زهرا علیها السلام دارد؟ ۱۳۵
- سؤال پنجاه و ششم: در چه زمانی خدای تعالی فاطمه زهرا علیها السلام را به پیامبر صلی الله علیه و آله عطا کرد؟ ۱۳۷
- سؤال پنجاه و هفتم: چگونه از وجود فاطمه زهرا علیها السلام استفاده کنیم پیشرفت خواهیم کرد؟ ۱۳۸
- سؤال پنجاه و هشتم: فاطمه زهرا علیها السلام چگونه شجره ملعونه بنی امیه را قطع کرد؟ ۱۴۰
- سؤال پنجاه و نهم: از نظر اهل معرفت، مصیبت حضرت زهرا علیها السلام چه چیزهایی بوده است؟ ۱۴۳
- سؤال شصتم: چرا در زمان حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فاطمه زهرا علیها السلام خیلی مطرح نبود؟ ۱۴۷
- سؤال شصت و یکم: چرا گفته اند درباره دردهای بدنی به فاطمه زهرا علیها السلام متوسل شوید؟ ۱۴۸
- سؤال شصت و دوم: «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنحَرْ * إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» به چه معنا می باشد؟ ۱۵۰
- سؤال شصت و سوم: چه کسی کوثر را معنا کرده است؟ ۱۵۲
- سؤال شصت و چهارم: بُعد معنوی و ملکوتی فاطمه زهرا علیها السلام و کوثر چیست؟ ۱۵۴
- فهرست ۱۵۶

